

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصل عدم تبعيض

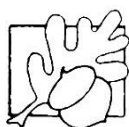
«اسناد بين المللى حقوق بشر و حقوق ايران»

مؤلف: محمود عربلو

محقق دكتورى حقوق بين الملل عمومى

سرشناسه	عربلو، محمود - ۱۳۵۳
عنوان و نام پدیدآور	اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران - محمود عربلو
مشخصات نشر	تهران، نشر برنیس ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۱۹۲ ص
شابک	ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۹۲-۴۶-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	فارسی
موضوع	تبعیض- قوانین و مقررات- حقوق بشر - ایران
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ۶الف۴ع/۳۲۴۲K
رده‌بندی دیویی	۳۴۲/۰۸۷۳
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۴۰۶۶۸

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران



نشر برنیس

مؤلف	محمود عربلو
ناشر	برنیس
مدیر تولید	نیلوفر شامرادی
مدیر اجرایی	محمد هادی احمدی
صفحه آرایی و طراحی جلد	انتشارات برنیس
تیراژ	۵۰۰ جلد
نوبت چاپ	اول - ۱۳۹۵
چاپ و صحافی	نشاط
قیمت	۱۶۳۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۲۹۲-۴۶-۳

دفتر انتشارات: تهران، میدان ولیعصر (عج)، نرسیده به خیابان زرتشت شرقی، کوچه ناصر، پلاک ۳۲، واحد ۳،
تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۳۱۷۱۴ ایمیل: bernisbook@gmail.com
کلیه حقوق و حق چاپ متن و عنوان کتاب که به ثبت رسیده است؛ مطابق با قانون حقوق مؤلفان و مصنفان و مصوب ۱۳۴۸ محفوظ و متعلق به مؤلف می‌باشد. هرگونه برداشت، تکثیر، کپی‌برداری به هر شکل (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی از مؤلف ممنوع بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

فهرست

عنوان.....	صفحه
بخش اول: کلیات.....	۹
مقدمه.....	۹
فصل اول: تعاریف و مفاهیم بنیادین.....	۱۲
مبحث اول: مفهوم شناسی.....	۱۲
گفتار اول: حق و مساوات.....	۱۲
گفتار دوم: عدالت و انصاف.....	۱۸
گفتار سوم: تبعیض و عدم تبعیض.....	۲۲
مبحث دوم: مصادیق تبعیض.....	۲۷
گفتار اول: تبعیض جنسیتی و نژادی.....	۲۷
گفتار دوم: تبعیض عقیدتی و بیگانگان.....	۳۲
گفتار سوم: تبعیض اجتماعی، سنی و آموزشی.....	۳۷
فصل دوم: مبانی فلسفی و اخلاقی منع تبعیض.....	۴۵
مبحث اول: نظریات فلاسفه غیراسلامی.....	۴۵
گفتار اول: ارسطو.....	۴۵
گفتار دوم: کانت و جان رالز.....	۴۸
مبحث دوم: نظریات فلاسفه اسلامی.....	۵۳
گفتار اول: ابن سینا.....	۵۳
گفتار دوم: استاد مطهری.....	۵۵
جمع بندی.....	۵۷
بخش دوم: جایگاه منع تبعیض در اسناد بین المللی.....	۵۹
فصل اول: معاهدات و اعلامیه های منشور سازمان ملل متحد.....	۵۹
مبحث اول: اعلامیه جهانی حقوق بشر.....	۶۳

گفتار اول: اعلامیه رفع همه اشکال عدم تساهل مبتنی بر مذهب یا عقیده.....	۶۸
مبحث دوم: جایگاه منع تبعیض در اسناد بین المللی.....	۷۱
گفتار اول: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.....	۷۱
گفتار دوم: میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....	۷۴
مبحث سوم: کنوانسیون ها.....	۷۷
گفتار اول: کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان.....	۷۷
گفتار دوم: کنوانسیون حقوق کودک.....	۸۳
گفتار سوم: کنوانسیون بین المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی.....	۸۶
فصل دوم: اسناد منطقه ای.....	۸۸
مبحث اول: معاهدات اروپایی حقوق بشر.....	۸۸
گفتار اول: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.....	۹۰
گفتار دوم: منشور اجتماعی اروپایی و پروتکل های آن.....	۹۳
گفتار سوم: کنوانسیون معیار برای حفاظت از اقلیت های ملی.....	۹۶
مبحث دوم: معاهدات آمریکایی حقوق بشر.....	۹۸
گفتار اول: کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۲.....	۹۸
گفتار دوم: کنوانسیون آمریکایی پیشگیری مجازات و امحای خشونت علیه زنان.....	۱۰۱
مبحث سوم: معاهدات آفریقایی حقوق بشر.....	۱۰۳
گفتار اول: منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام.....	۱۰۴
گفتار دوم: منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک.....	۱۰۶
مبحث چهارم: اعلامیه اسلامی حقوق بشر.....	۱۰۸
گفتار اول: اعلامیه های شورای اسلامی اروپا واجلاس کویت.....	۱۰۹
گفتار دوم: اعلامیه حقوق بشر شورای اسلامی اروپا.....	۱۱۰
گفتار سوم: اعلامیه اجلاس کویت.....	۱۱۱
گفتار چهارم: اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام.....	۱۱۲

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران	۱۱۷
فصل اول: قانون اساسی	۱۱۷
مبحث اول: اقلیت‌های دینی، قومی، نژادی، ... در قانون اساسی	۱۱۸
گفتار اول: حقوق مشترک اقلیت و اکثریت	۱۲۰
گفتار دوم: تبعیض جنسیتی در قانون اساسی	۱۲۴
مبحث دوم: تبعیض جنسیتی ناروا	۱۲۵
مبحث سوم: حقوق کودک در قانون اساسی	۱۲۹
گفتار اول: حقوق کلی	۱۲۹
تطبیق قانون اساسی با کنوانسیون	۱۲۹
قوانین عادی	۱۳۱
گفتار اول: تبعیض جنسی در قانون مدنی	۱۳۱
گفتار دوم: اقلیت ها در قانون مدنی	۱۳۶
حقوق کودک در قانون مدنی	۱۴۹
مبحث دوم: قانون مجازات اسلامی	۱۵۳
تبعیض جنسیتی در قانون مجازات	۱۵۳
گفتار دوم: حقوق اقلیت ها در قانون مجازات	۱۵۷
گفتار سوم: حقوق کودک در قانون مجازات	۱۶۰
مبحث سوم: قانون کار	۱۶۲
تبعیض جنسیتی در حقوق کار	۱۶۲
حقوق کودک	۱۶۸
اقلیت های قومی نژادی و	۱۷۰
مبحث اول: سایر قوانین	۱۷۴
گفتار اول: حقوق کودکان در قانون گذرنامه	۱۷۴
حقوق اقلیت ها در قانون گذرنامه	۱۷۵
حقوق زن در قانون گذرنامه	۱۷۶

مبحث دوم: قانون استخدام قضات	۱۷۶
گفتار اول: قضاوت زنان	۱۷۶
گفتار دوم: قضاوت اقلیتها	۱۷۸
مبحث سوم: پذیرش دانشجو	۱۷۸
گفتار اول: جنسیت	۱۷۸
گفتار دوم: عقیدتی	۱۷۸
جمع بندی	۱۷۹
نتیجه گیری	۱۸۰
منابع و مأخذ	۱۸۵
منابع فارسی	۱۸۵
مقالات	۱۸۸
قوانین	۱۸۹
منابع انگلیسی	۱۹۰
سایت ها	۱۹۱

بخش اول: کلیات

مقدمه

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

عدالتخواهی و تساوی طلبی از جمله استعدادهای فطری و مشترک ابناء بشر و کرامت و امنیت و آزادی اساسی هم از حقوق بنیادین بشر است. یکی از مباحث اصلی پیش آمده بحث عدالت و مساوات است که به نظر مساوات حق افراد، ولی عدالت وظیفه افراد است. یعنی برخورداری از حقوق یکسان مادی و معنوی در پرتوی قوانین مترقی و پیشرفته حق همگانی است، ولی وظیفه اجرای عدالت همواره از بالادست به پایین دست می باشد، که حکومت نسبت به جامعه خود، پدر نسبت به خانواده و فرزندان خود و یا یک مدیر نسبت به کارمندان خود باید اعمال نماید اما در اجرای عدالت باید انصاف داشت.

گاهی اوقات باید در اجرای عدالت بین افراد فرق گذاشت تا انصاف رعایت شود. بطور مثال اگر کارگر زنی همپای کارگر مرد ۸ ساعت در روز کار می کند و این زن دارای فرزند

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

شیرخوار می باشد، انصاف ایجاب می کند که هر چند ساعت برای گرسنه نماندن این طفل شیرخوار مرخصی شیردهی در نظر گرفته شود. پس در اینجا نوعی تبعیض رواست و ممکن است این تبعیض روا نسبت به افراد مسن و یا خردسال هم در نظر گرفته شود.

حال با بدست آوردن درک کلی از این مباحث باید دید تبعیض و عدم تبعیض چیست و تاکنون چه اقداماتی برای از بین بردن تبعیض ناروا انجام شده است و چقدر کار حقوقی، علمی، عملی و اهتمام جهانی برای از بین بردن آن لازم است. تبعیض در بیان ساده یعنی فرق گذاشتن بین افراد که در مفهوم کلی و در اذهان عمومی فرق گذاشتن کار ناشایستی است و از این رو قاعده منع تبعیض (یعنی مبارزه با تبعیض ناروا) بوجود آمده است و مبارزه با تبعیض به عنوان یک دغدغه جهانی درآمده است.

موضوع منع تبعیض بعد از جنگهای جهانی بیش از پیش مورد توجه مجامع جهانی قرار می گیرد و جامعه جهانی و کشورهای غربی پرچمدار دفاع از حقوق کسانی می شوند که به نوعی مورد تبعیض واقع گردیده اند و با تصویب معاهدات بین‌المللی جهانی و منطقه ای سعی در گسترش اصل منع تبعیض در جهان را دارند که این امر را می توان یکی از تلاش های مهم حقوق بین‌المللی دانست.

ولی نگاه اروپائیان به این موضوع نگاهی متفاوت است و با بررسی ادیان می بینیم که هر کدام در نوع خود به مفهوم کامل برابری ایراد دارند بطور مثال در دین یهود دختران در مواردی از ارث محروم هستند و یا در مسیحیت شخص متوفی می تواند در تقسیم ارث بین افراد تبعیض قرار دهد و در اسلام هم هر چند به مفهوم کامل برابری اعتقاد دارد و در حقوق زن و مرد بیان می کند که زن و مرد از حقوق مساوی برخوردارند ولی از حقوق مشابه برخوردار نیستند. مثلاً ارث دختر کمتر از پسر است و ارث زن کمتر از مرد است ولی برای زن نهاد مهریه را بنا نهاده و حق انفاق زن که بر عهده مرد است. در دین زرتشت هم این عدم توازن دیده می شود. باوجود پیشرفت بی سابقه بین‌المللی در امر محافظت حقوقی از افراد و گروهها در مقابل تبعیض، گزارشهای ارائه شده از سراسر جهان از تداوم اقدامات تبعیض آمیز خبر می دهند. تبعیض، ماهیت چندگانه دارد و در ساختارهای جوامع مدنی اعم

بخش اول: کلیات

از دولتی و غیردولتی روی می‌دهد. تبعیض بر رفتار با افراد در تمامی حوزه های جامعه نظیر سیاست، آموزش، اشتغال، خدمات اجتماعی و پزشکی، مسکن، سیستم زندان و انتظامی و اجرای عدالت کاملاً تاثیر می گذارد..

تبعیض ممکن است عللی از قبیل نژادی، قومی، ملی، فرهنگی، مذهبی، زبانی، جنسیتی، حزبی و غیره داشته باشد. تبعیض جنسی از جمله آن است، حق زن در اموال زناشویی، حق ارث برابر با مردان، حق کار توسط قوانین محدود می شوند از این رو می توان گفت زنان مورد خشونت و سوءاستفاده جنسی بوده و مورد تبعیض دوگانه نژادی و جنسی و یا سیاسی و جنسی قرار می گیرند.

امروزه شمار زیادی از مردم بویژه زنان و کودکان به دلیل فقر، پناهندگی و مهاجرت، قاچاق انسان، نژادپرستی و غیره در معرض تبعیض هستند.

از این رو جامعه بین المللی مصمم به رویارویی با مظاهر تبعیض در جوامع انسانی بوده و با همیاری دول عضو سازمانهای بین المللی مانند سازمان ملل متحد، معاهداتی را در این خصوص منعقد نموده است.

در این راستامقدمه منشورملل متحدبر حقوق اساسی بشروبه حیثیت وارزش شخصیت انسانی وبه تساوی حقوق زن ومردوهمچنین میان ملت هااعم ازکوچک وبزرگ تاکید نموده است.

بدین ترتیب منشورملل متحدکه میتوان باتسامح آن راقانون اساسی بین المللی نامید، برمبنای اصل برابری بین دولتهاوارزش برابرانسانها پایه گذاری شده است.این تحقیق درپی تعمق درمفهوم اصل منع تبعیض دراسنادبین المللی حقوق بشربوده آثارحقوقی آنرا درزمینه تکالیف وتعهدات دولتها-بویژه موضع حقوق ایران را-درقبال آن اسناد مورد بررسی و نقد قرارمی دهد.

۱- اصل عدم تبعیض در اسناد بین المللی حقوق بشروحقوق ایران چه جایگاهی دارد؟

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

۲- باتوجه به اسلامی بودن قوانین ومقررات در نظام نوین حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تعارضات بوجودآمده میان مصوبات مذکور وتعهدات ناشی ازاسناد بین المللی حقوق بشری، چگونه بر طرف می شود؟

فصل اول: تعاریف ومفاهیم بنیادین

مبحث اول: مفهوم شناسی

گفتار اول: حق و مساوات

الف-حق

واژه هایی در زبان است که بار معنایی آن هاهم سنگین و هم متنوع است حق یکی از این واژه هاست معنایی که این واژه در ذهن ما القاء می کند بسیار سیال و غنی و پیچیده است.^۱ حقوق جمع کلمه حق است و حق در زبان فارسی سزاوار روا و مقابل باطل است و در زبان عرب معادل همین معنا را دارد. حق به معنای توانایی و اختیار قانونی افراد و به طور کلی می توان گفت توانایی و اختیار قانونی افراد جامعه نسبت به شخص یا شی معین و یا به طور کلی به انجام امری در جامعه می باشد.^۲

حق (*claim, title, right*) در لغت به معنای ثبوت و ضد باطل و جمع آن حقوق و حقایق است چنانکه در قرآن کریم آمده است «ولا تلبسوا الحق با باطل» حق را به باطل درنیامیزید.

حق به معنای وجوب نیز در زبان عربی آمده است، چنانکه می فرماید: «ولکن حقت کلمه العذاب علی الکافرین» و اما وعده عذاب در حق کافرین لازم آمده، و تحقیق در لغت به معنای تصدیق است چنانکه اگر عرب بگوید: «حققه» یعنی او را تصدیق کرد.

^۱ موحد، محمدعلی، حق چیست، ۹۱/۱/۶، www.vekalat.orj

^۲ واحدی، قدرت الله، مقدمه علم حقوق، چ اول، تهران، نشر میزان ۱۳۸۴ ص ۱۸

بخش اول: کلیات

در علم اصول به وحی الهی و اوامر پیامبر اکرم (ص) حق می گویند فتحی در ینی در این باره می گوید: «حق در شریعت اسلامی بیانگر یک قاعده اساسی برای قانونگذاری است و با این ویژگی ها قابل تشخیص است:

(۱) دارای مفهوم فردی و نیز مفهوم اجتماعی است چرا که اولاً در آن حق فرد در نظر گرفته شده ثانیاً در مقام انتفاع مفهوم اجتماعی آن نیز لحاظ شده است.

(۲) حق جامعه «عمومی» در شریعت اسلامی به علت فراگیری و بزرگی ارزش آن حق الله خوانده می شود.

(۳) در شریعت اسلامی پذیرش حقوق فردی و اجتماعی به مفهوم اعتبار بخشیدن برابر مصلحت فردی و مصالح اجتماعی است چرا که حق به منزله افزاری برای مصلحت که غایت است می باشد.

(۴) در نظر داشتن مصلحت عمومی و فردی با یکدیگر معیار و مایه دادگری است که باید برای تحقق آن کوشید تا یکی موجب از بین رفتن دیگری نشود.

(۵) در صورت تعارض میان حق فردی و حق عمومی باید مصلحت عمومی را ترجیح داد. زیرا که اقتضای عدل فدا نکردن مصلحت بزرگتر برای مصلحت فردی است و این امری است که هم عقل و هم دین آن را مقرر می دارد.

در فقه و حقوق حق را این چنین تعریف کرده اند: «حق اختصاصی است که شرع آن را به قدرت و پایه تفکیک مقرر می دارد.»

تعریف حق به دلیل تنوع موارد آن کار آسانی نیست زیرا باید از آن تعریفی ارائه داد که حقوق دینی، مدنی، اخلاقی، عمومی، مالی و غیر مالی و... را در بر گیرد. از این رو بسیاری از فقیهان از حق به اعتبار موضوع تعریف کرده اند. چنانکه برخی آن را هم ثابت شرعی و برخی مال مملوک و برخی وصف شرعی دانسته اند.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

تعریف فقهی از حق ویژگی خاص خود را دارد. بر خلاف حقوق که در آن منشاء حق آن در فقه متفاوت است فقیهان منشاء حق را اراده الهی دانسته و معتقدند که حق چیزی است که خداوند متعال به بشر بخشیده است.

از این رو فقه‌های اسلامی برای هر حق شرعی به دنبال دلیل می‌گردند یعنی حقوق شرعی باید مستند به دلیل شرعی باشد.

اما از سوی دیگر برخی معتقد به حق طبیعی و یا حق عقلی هستند. اینان معتقدند که مصدر حق طبیعی شرعی است و هر کس به محض پیدایی به طور طبیعی دارای حق است و قائلان به نظریه دوم را عقیده بر آن است که به حکم خرد تا بشری پدید آید باید برای او قائل به حق شد.^۱

طیفی از متفکران از لحاظ فلسفی میان حق بودن و حق داشتن قائل به تفکیک شده‌اند. «حق بودن» مفهومی ارزشی و اخلاقی است و به معنای صواب و درستی است. ولی حق داشتن یک مفهوم حقوقی و اعتباری می‌باشد و الزاماً واجد جنبه‌های ارزشی و اخلاقی نمی‌باشد.

«وینشلد» حقوق دان آلمانی با الهام از نظرات ساوینی، حق را این چنین تعریف می‌کند: «توان و قدرتی است که نظم حقوقی به اراده اعطا کرده است».^۲

گروهی از فقها از حق به «توان تصرف» تعریف کرده‌اند. فقیهان حق را درجه‌ای ضعیف از مالکیت می‌پندارند.^۳

از نظر پوفندروف حق و سلطه یک چیز هستند با این تفاوت که سلطه یک مفهوم مادی و تحلیلی بوده ولی حق استیلای مشروع و قانونمند است.^۴

^۱ طاهری، محمد علی، دانشنامه حقوق خصوصی، ج دوم، تهران، انتشارات جنگل ۱۳۸۸ ص ۸۳۵

^۲ کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، دادگستر، چ سوم، ۱۳۷۷. ص ۳۷۲

^۳ همان، ص ۳۷۳

^۴ موجد، محمد علی، در هوای حق و عدالت، تهران، کارنامه، چ سوم، ۱۳۸۱ ص ۴۴

بخش اول: کلیات

عوامل گوناگون در ساختمان قواعد حقوقی موثرند و ضرورت های اقتصادی و سیاسی و آرمان های اخلاقی و مذهبی هر کدام در این راه سهم بسزایی دارند. قانونگذار باید به وسیله تجربه و مشاهده و به یاری جامعه شناسی این ضرورت ها را بشناسد. ولی حقوق مانند علوم تجربی تنها در پی احراز واقعیت ها نیست. نتیجه این کاوش ها در ترازوی عقل سنجیده می شود و قانونگذار می کوشد تا بهترین قاعده را در این میان بیابد و در انتخاب آن نظم عمومی و عدالت را هر چه بیشتر رعایت کند.^۱

برای توجیه حقوق اشاره به طبیعت انسان کفایت نمی کند واقعیات مربوط به طبیعت هیچ مبنایی را برای ارائه استدلالی قانع کننده و منطقی درباره حقوق که داریم فراهم نمی کند. اگر هم طبیعت انسان باتوجیه حقوق اخلاقی ارتباط داشته باشد، باید به این دلیل باشد که نوع شناخت ما از خود - نیازمندی ها و توانایی هایمان - متضمن برخی از ارزش ها و اصول و تعهداتی است که راضی به رها کردن آنها نیستیم.

کلاً یا تا حدودی به بهترین وجه در قالب حقوق فردی بیان می شوند دست کم نیاز به توجیه در واقع همان نیاز به شناختن این ارزش ها، اصول و تعهدات است. انتظار می رود که ارزش های مورد بحث ارزش های نسبتاً مهمی می باشند. چنان که بیان شد معمولاً اینگونه تصور می شود که در بحث اخلاقی حقوق (*rights*) نسبت به ملاحظات منفعت گرایانه یا دموکراتیک که در شرایط عادی سرنوشت سازند از اولویت خاصی برخوردارند. با این که حقوق امور مطلق اخلاقی نیستند. با این همه اغلب با یکدیگر در تعارض اند. امکان این نوع تعارض دلیل دیگری برای بررسی توجیه حقوقی است که به آن ها باور داریم. زیرا تنها با استناد به ارزش ها و اصول عمیق تر است که می توانیم نحوه حل و فصل این تعارضات را در می یابیم. اگر حق آزادی بیان با حق در مورد امنیت اقتصادی ظاهراً متعارض باشد. باید بتوانیم به ارزش های خاصی که مبنای این مطالبات متعارض را تشکیل می دهند بازگردیم

^۱ کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظم حقوقی ایران، چ ۲۲، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا ۱۳۷۶، ص ۳۵

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

تا ببینیم اولاً، ارزش‌های مذکور تا چه اندازه در این مورد خاص دخالت دارند و ثانیاً برای هر یک از حقوق متعارض در این شرایط خاص چقدر باید اهمیت قائل شویم.^۱

بر اساس آنچه تا کنون ذکر گردید می‌توان به طور کلی بیان داشت: امتیاز و نفعی است متعلق به شخصی که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد اما باز هم نمی‌تواند این تعریف جامع و مانع باشد.^۲

ب: مساوات

مساوات در لغت به معنی برابری است.^۳ (۳) در فرهنگ لغت عمید مساوات به معنای با هم برابر بودن است. مساوات در حقوق عمومی، اصلی است از اصول حقوق عمومی که به موجب آن افراد صرف نظر از جنسیت و طبقه و مذهب و ثروت و شغل دارای حقوق و تکالیف مساوی باشند مثلاً برای صنف معینی دادگاه اختصاصی تشکیل نشود یا صنف معینی از پرداخت مالیات معاف نباشند یا از لحاظ تصدی به مشاغل آزاد یا دولتی تبعیض بین اشخاص و اصناف نباشد.^۴

مساوات گاه به معنای برابری و اتحاد نیز به کار می‌رود و هم چنین به معنای عدالت نیز آمده است در حالی که با آن متفاوت است مراد از مساوات برابری همه افراد در استفاده از موهبت‌ها و نعمت‌های الهی و مزیت‌های اجتماعی است، در حالی که عدالت وظیفه حاکمیت است یعنی انسان‌ها در برخورداری از عدالت با هم برابرند.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر به مساوات و برابری تأکید فراوان شده است. در ماده اول این اعلامیه آمده است: همه مردم آزاد به دنیا می‌آیند و در کرامت و حقوق انسانی برابرند. آنان

^۱ والدین، جرمی، ((مقاله فلسفه حق))، ترجمه نعمت الهی، اسماعیل، مجله فقه و حقوق، زمستان، ۱۳۸۳، شماره ۳، ص ۱۷۱

^۲ کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، پیشین، ص ۱۷۴

^۳ لغت نامه دهخدا ذیل کلمه مساوات

^۴ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چ، ۱۳۸۸، ص ۶۴۶

بخش اول: کلیات

دارای عقل و وجدان اند و بر آنان لازم است تا با یکدیگر با روح برادری و برابری تعامل کنند. همچنین از باب تأکید بر حق مساوات، اعلامیه جهانی حقوق بشر در آغاز هر بند بر فراگیر بودن این حقوق تکیه می‌کند.

وظیفه قانونگذار در هر جامعه ای این است که امکانات و تسهیلات طبیعی اجتماعی اقتصادی و سیاسی را بطور یکسان در اختیار همه‌ی افراد قرار دهد. قانونی مناسب و کامل خواهد بود که در این زمینه موفق عمل کرده باشد و حاکم و مجری خوب قانون کسی است که جلوی تجاوز افراد به حقوق دیگران را بگیرد.^۱

از آیات قرآن کریم نیز می‌توان به اهمیت مساوات پی برد. برای مثال در آیه ۱۳ سوره حجرات آمده است: «ای مردم ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و قبیله و تیره‌های متفاوتی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، لکن گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است.» خداوند در این آیه تأکید بر خلقت مساوی میان انسان‌ها دارد. هر چند انسان‌ها رنگ‌های متفاوت و زبان‌های گوناگون و حالت‌ها و شکل‌های ناهمگون دارند ولی این تفاوت‌ها هرگز تساوی آن‌ها را در حقیقت انسان بودن خدشه دار نمی‌کند. به طور کلی می‌توان گفت: بر اساس این ضرورت انکارناپذیر انسان‌ها با تدابیر الهی به اشکال متفاوت آفریده شده‌اند، لکن آنچه مهم است ارزش و قدر و منزلت آدمی است. زیرا هر انسانی فطرتاً خواهان این است که موجودی باارزش و پرافتخار باشد و به همین دلیل با تمام وجود برای کسب آن می‌کوشد. ولی شناخت معنای ارزش با تفاوت رنگ‌ها و فرهنگ‌ها کاملاً متفاوت است و هم‌چنین تفاوت‌های ظاهری نمی‌تواند معیاری برای امتیازات به حساب آید.

مراد از تساوی و برابری آنها در ارتباط با مبدء و اصول عالیه هستی و در ماهیت و مختصات و ویژگی‌های درونی انسان‌هاست و هم‌چنین تساوی همه آن‌ها در برابر حقوق و معنی و قراردادی و قوانینی که ضرورتاً حیات اجتماعی آن‌ها در هر جامعه وضع می‌شود. ارزش

^۱ آشوری محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات انصاف، عدالت، چ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

انسان به طور مطلق از سایر موجودات بیشتر است. زیرا تمام موجودات زمین و آسمان برای او آفریده شده است. در بسیاری از آیات خداوند می‌فرماید که همه نعمت‌ها و امکانات را در اختیار انسان قرار داده و همه افراد بدون تبعیض و تفاوت از این مواهب الهی بهره می‌برند و روز به روز دامنه انتفاع جوامع بشری از نعمت‌های آسمانی و زمینی بیشتر شده و گسترش می‌یابد و انسان این امکانات گوناگون را واسطه رسیدن به اهداف خود و اغراض و مزایای حیاتی‌اش قرار می‌دهد.

در این باب احادیث و روایات بسیار زیادی نیز وجود دارد برای مثال: پیامبر گرامی اسلام در تشبیهی بسیار زیبا همه انسان‌ها را مانند دانه‌های مساوی شانه با یکدیگر برابر خواند. در تعبیری مشابه امام صادق (ع) به این تساوی و برابری اشاره کرده و ضمن بیان تشبیه فوق می‌فرماید: «معاذت و همراهی برادرانه باعث قوت و قدرت اسلام می‌شود.» و یا اینکه امام باقر (ع) به یکی از مغازه‌داران سفارش می‌فرمودند: «با همه مردم یکسان و برابر عمل کن و تمامی آن‌ها را در داد و ستد و تعاملات مساوی بدان.» این روایت باز دلیلی است بر تساوی جمیع افراد جامعه با یکدیگر از این حیث اعم از مسلمان، کافر، ذمی، زن، مرد و...^۱

گفتار دوم: عدالت و انصاف

الف-عدالت

در فرهنگ لغت عمید عدالت به معنای عادل بودن، انصاف داشتن، دادگر بودن و دادگری آمده است. و در لغتنامه دهخدا به معنای دادگری کردن و استقامت است. یعنی مستقیم و در مسیر حق ماندن و به سمت جور و ستم میل نکردن یا به معنای مساوات است. یعنی ترک جرائم بزرگ و اصرار نورزیدن بر جرائم کوچک و رعایت مروت. مروت عبارت است از انصاف با موردی که پسندیده است. به حسب زمان و مکان و شأن شخص.

^۱ همان، ص ۶۳

بخش اول: کلیات

همه مراتب بالا باید به حد ملکه برسد. حالت عکس عدالت را فسق گویند. در علم حقوق هماهنگی انسان را با نظام جهان عدالت گویند.^۱

به نظر می‌رسد مفهوم عدالت پیچیده‌ترین مفهوم در حوزه روابط انسانی باشد. عدالت در طول تاریخ معرفت بشری به عنوان ایده و ارزشی مطلوب مورد توجه قرار داشته است. ارائه تعریفی مورد اتفاق از عدالت غیر ممکن است با این حال شاید بتوان به نقطه ای محوری دست یافت که بن مایه تعریف عدالت باشد. آنچه که در میان تعاریف گوناگون از عدالت کاملاً مشهود است وجود سه ملاک محوری یعنی همان نیاز، شایستگی و حق است.^۲

عدالت در اصول دین به معنای آن است که خداوند تعالی هیچ کار قبیحی را مرتکب نمی‌شود (مانند ظلم) و چیزی را که صدورش از او واجب است ترک نمی‌کند. اما در فقه عدالت به معنی حالتی نفسانی و ماندگار در انسان که او را از انجام دادن گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره دور داشته و به انجام دادن واجبات و می‌دارد و موجب ترک اعمال منافی مروت می‌شود و عدالت در حکمت و عرفان به معنای استواری، هماهنگی و تعدیل قوای نفسانی انسان به نحوی که هیچ کدام بر دیگری نتواند غلبه کند.

عدالت یعنی رعایت حقوق افراد و دادن حق به حق دار و عادل کسی است که حق هر کسی را به همان اندازه بدهد و این معنی هیچ ملازمه ای با مساوات ندارد. مثلاً مادری برای فرزند کوچکش غذای کمتری در ظرف وی می‌ریزد و برای فرزند بزرگتر غذای بیشتری می‌ریزد عادل است. عدالت یعنی قرار دادن هر چیز در جای خود. عدالت یعنی توازن و هماهنگی و ایجاد تعادل در جامعه. یعنی تمام اجزاء موجود در یک جامعه باید از حیث اندازه و ارتباط با یکدیگر از تعادل و توازن مناسبی برخوردار باشد. در این خصوص آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد.

^۱ لنگرودی، پشین، ص ۴۴۴

^۲ قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، ج یکم، چ اول، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۰،

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

برای مثال خداوند در آیه ۱۳۵ سوره نساء می‌فرماید: ای اهل ایمان کاملاً به عدالت قیام کنید و برای خدا شهادت بدهید اگرچه این گواهی به زیان خود شما باشد و یا پدر و مادر و بستگان شما باشد بنابراین از هوا و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن خوداری کنید خداوند به آنچه انجام دهید آگاه است.

در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره اعراف خداوند می‌فرماید: «ای پیامبر بگو: پروردگارم به بدی‌ها دستور نمی‌دهد بلکه به عدالت امر کرده است و یا در آیه ۱۵ سوره مبارکه شوری می‌فرماید: ای پیامبر بگو من مأمورم در میان شما عدالت بورزم.

و یا در روایات نیز آمده که اما علی (ع) می‌فرمایند: به خدا سوگند که هیچ قومی از نعمت به فقر و بدبختی نیافتاده است مگر بخاطر گناهی که خود مرتکب شده اند چرا که خداوند عادل است و نسبت به بندگان ظلم نمی‌کند.

بی‌طرفی اساس عدالت است. جایی که بدون دلیل رفتاری نابرابر با افراد نشود می‌توان گفت عدالت حقوقی حاکم است. بنابراین عدالت حقوقی پیوند تنگاتنگی با برابری دارد اما باید توجه داشت که عدالت حقوقی همان مساوات نیست در واقع گاه مساوات خود در تعارض با عدالت حقوقی است. افراد در زمینه‌های گوناگونی ممکن است از یکدیگر تفکیک شده و در نتیجه زمینه برخورد نابرابر با آن‌ها فراهم شود. نهاد های اجتماعی و دولتی ممکن است افراد را بر اساس معیار های گوناگونی از یکدیگر تفکیک کنند و با هر گروه براساس معیار خاص رفتار کنند. اما بی‌طرفی اقتضا می‌کند که این تفکیک‌ها بر اساس معیاری سازگار و هماهنگ بوده و در چارچوب آن معیار افراد مشمول هر گروه از رفتاری برابر برخوردار باشند.^۱

پیوند مفهوم عدالت حقوقی با دو مولفه برابری و آزادی در حوزه حقوق بشر اقتضای وجود نظام های قانونمداری را دارد که رسالت خود را تضمین حق‌ها و آزادی های بنیادین و برابر شهروندان بدانند. توضیح آن که حق‌ها و آزادی های بنیادین ماهیتاً به گونه ای هستند که

^۱ سید فاطمی، همان، ص ۹۸

بخش اول: کلیات

انسان ها به دلیل انسان بودن واجد آن ها هستند و از آن ها برخوردارند بنابراین عامل و ملاک برخورداری از این حق ها و آزادی ها، انسان بودن انسان است. بر این مبنا دخالت دادن عوامل دیگری در برخورداری از این حق ها دخالت دادن دلایل نامربوط خواهد بود. عدالت حقوقی اقتضا دارد که نظام حقوقی بی طرفانه از حق همه افراد در برخورداری از این حق ها حمایت کند. عدالت حقوقی در این نگاه در واقع برابری افراد در مقابل قانون است، برابری در مقابل قانونی که خود بهره مندی افراد از حق ها و آزادی های بنیادین را تضمین کرده است. هرگونه برخورد نابرابر در این زمینه در واقع نقض بی طرفی و در نتیجه نادیده گرفتن عدالت حقوقی خواهد بود.

نکته قابل توجه در این میان این است که این تحلیل از عدالت حقوقی هرگز به معنی این حق ها در جای خود موجه و قابل قبول است اما از نظر عدالت حقوقی این قیود و مطلق انگاشتن حق ها و آزادی های بنیادین نیست زیرا بحث از محدودیت ها و قیود محدودیت ها نیز با همان معیار برخورد بی طرفانه و برابر قابل قبول خواهد بود. بنابراین محدودیت ها نیز باید در چارچوب غیر شخصی و در غالب قانون و نسبت به همه به صورت بی طرفانه وضع شوند^۱.

ب- انصاف

دو نیم بودن چیزی به طور برابر و مساوی را نصف گویند. انصاف در لغت عبارت است از نیمه چیزی را گرفتن، داد دادن، راستی کردن، صداقت نمودن و نقطه مقابل انصاف، ظلم است و نقطه مقابل عدل، جور.

موقع شک در قدر سهم دو نفر از حق آب از یک نهر اصل را بر تساوی حقوق قرار می دهند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

و گاهی خارج از محور برابری بکار می رود. در تصمیم گیری برابر وجدان و حق عواملی را دخالت می دهند مانند انصاف در مورد تعیین نرخ عادلانه و تعدیل اجاره بها. انصاف مانند

^۱ سید فاطمی، همان، ص ۹۹

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

عرف ظرف نصوص قانونی است یعنی مدلول قوانین را نباید طوری معنی کرد که از سامان انصاف بگذرد.^۱

در قرآن کریم و در روایات نیز به انصاف تأکید فراوان شده است. خداوند در سوره نحل آیه ۹۰ می‌فرماید:

خداوند شمارا به عدل و احسان دستور می‌دهد. عدالت در این آیه به انصاف و مساوات معنی شده است زیرا عدل در این آیه همان انصاف است و مراد از احسان تفضل است. و در سوره شوری آیه ۱۷ آمده خداوند کتاب و میزان را به حق در اختیار شما قرار داد. در این جا منظور از میزان همان قوانین پیامبر ص است که منصفانه مساوات را در بین مردم برقرار می‌کند و از هر نوع افراط و تفریط به دور است. و در سفینه الحبار ذیل ماده انصاف آمده است. امام صادق ع انصاف را از بهترین اعمال دانسته و فرموده اند: بهترین اعمال سه چیز است: انصاف داشتن با مردم تا جایی که به بالاترین مرحله انصاف برسی یعنی هیچ چیز را برای خود می‌پسندی مگر این که همان را برای آنها هم بپسندی و برابری با برادران حتی در اموال و در همه حال یاد خدا بودن.

گفتار سوم: تبعیض و عدم تبعیض

الف- تبعیض

تبعیض به هرگونه تفاوت محرومیت یا تقدم که بر پایه نژاد و رنگ پوست و یا جنسیت و یا مذهب و یا عقیده سیاسی و یا سابقه ملیت آباء و اجداد یا طبقه اجتماعی برقرار شده است.^۲

در لغت نامه عمید تبعیض به معنای جزء جزء کردن، جدا کردن برخی از برخی دیگر، برخی را قبول و برخی را رد کردن، بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح دادن آمده است. اما به طور کلی می‌توان تبعیض را به معنای تفرقه اندازی تحقیر و عدم تساوی حقوق افراد و یا گروه‌های گوناگون به علل نژادی مذهبی سیاسی گرایش جنسی، نقض عضو و جنسیت آنان می‌باشد.

^۱ آشوری، پیشین، ص ۱۱۰

^۲ جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۱۳۸

بخش اول: کلیات

تبعیض رابطه مستقیمی با ساختارهای قدرت اجتماعی دارد افراد و گروه‌هایی که از قدرت و نفوذ اجتماعی کمتری برخوردارند از حقوق یکسان با سایر افراد و یا گروه‌ها بهره‌ور نیستند.

تبعیض فردی از رفتار نابرابر با افراد و گروه‌های متفاوت در زمینه‌های مختلف است و در کل همیشه مغایر با حقوق بشر است. تبعیض می‌تواند به طرق مختلف اعمال شود و طبیعتاً درک و تشخیص آن نیز به همین نسبت متفاوت است. درک تبعض ارتباط مستقیمی با برداشت‌های فردی و مرزهای درونی و احساسی افراد دارد. فرهنگ اجتماعی برمبنای تعابیر و برداشت‌های مختلف بنا شده است. این تعابیر و برداشت‌ها دائماً با یکدیگر برخورد پیدا کرده و مخلوط می‌شوند و ترکیبات تازه‌تری بوجود می‌آورند که در آن هر شخص از طرفی همواره دارای چند فرهنگ اجتماعی است و از طرف دیگر همیشه به گونه‌ای مورد تبعیض واقع می‌شود تبعیض یعنی جداکردن خود از دیگری یعنی برتر دانستن خود بر دیگری. تبعیض زمانی بروز می‌کند که یک گروه بخواهد هویت خود را تشخیص ببخشد و متمایز کند یا این هویت را در میان هویت‌های دیگر برکشد و امتیاز ویژه‌برایش تدارک ببیند یا این که آن گروه هویت خود را در خطر ببیند و بخواهد به دور خود حصار بکشد با تبعیض مرز بندی‌های هویتی پررنگ‌تر و اختلاف‌ها برجسته‌تر می‌شوند هویت گروهی هر چند جامد تر است کمتر در معرض خطر آلودگی و رقیق شدن خواهد بود. هویت تثبیت یافته برای اعضای گروه امنیت روحی یا امنیت وجودی می‌آورد و چه بسا آن‌ها را از هراس مرگ و ناشناخته‌های جهان ماورا نیز رها سازد.

انسانی که از تبعیض رنج می‌برد نمی‌تواند استعداد‌های بالقوه خود را به فعل برساند و ارتباط سالمی با دیگران داشته باشد و نهایتاً در سرنوشت جامعه خویش نقشی سازنده به عهده گیرد. در طول تاریخ مردان و زنان بسیاری برای از بین بردن تبعیض و برقراری عدالت مبارزه کرده‌اند و می‌کنند اما متأسفانه جز انگشت شماری از جوامع آن هم به طور نسبی موفقیتی در این زمینه بدست آورده‌اند. علت این دشواری می‌تواند این باشد که این ویژگی‌ها یکی از تبعات غریزه ((صیانت نفس)) است و مبارزه با ویژگی‌های غریزی دشوار است.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

می‌توان تبعیض را به تبعیض مستقیم و غیر مستقیم تقسیم نمود. تبعیض مستقیم وقتی اتفاق می‌افتد که یک شخص یا یک نهاد با شخصی به علت ویژگی‌های خصوصی، رفتاری نامساعد داشته باشد و چنین کاری را قانون منع کرده باشد. مثلاً با فردی برای استخدام در کاری مصاحبه نمی‌شود در حالی که فکر می‌کند کاملاً شایسته انجام آن کار می‌باشد و براین باور است که این امر به علت سابقه قوی اوست. اما تبعیض غیر مستقیم وقتی اتفاق می‌افتد که مساوات بین همه برقرار می‌گردد اما این امر باعث محرومیت کسی به علت ویژگی‌های شخصی او بشود. این که یک فروشنده از همه مشتریان می‌خواهد برای این که چک شخصی آن‌ها را بپذیرد گواهی‌نامه خود را به او نشان دهند ولی فردی به علت نقص بینائی قادر به گرفتن گواهی‌نامه رانندگی نیست.

تبعیض اگر با هدف تسریع در وصول به تساوی و رفع تبعیض حمایت‌های خاصی از گروهی به عمل آید این امر تبعیض محسوب نمی‌شود مشروط به این که پس از رسیدن به هدف با همه یکنواخت رفتار شود و حقوق ویژه‌ای برای افراد و یا گروه‌های خاصی به وجود نیاید.^۱

ب- منع تبعیض

می‌توان گفت که نظام جدید بین‌المللی حقوق بشر یک پدیده بعد از جنگ جهانی دوم است. نقض وحشتناک حقوق انسان‌ها در دوران هیتلر و جنایت و فجایع ضد بشری دوران جنگ، جمعی را براین باور قرارداد که اگر یک نظام موثر حمایت از حقوق بشر در جامعه وجود داشت ممکن بود این گونه نقض حقوق انسانی و احتمالاً خود جنگ رخ ندهد. از این رو مقررات حقوق بشری را که در منشور وجود دارد و نخستین سند بین‌المللی حقوق بشر جدید محسوب می‌شود در ماده ۵۵ منشور بیان می‌کند با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثابت و رفاه برای تامین روابط مسالمت آمیز و دوستانه بین‌المللی براساس احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد:

^۱ مهر پور، حسین، حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن، چ اول، تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۱۶

بخش اول: کلیات

الف) بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای همه، حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی.

ب) حل مسائل بین المللی اقتصادی- اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط به آنها و همکاری بین المللی فرهنگی و آموزشی و...

ج) احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد جنس زبان و مذهب.

اعلامیه جهانی حقوق بشر نخستین اعلامیه فراگیر حقوق بشر است که از سوی یک سازمان بین المللی اعلام شده است و طبعاً موقعیت معنوی و سیاسی ممتاز و مهمی بدست آورده است. هدف و مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان تفاهم مشترک ملتها در مورد حقوق و آزادی های اساسی انسان که همواره باید مورد توجه قرار گیرد آموزش داده شود و به آن عمل شود، توصیف شده است.

در مقدمه این اعلامیه آمده است (از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و اتصال ناپذیر آنان اساس آزادی عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد، از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است...)

در ماده ۱- که در واقع مبنای فلسفی اعلامیه حقوق بشر را بیان می دارد به این شرح است ((تمام افراد بشر، آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

در این ماده ۲ فرض اساسی و مبنایی اعلامیه را تعریف می کند که عبارتند از:

۱- حق آزادی و تساوی، یک حق مادرزادی انسان است و نمی توان از او جدا کرد.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

۲- چون انسان یک موجود عقلانی و اخلاقی است از دیگر موجودات زمینی متفاوت است و بنابراین از برخی حقوق و آزادی‌هایی برخوردار است که موجودات دیگر از آن‌ها بی‌بهره‌اند.

در ماده ۲ به عنوان اصل اساسی تساوی و عدم تبعیض در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها هر گونه تمایز را از لحاظ جنس، نژاد، زبان و مذهب ممنوع می‌کند ماده ۲ می‌گوید: «هر کس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان و مذهب عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و هم چنین ملیت وضع اجتماعی ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده بهره‌مند گردد.»^۱

علاوه بر منشور ملل متحد که در آن بر منع تبعیض اشاره شده، پس از تاسیس سازمان ملل متحد و براساس منشور، در اعلامیه جهانی حقوق بشر به میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، دولت‌ها پذیرفته‌اند که همه اعضای خانواده بشری به حقوق مساوی و غیر قابل سلب دارند و متعهد شدند که این حقوق را تأمین و از آن‌ها دفاع کنند. تبعیض مانعی عظیم برای تحقق کامل حقوق بشر است و علیرغم این که در برخی زمینه‌ها پیشرفت‌هایی حاصل شده بود، تفاوت‌ها، محدودیت‌ها و امتیازات مبنی بر نژاد، رنگ، اصل و نسب ملیت و قومیت هم چنان موجب نزاع و مسبب رنج و صدمه فوق‌العاده به زندگی بشری می‌شد. علاوه بر زبان‌ها و خطراتی که تبعیض برای جامعه در برداشت، نفس ناحق بودن و نادرست بودن مبنای تبعیض موجب شد که سازمان ملل متحد محو هر گونه تبعیض را هدف کار خویش قرار دهد اما زمانی منع تبعیض فراگیر می‌شود که دولت‌ها تبعیض را محکوم نموده و بدون تأخیر از طریق مقتضی سیاست محو انواع تبعیض و برقراری تفاهم ملی را به مرحله اجرا گذارند و از هیچ نوع قانون یا رویه عملی تبعیض نژادی علیه افراد یا گروه‌هایی حمایت نکنند. دولت‌ها باید هر گونه تبلیغات یا سازمان‌های مبتنی بر تفکر و تئوری برتری یک گروهی را برگروه دیگر محکوم نمایند و اقدامات فوری و مثبت برای از بین بردن این تئوری‌ها و اعمال را انجام دهند و بدین

^۱ مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، چ اول، تهران، موسسه اطلاعات ۱۳۸۳، ص ۴۴

بخش اول: کلیات

منظور، باید هر گونه تبعیض نژادی یا تبلیغ برای آن را طبق قانون جرم و قابل مجازات اعلام نمایند و از افرادی که در اثر اعمال تبعیض حقوقشان نقض گردیده حمایت نمایند.

مبحث دوم: مصادیق تبعیض

گفتار اول: تبعیض جنسیتی و نژادی

الف- تبعیض جنسیتی

توجه به مساله رفع هر گونه تبعیض بر مبنای جنسیت از موضوعات نوین مورد توجه در مباحث بین المللی می باشد. در دهه های اول قرن حاضر مشکلات خاصی که زنان با آن ها مواجه بودند موضوع تدوین و تعیین استانداردهایی در زمینه حقوق زنان به وسیله کنفرانس های دیپلماتیک و سازمان های بین المللی از جمله سازمان بین المللی کار واقع شد. با وجود این برای اولین بار در سال ۱۹۳۵ بود که موضوع وضعیت زنان با در نظر گرفتن همه جوانب امر در راس امور مورد بحث سازمان های بین المللی و جامعه ملل قرار گرفت و در سال ۱۹۳۷ جامعه ملل کمیته ای متشکل از کارشناسان خبره برای انجام یکسری تحقیقات وسیع و جامع در ارتباط با وضعیت حقوقی زنان در کشورهای گوناگون دنیا تاسیس نمود. دامنه صلاحیت و اختیارات این کمیته به جمع آوری و تحلیل اطلاعات بدون حق دادن هر گونه پیشنهاد به عنوان یک اقدام بعدی محدود می شود بنابراین هیچ توافق عمومی موثر و رویه قضایی خاصی به وسیله کمیته فوق الذکر بین المللی صورت نگرفت و تنها موفق به برگزاری سه دوره نشست شد. بنابراین می توان از منشور سازمان ملل متحد و عهدنامه های صلحی که در پایان جنگ جهانی دوم منعقد گردید به عنوان اولین اسنادی که در بر دارنده مقرراتی در خصوص برابری جنسیتی در سطح بسیار وسیع هستند نام برد. در سال ۱۹۴۵ در سان فرانسسکو تعدادی از جمعیت ها که زیر چتر کمیسیون بین المللی آمریکایی مقام زن^۱ فعالیت می کردند موفقیت هایی در زمینه عدم تبعیض جنسیتی برای درج در منشور ملل متحد به دست آورد که همان عده از زنان تاثیر موثری در ایجاد یک کمیسیون

^۱ میثاقی، محمد حسین، ((حقوق زن در اسلام))، ۹۱/۷/۲۵، در سایت www.ido.ir

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

مقدماتی در مورد وضعیت زنان داشتند و نتیجتاً حاصل تلاش‌های این گروه منجر به ایجاد کمیسیون مقام زن در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۴۶ بر اساس قطعنامه شماره ۱۱(۲) شورای اقتصادی و اجتماعی گردید.^۱

مساله تساوی زن و مرد از جهات مختلف و رفع هر گونه تبعیض بین آنان در برخورداری از مواهب زندگی و حقوق اجتماعی و سیاسی در همه اسناد حقوق بشری سازمان ملل از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... مطرح شده است. با این حال طرفداران تساوی کامل حقوق زن و مرد اسناد بین‌المللی را کامل نمی‌دانند.

منظور از تبعیض جنسیتی قائل شدن هر گونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است. تفاوت براساس زن و مرد بودن. هرگونه قانون تصمیم، رویه عملی، فرهنگ و سنت رایج که به شناسایی و استفاده و اعمال حقوق مساوی زن و مرد در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و غیره لطمه وارد آورد و زن را به لحاظ زن بودن از برخورداری از این حقوق مساوی محروم کند، تبعیض محسوب می‌شود. تبعیض جنسیتی عدم تساوی در زندگی سیاسی و عمومی است چه در زمینه داخلی و چه در زمینه بین‌المللی.

سیستم جنسیتی بر نیمی از جامعه بشری یعنی زنان ستمی واقعی و زمینی است این ستم ریشه در نظام طبقاتی و مالکیت خصوصی داشته و سرنوشت زنان را نه تنها به عنوان انسان بلکه به عنوان جنس فرو دست نیز رقم می‌زند. زنان و به خصوص زنان کارگر هر لحظه و هر روز با ستم‌ها و نابرابری‌های بیشماری دست به گریبان هستند ستم‌ها و تبعیض‌های جنسیتی در محیط خانه، در باورها و سنت‌ها و فرهنگ‌ها ست ستم‌های جنسیتی در مدرسه دانشگاه اجتماع محیط‌های کار و فعالیت این ستم‌ها و تبعیض‌ها از لحاظ تولد با

^۱ میرعباسی، سید باقر، نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر، چ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.

بخش اول: کلیات

زنان همراه است و در واقع وضعیتی غیر انسانی در جامعه را بوجود آورده است. زنان در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مدنی از بسیاری از حقوق انسانی بی بهره اند و از این فرودستی رنج می برند و در این میان زنان طبقه کارگر علاوه بر ستم ناشی از قوانین و شرایط واقعی تبعیض آمیز بار ستم طبقاتی ناشی از تقسیم جنسیتی کار را نیز به دوش می کشند. نظام سرمایه داری همیشه برای کسب سود بیشتر با پرداخت دست مزد کمتر از نیروهای کار زنان استفاده کرده است و هم چنین زنان همواره اولین قربانیان بحران های اقتصادی هستند.

گرچه قبلاً مردان به صراحت از فرودستی شأن اجتماعی زنان سخن می گفتند امروز این گونه صراحت لهجه به ندرت در گفتار و دعاوی هواداران تبعیض جنسیتی مشهود است زیرا هواداران از نظریه برتری مرد بر زن دیگر از دید سیاسی موضع پسندیده و قابل قبولی به شمار نمی رود به این ترتیب هواداران تبعیض جنسیتی به بهانه ها و عوامل دیگری چون اختلاف طبیعی میان زن و مرد متوسل می شوند که به ادعای آنان آزادی های مختلف و مسئولیت ها و نقش های متفاوت اما مکمل یکدیگر را برای زن و مرد در جامعه می طلبد. در واقع این هم چنان در بسیاری از کشور های جهان رواج دارد که قوانین باید باز تابنده اختلاف های طبیعی بین زن و مرد باشند و برای زنان که از جنس ناتوان تر اند حریم و پوششی امنیتی خاص فراهم آورند به سخن دیگر چنین دعاوی و ایده هایی تبعیض جنسی را باید نوعی رفتار مناسب و ملاطفت آمیز به شمار آورد که صرفاً برای تعدیل اختلافات طبیعی بین زن و مرد رواج یافته است. افزون بر این اگر بپذیریم که منزلت فرودست اجتماعی زنان تنها ناشی از تفاوت های جسمانی و روحی طبیعی آنان با مردان است نقش فرعی و تبعی زنان در جامعه نیز باید پی آمد طبیعی این تفاوت ها شمرده شود نه حاصل سیاست سرکوبگرانه نظام مردم سالار^۱.

^۱ آن الیزابت. مایر، ((تبعیض جنسیتی و حقوق بشر در ایران))، مجله ایران نامه، زمستان ۷۹ و بهار ۸۰، شماره ۷۳ و ۷۴، ص ۱۷۰

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

غفلت حقوق بین‌الملل از محکوم ساختن و جرم شناختن تبعیض جنسیتی را باید از کاستی‌های عمده آن شناخت نه تنها حقوق بین‌الملل بلکه دیدگاه جامعه بین‌المللی در این باره یکسره دگرگون شود. سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت‌ها به ویژه در خاورمیانه علیه زنان با انگیزه تثبیت وادامه تسلط مردان بر زنان ارتباطی مستقیم دارد. تبعیض جنسیتی نه معطوف به فرهنگ و مذهب جامعه بلکه معطوف به ایدئولوژی‌ها و سیاست‌های غیر عادلانه است که برای استمرار تسلط یک گروه بر گروه دیگر جامعه عنوان می‌شود.

در عین حال اگر پاره‌ای از ارزش‌ها و احکام مذهبی دستاویز توجیه نقض حقوق مسلم بشر قرار گیرد نباید از چالش و انتقاد مصون باشد. از بین بردن چنین تبعیضاتی مستلزم تلاش برای رها ساختن اصول مسلم حقوق بشر از تارهای مذهبی و فرهنگی و ایدئولوژیکی است. در ایدئولوژی اسلامی یک دیدگاه وجود دارد که برای زنان حقوق مساوی با مردان قائلند ولی قائل به حقوق مشابه نیستند، یعنی عقیده دارند که با توجه به وضعیت خاص مردان و ریاست آنها بر خانواده و... در برخی موارد بر زنان ارجحیت دارند مثل دیه بر ارث و شهادت اما در مسائل دیگری هم زنان را مورد لطف خاصی قرار داده اند مثل نهاد مهریه برای زن که البته همین موضوعات همگی موجب ایجاد اشکالات اساسی در حقوق موضوعه امروز گردیده است.

ب- تبعیض نژادی

تعصب نژادی پدیده‌ی شومی است که در طول تاریخ سبب مصیبت‌های بسیاری برای بشر بوده است امروزه در قرن ۲۱ به رغم پیشرفت‌های علمی و مادی هنوز معضل تبعیض نژادی وجدان‌های بیدار را می‌آزارد. با گذشت زمان فقط این امر مسأله‌ای اجتماعی به جا نمانده بلکه وجوه و مصداق‌های جدید یافته است.^۱

علاوه بر منشور ملل متحد که در آن بر منع تبعیض نژادی اشاره شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی دولت

^۱ مندرج در سایت www.hawzeh.Net ۹۱/۶/۲۵

بخش اول: کلیات

ها پذیرفته اند که همه اعضای خانواده بشری حقوق مساوی و غیر قابل سلب دارند و متعهد شده اند که این حقوق را تامین و از آن ها دفاع کنند.

در عین حال تبعیض نژادی مانع برتری تحقق کامل حقوق بشر است و علیرغم این که در برخی زمینه ها پیشرفت هایی حاصل شده بود تفاوتها محدودیت ها و مسبب رنج و صدمه فوق العاده به زندگی بشری می شد و از این رو سازمان ملل متحد محو تبعیض نژادی را هدف کار خویش قرارداد. و نخستین گام را مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۳ با تصویب اعلامیه محو تبعیض نژادی را در این زمینه برداشت. منظور از تبعیض نژادی در تمام اشکال آن و تضمین برقراری حقوق هر فرد و تساوی همه افراد در برابر قانون بدون تبعیض و تمایز از حیث نژاد رنگ یا ریشه ملی و مذهبی است. اصطلاح تبعیض نژادی از نظر کنوانسیون محو هر نوع تبعیض نژادی به معنای هر گونه تبعیض و محرومیت محدودیت و یا امتیازی بر مبنای نژاد رنگ اصل و نسب یا ریشه ملی یا قومی است که در شناسایی و برخورداری یا اجرای مساوی حقوق بشر و آزادی های اساسی در زمینه های سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و سایر زمینه های مربوط به زندگی عمومی لطمه وارد می سازد.

انسان به جهت پاره ای وابستگی ها، از قبیل سرزمین، خون نژاد و مانند آن خود را از دیگران جدا می شمرد و به قومی خاص احساس وابستگی می کند و توجه خود را به تامین منافع ملی حتی اگر مستلزم زیان دیگران هم باشد معطوف می گرداند.

تبعیض نژادی مرتبه های گوناگونی دارد. علاقه مندی به سرزمین و ملیت و قوم و تبعیض گرایی افراطی چند مرتبه آن است نظام هایی چون نازسیم در آلمان، فاشیسم در ایتالیا و صهیونیسم در فلسطین و... که براساس اعتقاد برتری نژادی و حق سیادت بر دیگران تشکیل می شوند از پدیده های تبعیض نژادی می توانند باشند.

هر گونه جدایی نژادی و آپارتاید خود تبعیض نژادی است و هرگونه اقدامی که از چنین طبیعتی برخوردار باشد تبعیض نژادی محسوب می شود هر نظریه و دکتربین که مبتنی بر

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

اختلاف نژادی یا برتری نژادی باشد از نظر علمی غلط و از لحاظ اخلاقی محکوم و از لحاظ اجتماعی غیر عادلانه و خطرناک است و هیچ گونه توجیه علمی و عملی ندارد، زیرا تبعیض نژادی حقوق اساسی بشر را نقض میکند و روابط دوستانه بین افراد و همکاری ملت‌ها و صلح جهانی را به خطر می‌اندازد.

گفتار دوم: تبعیض عقیدتی و بیگانگان

الف - تبعیض عقیدتی

اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقدمه و ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در بند ۲ و ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۱ ماده ۲ و... صریحا اصل عدم تبعیض را مطرح نمودند به این ترتیب ممنوعیت اعمال هر گونه تبعیض در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های اساسی همواره جز اهداف نظام حقوق بشر بوده است. اما از آنجایی که با تمامی این تأکیدها، جامعه بین‌المللی کماکان شاهد بروز انواع و اقسام تبعیض‌های ناروا نسبت به افراد است تلاش‌های متعددی در جهت مبارزه با برخی از اشکال تبعیض که ظهور بیشتری دارند نیز مورد اهتمام قرار داده است که ثمره این گونه تلاش‌ها را می‌توان در تدوین و تصویب اسناد خاصی در این زمینه‌ها مشاهده نمود. اعلامیه رفع تمامی اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر عقیده یا مذهب به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است. در مقدمه این اعلامیه با اشاره کوتاه به پیشینه اصل عدم تبعیض و برابری همگان بدون هر گونه تبعیضی در منشور سازمان ملل متحد و اسناد حقوق بشری و هم‌چنین با اشاره به این نکته که نقض حقوق بشر و به ویژه حق آزادی فکر وجدان مذهب و عقیده منشاء بسیاری از جنگ‌ها و رنج‌های تحمیلی به بشر بوده، برنقش مذهب و عقیده در دستیابی به اهدافی چون صلح عدالت و... و ضرورت از میان برداشتن انواع تبعیض‌ها و حفظ این آزادی‌ها تأکید نموده است و هر کسی حق بهره‌مندی از آزادی فکر وجدان و مذهب را دارد. این حق شامل آزادی داشتن مذهب یا هر نوع عقیده و هم‌چنین آزادی ابراز مذهب و عقیده به صورت فردی یا جمعی به طور آشکار و پنهان از طریق عبادت و انجام آیین‌های مذهبی عمل و آموزش مذهب است. آزادی ابراز تعلقات مذهبی یا

بخش اول: کلیات

عقیده هیچ گونه محدودیتی نباید داشته باشد هیچ کس را نمی توان تحت اجبار قرارداد که آزادی داشتن مذهب یا عقیده ای را که به اختیار برگزیده مورد تعرض قرار داد. نباید کسی را به دلیل مذهب یا عقیده ای که دارد مورد تبعیض قرارداد.

ب- تبعیض بیگانگان (ملیت)

یکی از موضوعات مهم در حقوق بین الملل، حقوق پناهندگان است که در عصر کنونی، علی رغم پیشرفت های صنعتی و ادعای دولت ها مبنی بر رعایت حقوق بشر متأسفانه رعایت حقوق انسانی ضعیف و ستم و تجاوز به حقوق انسان ها به ویژه نسبت به زیردستان و ضعیفان بیش تر شده است به طوری که گاهی موجب فرار و کوچ دسته جمعی عده ای از افراد یک کشور به کشور دیگر می شود و از این جا مسایل مربوط به پناهندگان و رعایت حقوق آن هادر حقوق بین المللی مطرح می شود.

در گذشته کمتر دولتی بیگانه را به عنوان یک شخصیت واجد حقوق می پذیرفت و اصولاً یک خارجی نمی توانست توقع بهره مندی از حقوقی را داشته باشد. به موازات پیشرفت در روابط بین الملل و افزایش مناسبات بین ملت ها که خود موجبات برقراری ارتباط اشخاص با دولت های خارجی را فراهم نموده است دولت ها ناگزیر به پذیرش حداقل حقوق برای بیگانگان شده است. فلذا اگر در دوران کنونی هر دولت برخورد فرض می داند قاعده های راجع به بیگانگان را در سرزمین خود تنظیم کند این پیشرفت حاصل دگرگونی هایی است که در قرن های اخیر در فهم بشر درباره ی جامعه و حکومت و بر اثر آن در ساخت دولت ها و روابط آنها با یکدیگر و به طور کلی در حقوق و در جامعه بین المللی رخ داده است.^۱

در ترمینولوژی حقوق واژه بیگانه چنین تعریف شده است؛ کسی که فاقد تابعیت کشور معینی است نسبت به دولت آن کشور و افراد آن اجنبی «بیگانه» محسوب می شود.^۲

^۱ سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، ج اول، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳، ص ۲۹۳

^۲ جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۱۴

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

به بیان کلی بیگانه شخصی است که خواه به علت دارا بودن تابعیت دولت دیگر و خواه به علت نداشتن تابعیت هیچ کشوری تبعه ی دولتی که در سرزمین آن حضور دارد نمی شود.

بیگانگان را می توان از جوانب گوناگون طبقه بندی نمود:

۱- از نظر شخصیت: از حیث بیگانگان به گروه اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی تقسیم می شوند. اشخاص حقیقی که اکثریت بیگانگان را شامل می شود همه انسان هایی هستند که حقوق و تکالیف آن ها باید متناسب با شأن و مقام انسان تعیین شود.

اشخاص حقوقی که از مجموع افراد انسانی تشکیل می شوند که به منظور انتفاع یا هدفی دیگر با یکدیگر همکاری می کنند و به موجب قانون دارای شخصیت مستقل از اشخاص تشکیل دهنده آن می شوند (نظیر شرکت های تجاری، موسسات بیمه و...) و نیز دارای حقوق و تکالیفی می باشند که بر مبنای منافع متقابل دولت پذیرنده (محل فعالیت) و صاحبان آن شرکت ها و موسسات شکل می گیرد.

۲- از نظر مناسبات با دولت متبوع از این نظر نیز بیگانگان به دو دسته تقسیم می شوند اکثریت آنان دارای رابطه عادی با دولت متبوع خود می باشند لذا هیچگونه خوف وهراسی در بازگشت به کشورشان نداشته و چنانچه در کشور محل اقامت لطمه یا خسارت ببینند و دولت محل اقامت در صدد جبران لطمه یا خسارت برنیاید می توانند حمایت سیاسی دولت متبوع خود را خواستار شوند.

اما عده قلیلی از بیگانگان از داشتن رابطه و پیوند سیاسی و حقوقی با دولت دیگر محروم می باشند در این میان برخی مانند اشخاص آپارتایدبا هیچ دولتی رابطه سیاسی و حقوقی ندارند و بعضی مانند پناهندگانی که به دلایل سیاسی، نژادی، مذهبی از کشور خود گریخته اند و به کشورهای خارجی گریخته اند عملاً رابطه خود را با دولت متبوع خود قطع نموده و در صورت ورود لطمه یا خسارت تا زمانی که امکان اذیت و آزار از سوی حکومتشان وجود داشته باشد نمی توانند حمایت سیاسی دولت خود را تقاضا نمایند.

بخش اول: کلیات

۳- از نظر برخورداری از مزایا و مصونیت های ویژه: بیگانگان بر اساس برخورداری از مزایا و مصونیت های خاص در کشور محل اقامت نیز به دو دسته تقسیم می شوند: یک دسته مأموران سیاسی و کنسولی دولت فرستنده ؛ که دولت محل مأموریت باید بر اساس قواعد و عرف بین الملل و نیز کنوانسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین باید با آنان رفتاری ویژه و متمایز داشته باشند. دسته دیگر دارای موقعیت مذکور نبوده و باید با آنان در چارچوب قواعد کلی حقوق بین الملل و نیز قوانین دولت محل اقامت رفتار شود که البته حقوق این اشخاص با توجه به وضعیتشان متفاوت است.^۱

در دوران باستان شخصیت حقوقی بیگانگان به کلی نفی می شد و آنان از ابتدایی ترین حقوق در آن جوامع محروم بودند به عنوان مثال یک خارجی حق ازدواج در سرزمین بیگانه را نداشت، نمی توانست مالک اموال شود و یا حق مراجعه به دادگاه جهت جبران خساراتی که متحمل میشد را نداشت و به طور کلی رفتار با آنان شبیه رفتار با بردگان بوده است.

اتباع بیگانه باید از حداقل حقوق لازم برای زندگی بهره مند شوند هر چند که حقوق بیگانگان در قوانین داخلی دولت محل اقامت تعیین می شود مع الوصف وظیفه اعطای آنها را حقوق بین الملل برای دولت ها به وجود آورده که در این زمینه می توان به عنوان نمونه به اعلامیه حقوق بشر اشاره کرد.

کشوری که یک بیگانه در خاک آن اقامت دارد باید از جان و مال او در آن سطح حمایت به عمل آورد که برای رعایت حداقل استاندارد های بین المللی کافی باشد و تا آنجا که امنیت جان و مال افراد مربوط می شود باید او را با اتباع خود در مقابل قانون برابر بداند.

^۱ قاسمی شوب، احمد علی، نگاهی به جایگاه حقوق بیگانگان در حقوق بین الملل حقوق بشر، مجله حقوق پاییز، ۱۳۸۳، شماره ۳۱، ص ۱۲۸

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

اتباع بیگانه می‌توانند حقوق قراردادی و حقوق احوال شخصی خود را استیفا کنند و قوانین بین‌المللی به هیچ دولتی اجازه نمی‌دهد که اتباع بیگانه را از این حقوق محروم کند همچنین هر دولتی وظیفه دارد که رفتاری شایسته‌ی مقام انسان با بیگانگان داشته باشد^۱.

با مراجعه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز حقوق مذکور را در قالب مواد گوناگون مشاهده می‌کند از جمله در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر حق حیات آزادی و امنیت شخصی، رهایی از شکنجه یا رفتارهای تحقیرآمیز حق شناخته شدن به عنوان انسان در مقابل قانون، حق برخورداری از مساوات، حق دادخواهی از طریق دادگاه، رهایی از بازداشت یا تبعید خودسرانه حق محاکمه منصفانه و علنی، حق ازدواج و حمایت از خانواده و حق استراحت و تفریح تصریح شده است که مربوط به انسان هاست و خواه ناخواه اتباع بیگانه را در بر می‌گیرد.

از نظر حقوق بین‌الملل و بالاخص حقوق بشر که شاخه‌ی نسبتاً جدیدی از این رشته می‌باشد همه‌ی افراد بشر اعم از اتباع و بیگانگان از حقوق و آزادی‌های اساسی برای زندگی برخوردارند.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر حداقل معیارها را برای سلسله‌ی از حقوق بنیادین بشر که بیگانگان نیز جزئی از آن محسوب می‌شود در ابعاد مختلف اعم از اجتماعی سیاسی اقتصادی فرهنگی و مدنی تعیین می‌نمایند و براین اساس مروج معیار حقوقی مشترکی جهت احترام به کرامت و حیثیت افراد بشر هستند. تدوین این حقوق توسط سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر و در رأس آنها سازمان ملل متحد در قالب یک معاهده‌ی بین‌المللی جامع الاطراف برای حمایت گسترده‌تر از حقوق بیگانگان امری ضروری می‌نماید. زیرا همان‌طور که سایر اقلیت‌ها در قالب معاهدات خاص از حمایت جامعه بین‌المللی برخوردارند بیگانگان نیز به عنوان اقلیتی که از نظر توضع فراوانی در هر جامعه‌ای یافت می‌شود مستحق چنین توجهی می‌باشد.

^۱ همان، ص ۱۵۴

بخش اول: کلیات

کشورها موظفند براساس قواعد عرفی و اسناد بین المللی حقوق آنان را محترم بشمارند چرا که در غیر اینصورت حق کشور متبوع آنها در قالب حمایت سیاسی تجلی یافته و چه بسا مسئولیت بین المللی کشور متخلف را فراهم سازد ناگفته نماند که بیگانگان نیز در مقابل کشور محل اقامت تکالیف ووظایفی را به عهده دارند که در صورت عمل نکردن به آنها زمینه مجازات یا اخراج آنها فراهم می شود^۱.

با حقوق و تکالیف کشور محل اقامت بیگانگان و کشور متبوع آنها در تعامل با یکدیگر بوده و عمل شایسته به آنها یکی از زمینه هایی است که موجب تقویت هر چه بیشتر اجرای قواعد حقوق بشری و در نتیجه استحکام صلح و امنیت بین المللی می شود.

گفتار سوم: تبعیض اجتماعی، سنی و آموزشی

الف - تبعیض اجتماعی

در اصطلاح حقوقی تبعیض اجتماعی به معنی عدم تساوی حقوق افراد و یا گروههایی گوناگون به علل نژادی، مذهبی، سیاسی، گرایش جنسی نقض عضو و جنسیت می باشد.

در لاتین *discrimination* از واژه *discrimination* به معنای جدایی و تمایز است. وقتی افراد یا گروههایی از جمعیت احساس کنند که حقوق کمتر از دیگران دارند و یا حقوقی از آنها ضایع می شود و از فرصت های مورد استفاده دیگران بی نصیب هستند احساس تبعیض به آنها مستولی می شود.

تبعیض فرمی از رفتار نابرابر با افراد و گروههای متفاوت در زمینه های مختلف است و در کل همیشه مغایر با حقوق بشر می باشد. مثلاً از نظر کنوانسیون رفع تبعیض از زنان ۱۹۷۹ عبارت تبعیض به معنی قائل شدن هرگونه تمایز و استثنا یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی های اساسی آن ها و بهره مندی و اعمال آن حقوق بر پایه مساوات با مردان با صرف نظر از وضعیت تأهل آن ها در همه زمینه

^۱ کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه یونان و روم، ترجمه مجتبیوی، سید جلال الدین، بی جا، بی تا، انتشارات

سروش، ۱۳۷۵، ص ۳۸۶

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

های سیاسی اقتصادی اجتماعی فرهنگی مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد، تعریف شده است.

تبعیض در اصطلاح جامعه‌شناسی احساس برخاسته از موقعیتی است که افراد در برابر نقش‌های یکسان از مزایای اجتماعی نابرابر برخوردار می‌شوند هم‌چنین حالتی که طی آن توزیع مزایای اجتماعی، قدرت ثروت احترام بر مبنای ویژگی‌ها و معیارهای انتسابی صورت می‌گیرد از آنجا که ویژگی‌های انتسابی تعیین‌کننده گروه خویشاوندان است، این گروه از امتیازات بیشتر برخوردار شده و نوعی خویشاوند سالاری در روابط اجتماعی رایج می‌شود و حاکمیت رابطه به جای ضابطه تعیین‌کننده امور گروه می‌شود. تبعیض به رفتاری اشاره می‌شود که به نفع یا ضرر شخصی از یک گروه اعمال می‌شود و دلیل آن صرفاً عضویت آن شخص در یک طبقه یا گروه خاص است. تبعیض رفتاری واقعی است که نسبت به گروهی دیگر از افراد اعمال می‌شود و نه فقط نگرش یا افکاری خاص درباره‌ی آن گروه و ممکن است شامل محروم کردن دسترسی افراد این گروه به موقعیت‌ها و فرصت‌هایی باشد که برای سایر گروه‌ها امکان آن وجود دارد رفتارهای تبعیض‌آمیز در سطح گسترده اعمال شود و ممکن است به طور غیر رسمی در رفتار معمول و روزمره‌ی افراد جامعه نسبت به یکدیگر جریان داشته باشد.

اساس تبعیض تمایز و تفکیک افراد، گروه‌های اجتماعی به خودی و غیر خودی است تبعیض اجتماعی می‌تواند از قانونی ناشی شود که موجبات تحقق آن را فراهم می‌سازد یا از عادات سنتی منشاء می‌گیرد یا تابع سلسله مراتب اجتماعی - اقتصادی باشد. طی این فرایند امتیازهای بیشتری به اعضای خودی در مقابل غیر خودی چه به صورت رسمی یا قانونی و چه به صورت عرفی و غیر رسمی داده می‌شود.

در واقع تبعیض حاصل تعامل افراد و گروه‌ها بر مبنای تفاوت‌ها و نه شباهت‌ها است. تعامل بر مبنای آنچه ما را از آنان متمایز می‌کند. در واقع تبعیض حاصل نوعی دسته‌بندی و در پی آن تصورات و افکار قالبی و اغلب منفی نسبتاً به گروه‌های دیگر است.

بخش اول: کلیات

این گروه بندی ها بر اساس برخی ویژگی های زیستی و اجتماعی صورت می گیرد: گروه بندی های سنی، جنسی، مذهبی قومی و نژادی و... که در پی این گروه بندی افکار کلیشه ای و قالبی به طور نا متناسبی به همه افراد عضو آن گروه شکل می گیرد و ویژگی هایی به آنان نسبت داده می شود، حال اگر این افکار قالبی به وسیله افراد پذیرفته شوند و با اجزای هیجانی مرتبط با آن همراه شوند پیش داوری ها شکل می گیرد و در ماهیت بر مبنای این پیش داوری ها است که رفتارهای تبعیض آمیز را در پیش می گیریم.

تبعیض رابطه مستقیمی با ساختار های قدرت اجتماعی دارد. افراد گروه هایی که از قدرت و نفوذ اجتماعی کمتری برخوردار می باشند از حقوق یکسان با سایر افراد و گروهها بهره مند نیست اند.

ابعاد تبعیض در اجتماع را می توان شامل عدم تساوی حقوق اجتماعی و عدم تساوی حقوق سیاسی دانست. در عدم تساوی حقوق اجتماعی استفاده از خدمات اجتماعی برای اتباع داخلی محدود و ورود ایشان به بازار کار آزاد از طریق فیلتر گزینشی ممکن نیست. و در حالت عدم تساوی حقوق سیاسی اتباع از حق رأی و شرکت در انتخاب شدن محروم می باشند.

اشکال تبعیض اجتماعی می تواند در قالب تبعیض در کار و شغل، تبعیض سنی، تحصیلی، تبعیض میان اتباع داخلی و خارجی و... ظاهر شود.

سازمان بین المللی کار برای منع تبعیض در کار به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر اهمیت خاصی قائل شده و در بیشتر اقداماتی که در جهت بهبود شرایط کار و زندگی کارگران به عمل آمده بهره مندی از این حق را مورد عنایت قرار داده است در ماده ۲ اعلامیه فیلاذ فیا منضم به اساسنامه سازمان بین المللی کار ضمن تأکید براین که استقرار صلح پایدار فقط بر پایه عدالت اجتماعی می تواند استوار گردد تأکید نموده است که همه ی انسانها از حق بهره مندی از رفاه مادی و معنوی در شرایط آزادی و فرصت برابر بهره مند می باشند. اشتغال زنان همپای عصر صنعتی مهم تر شد زیرا زنان در نیل به استقلال مالی، هویت شخصی

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

مشارکت اقتصادی و مانند آن به کار در خارج از خانه اهمیت بیشتری دادند علاوه بر این نیاز جوامع صنعتی و حتی کشور های رو به رشد به کار زنان، آنان را به کار تشویق کرده است از این رو طرح وضع و اجرای قوانینی که نحوه استخدام شرایط کار میزان دستمزد و کیفیت مرخصی زنان را معین می کند به پدیده ای اجتناب ناپذیر تبدیل شده است.^۱

بر پایه مقاوله نامه شماره ۱۰۰ مصوب کنفرانس عمومی سازمان به کار هریک از کشور های عضو باید اجرای اصل تساوی اجرت کارگران زن و مرد را در قبال کار هم ارزش تشویق نماید و اجرای آن را درباره ی عموم کارگزاران تامین گردد اتخاذ تصمیم درباره شیوه ی ارزیابی تعیین میزان اجرت مساوی با مقامات صلاحیتدار است و در مواردی که میزان اجرت به موجب قراردادهای دسته جمعی تعیین شده باشد با طرفین عاقد قراردادهاست. البته اختلاف بین میزان اجرت مساوی در صورتی که بدون ملاحظه جنسیت باشد مخالف اصل تساوی اجرت زن و مرد در قبال کار هم ارزش محسوب نمی شود. سازمان ملل متحد در کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان (مصوب ۱۳۳۱) به مساله اشتغال زنان توجه کرده است زیرا در آن دولت هامتعاهد و مکلف شده اند برای همه پناهندگان از جمله پناهندگان زن که قانونا در سرزمین های آن ها به سر می برند زمینه کار و اشتغال در امور کشاورزی صنعتی کارهای دستی انواع تجارت تاسیس شرکت های بازرگانی و مانند آن را فراهم آورند و با آن ها رفتار معمولی و مساعد داشته باشند.^۲

طی دهه های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ نرخ رشد حضور زنان در عرصه عمومی به شدت افزایش ی از سوی دولت باز هم زنان در عرصه فعالیت های اقتصادی شاهد تمایزات و تبعیضات فاحشی بودند که هم چنان حس فرودستی و تبعیض را در آنان تقویت می نمود. اما افت این حضور با جنگ جهانی دوم به اوج خود رسید اما به رغم تأکید بر رفتار نابرابر گذشته از تبعیضاتی که در این عرصه وجود داشت دولت به صورت پنهان از این حضور مضاعف نیروی کار با راه

^۱ شیروودی، مرتضی، ((اشتغال زنان در اسناد بین المللی حقوق بشر و جمهوری اسلامی))، مجله بانوان شیعه،

پاییز ۱۳۵۸، شماره ۹، ص ۱۲۳

^۲ ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر، چ دوم، تهران، ماجد، ۱۳۷۲، ص ۲۰۰

بخش اول: کلیات

کارهایی مثل کار نیمه وقت، بازار کار ثانویه و برای تعدیل نیروی کار خود استفاده می کرد. عمده ترین ابزار تعامل این نیرو وجود زنان بود که به بهترین شکل ممکن می توانست در خدمت نظام سرمایه داری قرار گیرد این سیاست های اقتصادی دولت، موجب تحمیل فشارهای سنگین اقتصادی و روحی فراوان بر زنان می شد و مسئله حضور زنان در عرصه عمومی را که سال ها از مطالبات عمده زنان به شمار می آمد با چالشی اساسی روبرو می ساخت.^۱

ب- تبعیض سنی

تبعیض سنی را می توان نوعی از تبعیض اجتماعی دانست. اصطلاح تبعیض سنی در سال ۱۹۶۸ توسط رابرت باتلر پزشک و مدیر موسسه ملی سالمندی ابداع شد او از این اصطلاح برای توصیف پیشداوری گسترده و عمیقی که بر علیه سالمندان وجود داشت استفاده می کرد.^۲

تبعیض سنی مانند تبعیض جنسی و تبعیض نژادی بیانگر وجود تبعیض قائل شدن بین گروهی یا گروه دیگر می باشد و در این موارد خاص بر مبنای سن اعمال می شود.

در تبعیض سنی مبنای تبعیض تعلق فرد به گروه های سنی مختلف است برای نمونه تبعیض سنی ممکن است در شرایط استخدامی سازمان ها و ادارات یا تحصیلات عالی نمود پیدا کند (مانند منع استخدام یا تحصیل افراد بالای سنی خاص مثلاً ۴۰ سال) با افزایش امید به زندگی و میانگین سنی افراد جامعه در برخی از کشور ها مبنای این نوع تبعیض مورد تردید قرار گرفته است و حتی قوانین خاصی برای جلوگیری از این تبعیض در ادامه تحصیل، شروع کار یا تغییر شغل وضع شده است.

^۱ مهدوی، محمد صادق، نگاهی به اصل برابری فمینیسم و موانع اشتغال زنان، مجله بانوان شیعه، شماره، ۹۰ پاییز ۱۳۸۵، ص ۵۴

^۲ فروردین ۱۳۹۱ (تبعیض سنی در سالمندان) www.tehransafe17.com

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

به طور کلی منظور از تبعیض سنی این است که براساس این نوع تبعیض افراد بالغ، نیرومند تر به دلیل تفاوت های بدنی و زیست شناختی در نظام اداری و سیاسی اقتصادی از موقعیت های برتری برخوردار شوند و در نتیجه افراد کم سن و سال و یا سالخورده از حقوق اجتماعی و دستمزد و احترام کمتر و تصدی پست های ارشد کمتر برخوردار گردند و یا از انتظارات و تمایز های بیشتر برخوردار در نتیجه به شغل و حرفه ی پست روی آورند. جنبه دیگری وجود دارد که در استخدام، سن افراد را در نظر گرفته و به افراد با سن بالا مجوز شرکت در امتحانات را نمی دهند، این در صورتی است که در کشورهای جهان اول تبعیض سنی در ادارات وجود ندارد.

تبعیض سنی شامل کودکان نیز می شود ؛ حقوق کودک بخشی از موضوعات حقوق بشر است که نیاز به حمایت جدی از سوی جامعه بین المللی را دارد انسان برای زندگی اجتماعی خویش نیازمند امنیت جسمی روحی و اقتصادی و... است. کودکان نیز که پایه و اساس رشد جسمی، عقلی و اجتماعی آنان از همان سال های نخست زندگی آغاز می شود با توجه به وضعیت خاص آنان به لحاظ جسمی و روحی نیاز به حمایت و مراقبت های ویژه ای دارند. این اقدامات باید مفهوم وقالب متناسبی یافته و با توجه به ناتوانی کودکان برای استیفای مستقیم حقوق خویش جنبه های حمایتی وسیعی یابد به طوری که بزرگسالان الزام ناشی از حمایت آنان را کاملاً احساس کنند.

قوانین و معاهدات بین المللی حفظ حقوق کودکان در قرن اخیر سبب شد تا منافع کودکان تاحد زیادی از تعرض مصون بوده و با استقبال اندیشمندان، صاحب نظران و دولت ها از آن زمینه احقاق حق کودکان فراهم شود.

صغر سن کودکان موجب می شود که کودکان در قوانین عدم بلوغ فکری و عقلی از مصونیت کیفری برخوردار باشند اشتغال کودکان به مشاغل سخت ممنوع و کشتن کودکان در مخالفت و درگیری ها امری ناپسند است و عزم بین المللی در جهت حفظ حقوق کودک است.

ج- تبعیض آموزشی

یکی از حقوقی که در اعلامیه جهانی بشر بیان شده حق آموزش می باشد. آموزش ابزاری اساسی در دستیابی به اهداف صلح و توسعه می باشد بنابراین یکی از شاخص های توسعه انسانی است. این حق هم چنین ابزاری ضروری برای پی بردن به سایر حقوق بشری و شناخت آنها می باشد. آموزش یک حق توانمند سازی است و زنان و کودکان و سالخوردگان به عنوان اعضای جامعه به دلیل نقش مهمی که در جامعه دارند آموزش آنها از اهمیت خاصی برخوردار است اما متأسفانه آمارها حاکی از آن است که این قشر عظیم در دستیابی به حقوق اجتماعی خود همواره با تبعیض مواجه بودند و از انواع تبعیض ها بی بهره نبودند از جمله استفاده از آنان به عنوان نیروهای کار ارزان از بین بردن این گونه تبعیض ها مستلزم همکاری همه نهادها و سازمان های ملی و بین المللی و انجام کارهای فرهنگی است به همین دلیل این حق در اسناد و اعلامیه های مختلفی به رسمیت شناخته شده است از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی اعلامیه حق بر توسعه کنوانسیون حقوق کودک، اعلامیه جهانی آموزش برای همه و...

در اعلامیه جهانی آموزش و پرورش برای همه (۱۹۹۰ تايلند) با ذکر این واقعیت که آموزش و پرورش یکی از حقوق علم همه افراد بشر است بیان شده بیش از یک سوم بزرگسالان جهان هنوز هیچ گونه دسترسی به دانش مکتوب مهارت های جدید و تکنولوژی ندارند. تا از طریق آن بتوانند کیفیت زندگی خود را اصلاح کرده خود را با تغییرات اجتماعی فرهنگی نوین جوامع سازگار نمایند^۱.

چنانچه جوامع در صدد تامین آموزش و پرورش برای همگان باشند به هیچ وجه بدون همکاری سایر نهادهای دولتی و غیر دولتی و حتی گروههای مذهبی و خانواده ها بدلیل هدف مهم دست نمی یابند.

^۱ نفیس، عبدالحسین، آموزش و پرورش برای قرن ۲۱، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۹، ص ۲۷

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

در ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده؛ آموزش و پرورش حداقل برای دوره ابتدایی اجباری و مجانی است و آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به طور کامل رشد دهد و تقویت کند آموزش و پرورش باید حس تفاهم، گذشت، احترام به عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادپایا مذهبی و هم‌چنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید. از قبل از تولد تا سال‌های اول زندگی مغز انسان سریع‌ترین رشد خود را تجربه کرده است و تجربیات اولیه کودک تعیین می‌کند که مغز چگونه رشد کرده و آیا معماری آن محکم یا شکننده است. سال‌های اول زندگی اودر دنباله کودکی نوجوانی و بزرگسالی چگونه خواهد بود بر نامه‌های مراقبت و آموزش اوان کودکی آغاز برابر و جلوگیری از ناملايمات دوران کودکی را برای همه کودکان تضمین میکند که نقش کلیدی در تضمین حق برابر رشد و آموزش همه کودکان دارد^۱.

دانستن حق مردم است و آنها باید بدون هر گونه تبعیض و نابرابری از فرصت‌های یادگیری در همه سطوح بهره‌مند شوند این یک تعهد مشترک ملی و بین‌المللی است. یونسکو پس از برگزاری کنفرانس ۱۹۹۰ با تأکید بر آموزش ۶ هدف را برای پیگیری برنامه آموزشی برای همه تعیین کرد. براساس آن همه اعضای یونسکو متعهد شوند تا با حمایت دولت‌ها مشارکت نهادهای غیر دولتی اجتماعات محلی و خانواده‌ها بدون تبعیض جنسیتی، قومیتی، مذهبی با تأکید بر آموزش‌های پایه برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان و ارتقای مهارت‌های زندگی آموزش را توسعه و تعمیم دهند.

از جمله دغدغه‌هایی که نظام‌های اغلب کشورها با آن روبرو هستند دسترس به آموزش برابری فرصت‌های آموزش و کیفیت یادگیری است فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری برای تمام کودکانی که به سن آموزش رسیده‌اند در دهه اخیر پایه اصلی کوشش‌های آموزشی برخی کشورها از جمله ایران بوده است.

^۱ کودک، آرامش و آموزش و پرورش، ۹۱/۳/۱۴، *yun. orj. ir*

فصل دوم: مبانی فلسفی و اخلاقی منع تبعیض

باتوجه به اینکه فلاسفه زیادی داریم که بخواهیم نظرات آنان را بررسی کنیم، لذا به معرفی چندتن از آنان بسنده می‌کنیم.

مبحث اول: نظریات فلاسفه غیراسلامی

گفتار اول: ارسطو

علم اخلاق ارسطو آشکارا غایت‌انگازانه است. او با عمل سرو کار دارد، نه عملی که فی‌نفسه حق و درست است، بلکه با عملی که به خیر انسان رهنمون می‌شود هرچه به حصول خیر و غایت او منجر شود از جهت انسان عملی صحیح و درست خواهد بود. عملی که خلاف نیل به خیر حقیقی او باشد عملی خطا و نادرست خواهد بود.

ارسطو اظهار می‌کند که خیر برای انسان در علم سیاسی یا اجتماعی مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد. جامعه و فرد خیر واحد و یکسان دارند هر چند این خیر آن گونه که در جامعه یافت می‌شود بزرگتر و شریف‌تر است. ارسطو علم اخلاق را به عنوان شاخه‌ای از علم سیاسی یا اجتماعی تلقی می‌کند.

وی لازمه عمل اخلاقی را آزادی و اختیاری می‌داند زیرا تنها برای اعمال ارادی است که یک انسان متحمل مسوولیت می‌شود یعنی ارادی به معنی وسیع کلمه اگر انسانی تحت فشار و جبر خارجی جسمانی یا در حال نادانی عمل کند او را نمی‌توان مسوول دانست ترس می‌تواند خصیصه ارادی یک عمل را کم کند لیکن عملی مانند پرتاب بار از کشتی به دریا هنگام طوفان هر چند کسی که عقل سلیم دارد در اوضاع و احوال عادی انجام نخواهد داد. مع هذا ارادی و اختیاری است زیرا ناشی از خود فاعل است.^۱

در بیان مبادی اخلاق و عدالت ناگزیر از به کارگیری مفهوم فضیلت و سعادت هستیم این واژگان در اخلاق ارسطویی به دقت مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. فضیلت به معنای خاص

^۱ همان، ص ۳۸۶

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

عبارت است از حالت و ملکه ای برای انتخاب آنچه نسبت به ماحد وسط می باشد و مطابق با قاعده صحیح عقلی و یا مورد تشخیص حکما است. فضیلت حالت پایدار نفس آدمی است و افعال فضیلت آمیز وسیله نیل به غایت سعادت هستند غایتی که به حکم عقل عملی مورد انتخاب قرار گرفته و به دلیل علم فاعل به جزئیات فعل از ابتدا تا انتها کاملاً اختیاری هستند ارسطو در اثبات اختیاری بودن این افعال به رفتار شخصی مردم و عملکرد اجتماعی قانونگذار در مدح و تشویق نیکوکاران یا مجازات و سرزنش بدکاران استشهاد می کند.^۱

نظریه عدالت ارسطو به مفهوم عام همان نظریه فضیلت و رعایت حد وسط در اخلاق ارسطویی است که وی تلاشی میکند در اندیشه سیاسی خود در جامعه پیاده کند.

مقصود اواز عدالت آن چیزی است که قانونی است و آن چیزی است که منصفانه و یکسان و مساوی است و بی عدالتی عبارت است از خلاف قانون و نابرابری.

از نظر ارسطو عدالت انواعی دارد نخستین نوع عدالت، یعنی عدالت ((کلی و عام)) عملاً معادل اطاعت از قانون است و از آنجا که وی قانون مدینه را در نظر دارد عدالت کلی و عام کم و بیش هم مرز و مجاور فضیلت است. ارسطو مانند افلاطون اعتقاد راسخ به وظیفه وضعی و رسمی تعلیم و تربیت دولتی داشته است.

دومین نوع عدالت جزئی یا خاص است که عدالت جزئی خود به عدالت توزیعی و عدالت جبرانی تقسیم می شود.

عدالت توزیعی: عدالتی است که بدان وسیله دولت خیرها و مزایا را میان شهروندان خود بر حسب تناسب های هندسی یعنی بر طبق استحقاق و شایستگی تقسیم میکند.

عدالت جبرانی یا (اصلاحی): این گونه عدالت خود به دو نوع فرعی تقسیم می شود الف) آنکه با معاملات ارادی سرو کار دارد (قانون مدنی) و ب) -آنکه با معاملات غیر ارادی سرو کار دارد (قانون جنائی و جزائی)

^۱ ذوالحسنی. فرزانه، مبادی نظریه عدالت ارسطو، مجله مشکات النور، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۳۴، ص ۹۶

بخش اول: کلیات

بنابر نظر ارسطو عدالت حد وسط بین عمل ظالمانه (ظلم) و مورد رفتار ظالمانه واقع شدن (انظلام) است. از نظر وی عدالت حد وسط است بدین معنی که وضع و حالتی از امور پدید می‌آورد که نیمه راه است بین آنکه در آن الف خیلی زیاد دارد و آنکه در آن ب خیلی کم دارد ارسطو تمایز بسیار بالارزشی بین انواع گوناگون عمل که اساساً عادلانه اند قائل می‌شود و خاطر نشان می‌کند که ارتکاب عملی که به ضرر زدن به دیگری منتج می‌شود وقتی زیان و خسارت پیش بینی نشده یا از روی قصد نبوده – و بالاتر از آن اگر زیان و خسارت مولد نتیجه آن عمل نباشد خیلی فرق دارد با ارتکاب عملی که طبیعتاً به وارد کردن زیان به دیگری منتج شود، مخصوصاً اگر آن ضرر پیش بینی شده و مورد قصد بوده باشد. تمایزات مذکور مجالی برای انصاف به عنوان نوعی عدالت برتر نسبت به عدالت قانونی فراهم می‌کند زیرا عدالت قانونی بیش از آن کلی است که بتواند بر همه موارد جزئی منطبق شود

((این طبیعی است که قانون شایع و رایج را در نظر بگیرد بدون این که به اشتباهات ناشی از کلیت توجه کند))

ارسطو می‌گوید: کسی که از قانون پیروی کند به طبیعت مساوات و عدالت رفتار کرده و اکتساب خیر و سعادت از وجوه عدالت می‌نماید. و قانون شرع جز به امور پسندیده دستور نمی‌دهد. زیرا از ناحیه خداوند است و خداوند جز زیبایی فرمان نمی‌دهد پس دستور به شجاعت می‌دهد که در حقیقت حفظ هماهنگی در جبهه هاست و دستور به عفت می‌دهد که در حقیقت حفظ دامن از آلودگی هاست و نهی از گناه و تهمت و فحش و بد زبانی می‌کند و خلاصه تشویق به خوبی‌ها و فضایل و منع از بدی‌ها و رذایل می‌نماید. و عادل ابتدا عدالت را در وجود خود به کار می‌بندد و سپس در مورد همشهریان خویش.

عدالت جزئی از فضیلت نیست بلکه تمامی فضیلت است و ظلم جزئی از رذیله نیست بلکه تمامی رذیله است ولی برخی ازستم‌ها ظاهرترند مثل ستم در خرید و فروش آشکارتر از دزدی و شهادت دروغ است.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

عادل حکم به مساوات نموده و در ابطال این فسادها می‌کوشد و نقش جانشین شریعت الهی را در این مورد ایفا می‌کند و هم چنین عوام کسی را شایسته حکمرانی می‌دانند که از نظر خاندان و فامیل سرشناس و مشهود و یا از نظر مال و ثروتمند باشد در حالی که اهل دانش و بینش یکی از شرایط مهم حکومت را فضیلت می‌دانند زیرا این دو موجب ریاست و سیادت واقعی است و هر فردی را به مرتبه شایسته خود می‌رساند.^۱ در دید او غایت مدینه و غایت فرد منطبق و موافق اند نه به این معنی که فرد باید کاملاً جذب مدینه شود، بلکه به این معنی که مدینه وقتی خوشبخت خواهد شد که شهروندان خوب باشند یعنی وقتی که به غایت خاص خود نائل آیند تنه‌ای از واقعیت ثبات و رفاه روز افزون مدینه خیر اخلاقی و راستی و درستی شهروندان است. در حالی که بر عکس جز این که مدینه خوب باشد و نظام تعلیم و تربیتش معقول و اخلاقی باشد شهروندان خوب نخواهند شد. فرد به پیشرفت و کمال خاص خویش از طریق زندگی واقعی که زندگی در یک جامعه مدنی است نائل می‌شود. در حالی که جامعه به غایت خاص خود از طریق کمال اعضای خود نائل می‌شود.^۲

گفتار دوم: کانت و جان رالز

الف- کانت

کانت معرفت عادی به ایمان و معرفت علمی را مسلم می‌دارد اما غیر از علم به ایمانی که اصلاً در شهود حسی عرضه می‌شود معرفت اخلاقی نیز وجود دارد. یعنی علم به این نیست که مردم در واقع چگونه رفتار می‌کنند بلکه علم به این است که چه باید باشد یعنی مردم چگونه باید رفتار کنند؟ از نظر وی غیر از اراده خیر محال است در جهان یا خارج از آن چیزی تصور کرد که خیر بدون قید و شرط باشد اراده کردن با شوق داشتن و میل کردن فرق دارد و به معنای تصمیم گرفتن به انجام کاری است از نظر وی چنین تصمیمی تنها به این شرط از نظر اخلاقی نیکو و پسندیده است که بخاطر نفس و وظیفه و به انگیزه وظیفه شناسی گرفته نشود.

^۱ کاپلستون، فردریک، ازولف تا کانت، ترجمه بزرگمهر، منوچهر، ج ششم، انتشارات سروش، ۱۳۸۰، ص ۳۱۷

^۲ اخلاق و وظایف حکومت اسلامی، ۱۳۹۱/۳/۵، www.rasekhoon.net

بخش اول: کلیات

در نظر کانت تقسیم وقتی اخلاقی است که نه صرفاً برای رفع تکلیف بلکه به انگیزه وظیفه شناسی یا به خاطر نفس وظیفه گرفته شود ارزش اخلاقی عملی در دستوری است که موجب آن تصمیم به اقدام به آن عمل گرفته شده است و توضیح می دهد که دستور همانا مبدأی ذهنی عمل است یعنی مبدای که ذهن بر حسب آن عمل میکند. دستور هنگامی اخلاقی است که با قانون اخلاق مطابقت کند. مطابقت با قانون به طور کلی شرط الزوم و کافی اخلاقی بودن دستورها و بنابراین انطباق با اخلاق است.^۱

برای وی سیاست نیز بخشی از اخلاق می باشد زیرا سیاست نیز در حوزه باید ها و نبایدها مطرح می شود و در واقع به این سوال مربوط است که ما در قالب اجتماعی و سیاسی چه باید انجام بدهیم و چه نباید انجام بدهیم. سیاست نیز مانند اخلاق با قانون سرو کار دارد. لذا فلسفه اخلاق کانت با فلسفه سیاسی او مرتبط اند. نظریه سیاسی کانت قصد دارد بگوید که کدام اعمال نسبت به دیگران عادلانه اند و کدام نیست اند؟ و یا اینکه ما از کدام حق برخورداریم و از کدام حق بی بهره؟

کانت در نوشته های سیاسی خود در صدد است برای حاکمیت اصولی را استخراج کند که مبتنی بر طبیعت، تجربه یا قرارداد نیستند. وی برآن است تا بنیاد حاکمیت را مستقل از تجربه پی ریزی کند.^۲

او درباره حقوق دسته بندی زیر را به عمل می آورد: حق عبارت است از: (۱) حق ذاتی (۲) حق اکتسابی حق ذاتی: آنهایی هستند که مستقل از هر قانون مصوبی هستند و به مردم تعلق دارند، مانند: حق آزادی، حق قانونی، حق برابری، حق استقلال، حق شهروندی و حق مدنی حقوق اکتسابی: تنها از مجرای تصویب قانون موجودیت می یابند حق ذاتی به آزادی شامل حق مالکیت هم است زیرا این حق برای تکامل و رشد فرهنگ انسانی که غایت طبیعت به شمار میرود ضروری است حق ذاتی به آزادی بیرونی تنها درون یک حکومت به نمود عام قابل تحقق است. برای آنکه حق ذاتی به آزادی بیرونی عدالت است. او عدالت را

^۱ کورنراشتفان، فلسفه کانت، انتشارات خوارزمی، چ دوم، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۸۸

^۲ صادقی، فاطمه، ((رالزدر فلسفه سیاسی کانت))، مجله نامه فلسفه، پاییز ۱۳۸۰ ص ۱۲۴

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

چنین تعریف می‌کند مجموعه آن شرایط که تحت آن اراده یک فرد می‌تواند بر طبق یک قانون عام آزادی با اراده یک فرد می‌تواند بر طبق یک قانون عام آزادی با اراده دیگر افراد متحد شود.^۱

کانت استدلال میکند که وظایف سیاسی یک فرد تنها می‌تواند از این امر که همراه با دیگران موافقت کرده است تا تحت اقتدار و حاکمیت حکومت قرار گیرد ناشی شود. از نظر وی بشر را می‌توان چنان در نظر گرفت که گویی به یک قرارداد اجتماعی رضایت داده است. و مبنای این استدلال این است که انسان‌ها آنقدر معقول هستند که تن به یک قرارداد اجتماعی بدهند. پس حکومت از آن رو مشروعیت دارد که عقل مشروعیت آن را آشکار می‌سازد. این ایده نه تنها وظایف سیاسی اعضای یک حکومت را تعیین می‌کند بلکه در عین حال محدودیت‌هایی را که مورد حاکمیت حکومت وجود دارد توضیح می‌دهد. در واقع آزادی افراد تحت یک حکومت شرطی تأمین می‌شود که حکومت یک جمهوری باشد و مقصود حکومتی است که در آن تفکیک قوا و حاکمیت قانون صورت پذیرفته باشد.

از نظر وی تنها تحت شرایط عدالت بین‌المللی است که عدالت در درون جامعه میسر خواهد شد. وی از حق جهانی سخن می‌گوید. و آن حقی است که همه انسان‌های کره زمین به واسطه انسان بودن دارا هستند. همه ملت‌ها می‌توانند میان خود قوانین عامی برای تجارت، سکون و... به وجود آورند و به واسطه این قوانین از حقوق مربوط برخوردار شوند.

قاعده و قانون فراگیر در حقیقت ملاک و معیاری عینی تر برای ترسیم آموزه‌های هنجاری ارائه می‌دهد کانت هر گونه آموزه غیر جهان‌شمول را نفی می‌کند. در واقع وی آموزه غیر قابل تسری به دیگران را آموزه اخلاقی نمی‌داند و لازمه چنین چیزی برابری انسان‌ها است می‌توان چنین نتیجه گرفت که اخلاق کانتی در حقیقت بریک اصل بنیادین اخلاقی که حاصل جمع برابری و حیثیت ذاتی انسانی است استوار می‌باشد.^۲

^۱ همان، ص ۱۲۵

^۲ سید فاطمی. سید محمد قاری، حقوق بشر در جهان معاصر، ج دوم، شهر دانش، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷

ب: جان رالز

متفکر وفیلسوف سیاسی امریکایی، جان رالز از مهم ترین فلاسفه ی سیاسی قرن بیست ویکم می باشد آثار این فیلسوف بیش از پنجاه سال است که چاپ می شود و این نوشته ها به طور فزاینده در طول این مدت فلسفه سیاسی در سراسر جهان را تحت تاثیر قرار داده است رالز نظریه عدالت خود را بر اساس اندیشه قرارداد اجتماعی فرضی سامان می دهد. او خود اذعان می دارد که ایده قرارداد اجتماعی قبلا توسط افرادی چون لاک، روسو و کانت مطرح شده است ولی مدعی است که می خواهد آن را در سطحی کلی تر و انتزاعی تر به کار برد. رالز از آن جهت به اندیشه قرارداد اجتماعی متوسل می شود که مدعی است راه مناسب تدوین اصول برای جامعه دموکرات این است که ببینیم افراد آزاد بر سر چه اصولی از عدالت به توافق خواهند رسید تا براساس آن ها نهادهای اجتماعی و سیاسی جامعه را تنظیم کنند.

رالز پیوسته می کوشد که از طریق استدلال و دقت در تمیز معانی، مفاهیم را رها نکند تا بتواند به تعریف مستقل و واقعی از عدالتی که صرف الفاظ نباشد برسد و بتواند بعضی مسائل سیاسی و اجتماعی را روشن سازد و حل کند با صرف نظر از رعایت دقیق قانون و قبول مرجعیت آن و توجه به عدالت صوری که عین رعایت قانون و عمل بر وفق آن است مساله مهمی که مطرح می شود عدالت موسسات اجتماعی است این ترتیبات و نظامات را برحسب قواعد عمومی و الزام آوری که آنها را راه می برد می شناسد. با اندکی تامل در می یابیم که با رعایت قوانین است که جامعه نظم و ترتیب یافته و صورت نظام همکاری ثابت و استوار پیدا کرده است.^۱

هدف اساسی او فراهم کردن مناسب ترین مبنای اخلاقی برای جامعه دموکرات است. وی باین فرض نظریه قرارداد اجتماعی خود را سامان می دهد که افراد بشر اشخاص آزاد برابر عقل و برخوردار از قوه درک عدالت اند. اما به دلیل اختلاف در علم و استعداد تصورات متفاوتی را دارند.

^۱ لاکوست. ژان، فلسفه در قرن بیستم، ترجمه داوودی اردکانی، رضا، انتشارات سمت، ۱۳۸۴، ص ۱۷۲

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

وی معتقد است ماباید خود را در وضعیت قراردادی تصور کنیم که در آن بایستی با همه افراد دیگری که با مادر جامعه زندگی میکنند بر سر اصل عدالت توافق کنیم که باید در جامعه حاکم باشد هر تلقی از عدالت که ماحصل این توافق عمومی فرضی باشد

قابل دفاع ترین و پذیرفتنی ترین فهم از عدالت است. هر چند فهم مطلقی نیست.

در نظریه عدالت رالز که مشتمل بر دو اصل برابری و اختلاف است تأکید فراوانی برحق افراد به ویژه کم برخوردارترین آنها شده است و این نظر او امتیازی است که نظریه فایده گرایی از آن بی‌بهره است بر اساس اصل اول هر حکومتی باید حقوق و آزادی های برابر افراد را تامین کند و در همین راستا و خیرهای اولیه به طور مساوی توزیع میشوند. براساس اصل دوم توزیع نابرابر در پاره ای از موارد تنها از جهت موجه و قابل پذیرش است که شرط اصل اول را نادیده نگیرد و لذا معطوف به منافع همگان به ویژه افراد کم برخوردار باشد.^۱

رالز بر این باور بود که افراد دو اصل متفاوت را بر می‌گزینند. که یکی ناظر به حوزه حق های مدنی و سیاسی بشر و دیگری ناظر به حوزه حق های اقتصادی، اجتماعی است یکی آزادی محسور ولیبرالیستی است و دیگری ناظر به باز توزیع امکانات اقتصادی اجتماعی و تاحدودی سوسیالیستی است.^۲

از دیدگاه رالز شهروندان به گونه ای برابر از همه آزادی های فوق بهره مند خواهند شد

همه افراد در یک جامعه عادلانه باید از حداکثر آزادی های بنیادین برخوردار باشند. محدود کردن حداکثر آزادی در صورتی امکان پذیر است که اولاً ملکیت آزادی برای همگان را تقویت کند و مورد پذیرش واقع شود. هم چنین نابرابری ها باید به گونه ای سامان داده شوند که موقعیت افراد با فرصت های کمتر ارتقا یابد و ثانیاً در آمدهای سنگین باید در جهت تخفیف مشکلات افرادی که در مشقت و سختی هستند تعدیل گردد... همه شهروندان باید

^۱ شاقول.یوسف، ((مبانی فلسفی نظریه عدالت رالز))، مجله فصلنامه فلسفه، شماره ۱۱، بهار و تابستان، ۱۳۸۵،

ص ۱۹۰

^۲ سید فاطمی، پیشین، ص ۱۳۹

بخش اول: کلیات

در آزادی های پایه برابر باشند همه آن ها باید فرصت های برابر برای پرورش استعداد ها و آزادی های خود داشته باشند این برابری ها و فرصت ها باید حق برابر در احترام به همگان را تامین کند و نابرابری اقتصادی و اجتماعی فقط تا آنجا که در جهت منافع همگان و به ویژه کم برخوردارترین افراد جامعه باشد مجاز است.

مبحث دوم: نظریات فلاسفه اسلامی

گفتار اول: ابن سینا

ابن سینا به تعاریفی از عدالت اعتقاد داشته و عدالت را برابری مطلق نمی داند بلکه در زمینه استحقاق های مساوی تساوی ونفی تبعیض را لازم می داند. ابن سینا بجای برابری مطلق به تفاوت و تعاون در بین انسان ها عقیده دارد و این ها به دلیل آن است که جامعه بشری محصول تقسیم کار اجتماعی انسانهاست و تقسیم کاربدان سبب پدید می آید که هر کس بنا به شایستگی اش بخشی از نیازهای گوناگون جامعه انسان ها را برآورده سازد و تعاون میان آدمیان انجام نمی پذیرد مگر با وجود تفاوت ها و اختلافاتی در میزان کفایت های آنان و اصلاً برابری مطلق مخل عدالت و نظم اجتماعی و باعث نیستی خواهد شد. از نظر وی بشر محتاج تقسیم کار است که بدون اجتماع و مشارکت صورت نمی پذیرد هم چنان که اجتماع و مشارکت هم بدون عقد قرارداد شکل و ابتناء نمی یابد. مبنا و قیاس این قرارداد ها سنت و عدل است و برای تشریح و اجرای سنت و عدل قانونگذار عادل نیاز است شریعت و عدالت به نظر ابن سینا ممیز اجتماع مدنی است و تحقق مدنیت به تحقق سنت و عدل است که توسط سنت گذار و دادگستر صورت می پذیرد.^۱

از نظر وی بیکاری و ولگردی باید ممنوع باشد و سامان جامعه باید طوری باشد که هیچ کس نتواند در نیازهای زندگی خود از دیگری بهره برداری کند و در عین حال خودش در مقابل آن شخص هیچ دردسری را تحمل نکند، یعنی از مردم چیزی بگیرد ولی خودش به آنها چیزی ندهد و زحمتی نکشد باید در جامعه درآمد عمومی داشته باشیم که قسمتی از

^۱ فلسفه سیاسی ابن سینا، ۱۳۹۱/۳/۱۰، [www. Tebyan-zn. ir](http://www.Tebyan-zn.ir)

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

آن مالیات‌ها مربوط به درآمدهای مردم باشند این درآمد‌ها می‌تواند مربوط به حرفه کسب و کار و یا مربوط به درآمد‌های طبیعی ناشی از فروش میوه و زاد و ولد حیوانات باشد این درآمد و ثروت عمومی باید به مصرف مصالح عمومی جامعه و نیازمندان برسند هم چنین باید از پیشه‌ها و کارهایی که بضرر مصلحت جامعه است جلوگیری به عمل آید مانند آموزش دزدی راهزنی و این گونه کارها و هم چنین کارهایی که انسان را از کسب حرفه و صنعت بی‌نیاز می‌کند و باعث می‌شود که انسان نتواند در نظام جامعه شرکت کند مانند رباخواری ممنوع باشد.

ابن سینا اولین چیزی که در یک نظام اجتماعی باید مرسوم شود ازدواج می‌داند که موجب بقای نسل بشر می‌شود و قانونگذار نیز باید برای ثبات این وصلت‌ها تدابیری اندیشه نماید و بر دوام ازدواج باید تأکید شود. در این جا ابن سینا میان زن و مرد تفاوت قائل می‌شود و بیان می‌دارد که تأکید بر دوام و استمرار ازدواج باید بیشتر از طرف زن مورد توجه قرار گیرد به این صورت که حق طلاق را به او ندهند زیرا عقل زن سبک است و بشدت تحت تأثیر هوا و هوس یا خشم و غضب قرار می‌گیرد، هم چنین اضافه می‌کند سزاوار است از زن نگهداری به عمل آید زیرا در وجود خود تمایل به اشتراک دارد و به آسانی فریب می‌خورد و کمتر از عقل و منطق پیروی می‌کند اگر زمینه‌ای فراهم آید که در زن اشتراکی پدید آید، ننگ و بدنامی بزرگی پیش می‌آید و این از زیان‌های مشهود و شناخته شده است.

امر اشتراک در مرد (یعنی اینکه مرد چند زن داشته باشد) مایه بدنامی نیست بلکه تنها زمینه ساز حسد است، حسد نیز امر مهمی نیست که مورد توجه قرار گیرد و انسان باید حتی الامکان حسود نباشد. بنابراین شایسته است که زنان را به پوشیده بودن و حجاب وادارند و از شرکت آنها در کسب و کار همانند آن جلوگیری به عمل آورند و مرد باید عهده دار هزینه زندگی زن شود، مرد نیز در قبال تعهد، که قبول می‌کند عوض باید داشته باشد. عوض و بهای پرداخت هزینه‌های زن آن است که مالک و صاحب اختیار او خواهد بود و زن صاحب اختیار او نخواهد بود.

بخش اول: کلیات

پس زن حق ندارد با دیگران ازدواج کند اما مرد در این باره مانعی ندارد. پس ناموس زن که در اختیار مرد است در برابر تأمین هزینه اوست، تملک ناموس زن این نیست که مرد از او لذت جنسی ببرد زیرا لذت میان زن و مرد مشترک است و در این باره بهره زن از مرد بیشتر است، مالکیت بدین معناست که زن نتواند جز آن مرد شوهر دیگری اختیار کند^۱.

گفتار دوم: استاد مطهری

استاد مطهری از آنجا که مفهوم حقوق طبیعی را پذیرفته و آن را به فلسفه اجتماعی اسلام تعبیر می‌کند و برای توضیح مفهوم عدالت، به حقوق طبیعی متوسل می‌شود وی انسان را موجودی صاحب حق می‌داند و مبنای آن را دستگاه خلقت و استعدادها می‌داند که در وجود انسان نهفته است مانند حق مالکیت آزادی برابری در مقابل قانون و غیره...

از نظر شهید مطهری عدالت یعنی این که هر صاحب حقی به تمام حقوق خود دست پیدا کند و طبق این تعریف استاد مطهری حق را مسأله‌ای واقعی و نفس‌الامری و ثبوتی می‌داند و با تأکید بر مبنای معرفت‌شناسی قدیم (دستاوردهای فکری یونان و سوفسطائیان) به تحلیل عدالت پرداخته است.

((درباره عدل و ظلم هم، که مربوط به حقوق و حدود مردم است و یک موضوع اجتماعی است این حساب پیش می‌آید که مطابق عدلیه به واقع نفس الامر حقی است و ذی حق بودن و نبودن خودش یک واقعیتی است قبل از آن که یکی به حق واقعی خود برسد یکی محروم می‌ماند. اسلام آمد و دستورات خود را مطابق حق و عدالت تنظیم کرد. عدالت یعنی اعطای کل ذی حق حقه، پس عدالت امری است که اگر اسلام دستور به حق بودن آن خللی وارد نمی‌شد))

استاد مطهری اساس عدالت را در اسلام و قرآن و سنت جست‌وجو می‌کرد وی در کتاب عدالت الهی مواردی را از قرآن ذکر می‌کند که در آنها بحث عدالت جمعی و گروهی ذکر شده است.

^۱ یثربی، سیدیچی، فلسفه مشاء، بی تا، موسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳، ص ۲۵۰

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

از نظر وی عدالت با واژه‌هایی مانند تساوی توازن و عدالت اجتماعی و در یک خط باید گفت که عدالت از دیدگاه مطهری به معنای توازن که یک کار بست در نظام تکوین دارد. و عدالت در اسلام به عنوان یک فلسفه اجتماعی مورد توجه می‌باشد و از هر چیز بالاتر بوده و مبنای سیاست‌های اسلامی است و به خاطر هیچ منظور و هدفی کوچکترین انحراف از عدالت جایز شمرده نمی‌شود.

استقرار عدالت در جامعه آن است که امکانات مساوی برای همه افراد فراهم و مطابق دستورات پیامبر جامعه از نظر امکانات مساوی هر کس مناسب باذوق و فعالیتی که انجام می‌دهد، مقام و شغل خاصی را اختیار می‌کند و تفاوت‌هایی که بطورطبیعی در اجتماع وجود دارد تابع استعدادهاست.

وی عدالت را به سطوح مختلف کلامی، فردی، اجتماعی، تکوینی، الهی و تشریعی تقسیم بندی کرده، وی در مورد تقسیم بندی عدالت از دیدگاه اسلام می‌گوید.

((اصل عدالت در فرهنگ اسلامی تقسیم می‌شود به عدل الهی و انسانی، عدل الهی خود تقسیم می‌شود به عدل تکوینی و تشریعی، عدل انسانی به نوبه خود به فردی و اجتماعی تقسیم بندی می‌شود بر اساس این تقسیم بندی عدالت فردی زیر بنای عدالت اجتماعی الهی را ایمان و پایه عدالت فردی قلمداد می‌شود و می‌گوید بدون شک عدالت اجتماعی نمی‌تواند مفهومی مغایر با عدالت فردی داشته باشد وی در کتاب جامعه و تاریخ‌شناسی و روان‌شناسی را بر پایه عدالت مطرح نموده و بر ضرورت رعایت قانون و حقوق افراد تأکید نموده و در همین رابطه نوشته است ((این انسان‌ها هستند که باید وجود عینی قانون باشند، پس عمده عمل به قانون است که مستلزم گذاشتن از منافع است این عمل بدون ایمان به این که عدالت التزام الهی دارد میسر نیست و برای اجرای عدالت دو چیز لازم است یکی بیداری شعور جامعه به این که حقوق خود را حفظ کند یا ایمان به این که از حد تجاوز نکند و دیگر ایمان اقویا، از آنجا که شهید مطهری در دوره ای می‌زیست که مکتب‌های

بخش اول: کلیات

لیبرال و سوسیالیست تلقی جدیدی از مفهوم عدالت بیان می کردند لذا وی سعی می کرد با دیدگاههای اختلاط دینی و غیر دینی مبارزه نماید.^۱

در مجموع این برداشت می شود که عدالت از دیدگاه شهید مطهری به عنوان یک اصل مطرح است که مقدم بر دین و مقابل دین و معیار گزینش دین است و اصل عدالت است که انطباق عقل و شرع را در اسلام ممکن ساخته است و باید گفت که حکم شرع همه همان حکم عقل است. وی معتقد است که عدالت از مقدمات بشر است به گونه ای که آزادی و دموکراسی و همگی در زیر مجموعه جای می گیرند هدف همه این ها برقراری عدالت است از نگاه استاد مطهری عدالت از اصول و مبادی اجتماعی است، اما از آنجا که از روح عدالت خواهی سرچشمه می گیرد ریشه در اخلاق دینی دارد و در خارج به قرائت و تفسیر دینی محتاج است.

جمع بندی

در این بخش سعی در شناخت مفاهیم جهت درک هر چه بهتر موضوع، و مطالعه در مفاهیم و مصادیق اصل عدم تبعیض صورت پذیرفت و مفاهیمی چون حق، مساوات، برابری، عدالت، انصاف، تبعیض و عدم تبعیض و مصادیقی همچون تبعیض جنسیتی، عقیدتی، ملیت، آموزشی، اجتماعی، سنی، نژادی و غیره تعریف و شناسانده شده است.

^۱ میثاقی، محمد حسین، عدالت از منظر استاد مطهری، ۹۱/۶/۲۶ سایت www.ido.ir

بخش دوم: جایگاه منع تبعیض در اسناد بین المللی

فصل اول: معاهدات و اعلامیه های منشور سازمان ملل متحد

تجربیات تلخی که از طرز عمل تشکیلات جامعه ملل سابق در عرض عمر بیست ساله اش بدست آمده بود مطرح کنندگان نقشه سازمان ملل متحد را بعد از جنگ جهانی دوم بر آن داشت که با کمال توجه نواقص دستگاههای سابق را مورد دقت قرار داده و از نتایج حاصله از آن برای پی ریزی دستگاه جدید تا آنجا که اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی ملل اجازه می داد استفاده نمایند. نظام جدید بین المللی حقوق بشر یک پدیده بعد از جنگ جهانی دوم است. نقض وحشتناک حقوق انسان ها و جنایات و فجایع ضد بشری ملتها را به این باور رسانید که اگر یک نظام موثر حمایت از حقوق بشر در جامعه ملل وجود داشت، ممکن بود این گونه نقض حقوق انسانی و احتمالا خود جنگ رخ ندهد. بنابراین در همان اواسط دوران جنگ، مساله توجه بین المللی به مسائل اساسی حقوق بشر مطرح شد.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

در پایان جنگ جهانی در ژوئن ۱۹۴۵، کنفرانس سانفرانسیسکو آمریکا برای بحث پیرامون تشکیل سازمان ملل متحد تشکیل شد و در پایان کنفرانس مزبور در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، منشور ملل متحد که بر مبنای آن سازمان ملل ایجاد شد و به امضاء رسید^۱.

آنچه در منشور آمده است، مبنای قانونی و فکری توسعه حقوق بشر بین‌المللی قرار گرفت و سازمان ملل توانست بعداً بر همان مبنا بتدریج سیستم‌های نسبتاً موثری را ایجاد نماید. منشور سازمان ملل متحد نخستین سند بین‌المللی حقوق بشر جدید محسوب می‌شود. در مقدمه منشور به ایمان ملل متحد به حقوق اساسی بشر با این عبارت تصریح شده است: ما مردم ملل با تصمیم به... اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین زن و مرد و هم‌چنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ و به ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر یا آزادی بیشتر...))

ماده ۱ منشور ملل متحد، مقاصد و اهداف سازمان ملل را در چهار بند بیان می‌کند، بند سوم آن بدین شرح است: حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشر دوستی است و در پیشبرد و تشویق و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب.

تعهدات اساسی زمان ملل و دولت‌های عضو، برای دستیابی به این اهداف در مواد ۵۵ و ۵۶ منشور آمده است. ماده ۵۵ مقرر می‌دارد با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل، سازمان ملل متحد، امور زیر را تشویق خواهد کرد:

الف) بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای همه، حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی.

^۱ مهر پور حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، پیشین، ص ۳۷

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

ب) حل مسائل بین‌المللی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزشی و...

ج) احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب.

ماده ۵۶ می‌گوید: کلیه اعضای متعهد می‌شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته جمعی معمول دارند.

با این که موضوع حقوق بشر و تکلیف مقرر در ماده ۵۵ منشور در این زمینه به نحو وسیع و گسترده ای مطرح شده ولی اختیارات محدودی به سازمان ملل متحد داده شده است. وظیفه سازمان ملل، ارتقاء حقوق بشر است و این مسئولیت به عهده مجمع عمومی و شورای اقتصادی، اجتماعی گذاشته شده است. تعهد دولت‌های عضو نیز طبق ماده ۵۶ محدود به تشویق به رسیدن مقاصد مذکور در ماده ۵۵ است. یعنی تشویق به احترام جهانی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هم در منشور تعریف نشده است. با این حال می‌توان گفت: منشور، شرط عدم تبعیض در اجرای حقوق و آزادی‌ها را صریحا ذکر کرده و بنابراین با مقایسه ماده ۵۶ و بند ((ج)) ماده ۵۵ می‌توان این نتیجه را گرفت که دولت‌های عضو سازمان ملل متحد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب ارتقاء دهند.^۱

در مواد ۱۳، ۶۲ و نیز ۶۸ منشور نیز به حقوق بشر پرداخته شده و مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی را موظف به انجام مطالعات و تشکیل کمیسیون‌ها و دادن توصیه‌هایی در جهت تحقق حقوق بشر می‌نمایند.

ماده ۱۳ مقرر می‌دارد: مجمع عمومی نسبت به امور زیر موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه‌هایی را فراهم می‌کند.

^۱ همان، ص ۳۹

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

الف) ترویج همکاری بین‌المللی در امور سیاسی و ایجاد زمینه‌های مناسب برای توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن

ب) ترویج همکاری بین‌المللی در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بی‌هیچ تبعیض از حیث نژاد و جنس و زبان و مذهب.

در بند ۱ و ۲ ماده ۶۲ آمده است: شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند مطالعات و گزارش‌هایی درباره مسائل بین‌المللی مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر امور مربوط انجام داده یا تهیه نماید یا موجبات انجام یا تهیه آن را فراهم آورد و در مورد این گونه امور به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد و موسسات تخصصی مربوط توصیه‌هایی بنماید.

۲/ شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به منظور تشویق احترام واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه توصیه‌هایی بنماید.

در ماده ۶۸ شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیون‌هایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر هم چنین هر گونه کمیسیون‌های دیگری که برای اجرای وظایفش ضروری باشد تأسیس می‌کند.

بند (ج) ماده ۷۶ منشور نیز در فصل دوازدهم تحت عنوان نظام قیومت بین‌المللی یکی از اهداف اساسی نظام قیومت را این گونه بیان می‌کند: تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و تشویق شناسایی این معنی که ملل جهان به یکدیگر نیازمندی باشند.

منشور سازمان ملل حقوق بشر را بین‌المللی کرد. به عبارت دیگر، دولت‌ها با الحاق به منشور که یک معاهده چندجانبه است. این معنی را به رسمیت شناختند که حقوق بشر مذکور در منشور یک موضوع مورد توجه بین‌المللی است و این معنی دیگر در صلاحیت داخلی دولتهایست هر چند در سالهای اولیه تأسیس سازمان ملل صحت و اعتبار این

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

مقررات از سوی برخی دولت‌ها مورد بحث و جدل بود ولی امروزه دیگر کسی تردیدی در اعتبار آنها ندارد. تعهد دولت‌های عضو سازمان ملل به همکاری با سازمان در ارتقاء حقوق بشر طبق منشور این اختیار قانونی و امکان و فرصت را به سازمان ملل داد که تلاش وسیعی برای تعریف و تدوین این حقوق بنماید هم چنین سازمان ملل پس از سال‌ها موفق شد حوزه تعهدات دولت‌های عضو را به ارتقاء حقوق بشر و آزادی‌های اساسی روشن کند و نهادهای حقوق بشری مبتنی بر منشور را برای تضمین اجرای حقوق بشر از سوی دولت‌ها ایجاد نماید. ماده ۳ در مورد حقوق بشر در منشور سازمان ملل بحث می‌کنند ماده ۱(۳)، ۵۵(ج)، ۵۶، علاوه بر این دیگر مواد منشور مقرر می‌دارند که حفاظت از حقوق بشر وظیفه اصلی و اساسی سازمان ملل می‌باشد منشور بیان می‌کند که اهداف سازمان ملل برای ایجاد روابط صمیمانه در میان ملل بر مبنای احترام بر قانون برابری و عدم تبعیض و ارتقا و افزایش احترام برای حقوق بشر و آزادی‌های پایه‌ای برای همه بدون تبعیض در قبال نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب می‌باشد، اگرچه این قوانین اجبار صریحی برای تضمین یا بازرسی حقوق بشر ایجاد نمی‌کند و معنای حقوق بشر و آزادی اساسی را بیان نمی‌کند در عوض اجبار مبهمی در «ارتقای احترام جهانی و بازرسی برای حقوق بشر» تحمیل می‌کند. تنها قانون واضح در منشور مربوط به منع تبعیض می‌باشد.^۱

مبحث اول: اعلامیه جهانی حقوق بشر

در همان هنگام بررسی و تصویب منشور ملل متحد در کنفرانس سانفرانسیسکو متنی هم بنام ((اعلامیه حقوقی اساسی انسان)) تهیه و به عنوان ضمیمه منشور مطرح شد، ولی در آن موقع متن مزبور مورد رسیدگی و تصویب قرار نگرفت بلافاصله پس از پایان کنفرانس سانفرانسیسکو کمیسیون تدارکاتی سازمان ملل تشکیل جلسه داد و از شورای اقتصادی واجتماعی خواست که در اجرای ماده ۶۸ منشور کمیسیونی جهت تشویق و ارتقاء حقوق

^۱ Li Weiwei, *Equality and Non-discrimination under International Human Rights Law*. university of Oslo, ۲۰۰۴, P ۵

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

بشر تشکیل دهد. شورای مزبور نیز در اوایل سال ۱۹۴۶ کمیسیون حقوق بشر را تشکیل داد. کمیسیون مزبور ابتدا بر اساس تصمیم نخستین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل که در ژانویه ۱۹۴۶ در لندن تشکیل شد، مأمور تهیه منشور بین‌المللی حقوق بشر گردید.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ با رأی مثبت ۴۸ دولت از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل طی قطعنامه شماره ۲۱۷ا به تصویب رسید. هیچ رأی مخالفی نداشت ولی رأی ۸ دولت ممتنع بود. که عبارت بودند از: بلاروس، چکسلواکی، لهستان، عربستان سعودی، جمهوری اوکراین، اتحاد شوروی، یوگوسلاوی و آفریقای جنوبی.

اعلامیه جهانی حقوق بشر نخستین اعلامیه فراگیر حقوق بشر است که از سوی یک سازمان بین‌المللی اعلام شده است و طبعا موقعیت معنوی و سیاسی ممتاز و مهمی بدست آورده است. این اعلامیه از لحاظ موقعیت تاریخی و معنوی در ردیف اعلامیه حقوق بشر و اسناد مزبور گرفته شده ولی طبیعتا موقعیت عملی وسیع تری پیدا کرده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان تفاهم مشترک ملتها در مورد حقوق و آزادی‌های اساسی انسان که همواره باید مورد توجه قرار گیرد، آموزش داده شود و به آن عمل شود، توصیف شده است. رئیس وقت مجمع عمومی سازمان ملل پس از تصویب اعلامیه، اظهار داشت. پذیرش این اعلامیه با اکثریتی بزرگ، بدون هیچ گونه مخالفت مستقیم، خود دستاورد قابل ملاحظه‌ای است و میلیونها نفر مرد و زن و کودک در سراسر جهان از آن کمک، راهنمایی و الهام خواهند گرفت!^۱

اعلامیه جهانی حقوق بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۲۰ ماده است. مقدمه، هدف از تصویب اعلامیه و قلمرو مفاد آن و فراگیر بودن آن را بیان می‌دارد: از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی تکیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد. از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در

^۱ Ibid p. ۴۴

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فتنه فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است.

از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرارداد. از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده اند و تصمیم راسخ گرفته اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزاد وضع زندگی بهتری بوجود آورند. از آنجا که دول عضو متعهد شده اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند. از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادی‌ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد، مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماعی این اعلامیه را دائماً مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدبیر تدریجی ملی و بین‌المللی شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها می‌باشند تأمین گردد.

در ماده ۱ که در واقع مبنای فلسفی اعلامیه حقوق بشر است بدین شرح است که تمام افراد بشر دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتارکنند، در این ماده دو فرض اصلی و مبنایی اعلامیه تعریف شده است که عبارتند از:

(۱) حق آزادی و تساوی، که یک حق مادرزادی انسان است که نمی‌توان از او جدا کرد.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

۲) چون انسان یک موجود عقلانی و اخلاقی است، از دیگر موجودات زمینی متفاوت است و بنابراین از برخی حقوق و آزادی‌ها برخوردار است که موجودات دیگر از آن بی‌بهره اند.^۱

ماده ۲ به عنوان اصل اساسی تساوی و عدم تبعیض در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها، هرگونه تمایزی را از لحاظ جنس، نژاد، زبان و مذهب ممنوع می‌کند.

حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

دسته اول عبارتند از: حقوق مدنی و سیاسی

دسته دوم شامل: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

از ماده ۳ تا ماده ۲۱ به بیان حقوق مدنی و سیاسی پرداخته است از جمله این حقوق

می‌توان به حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی، منع بردگی، منع شکنجه یا مجازات غیر عادلانه، ممنوعیت توقیف و بازداشت یا تبعید خودسرانه، برابری انسان‌ها در برابر قانون، حق محاکمه عادلانه در موضوعات کیفری و مدنی، اصل برائت و عطف بما سبق نشدن قوانین، حق آزادی عبور و مرور، حق محفوظ بودن زندگی خصوصی و حق مالکیت، حق آزادی عقیده و بیان، مذهب یا تفسیر مذهب، آزادی اجتماعات و شرکت در آن، حق داشتن تابعیت و ممنوعیت از افراد، تشکیل خانواده بر اساس تراضی زوجین و تساوی زن و شوهر، حق مشارکت هر فرد در اداره امور عمومی کشور و...

مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. ماده ۲۲ مقرر می‌دارد: هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نموآزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد.

هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید. شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد. همه حق دارند

^۱Ibid p. ۴۷

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت دارند و هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند.^۱

حق استراحت، تفریح، محدودیت ساعت کار، مرخصی‌های ادواری با حقوق در ماده ۲۴ ذکر شده است، حق برخورداری از سطح زندگی مناسب، برخورداری از حمایت در موقع بیکاری، بیوگی و ناتوانی در ماده ۲۵ مورد توجه قرار گرفته است.

هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لاقبل تاحدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند. پدران و مادران در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.^۲

ماده ۲۷ اعلامیه به حقوق فرهنگی می‌پردازد و حق شرکت آزادانه هر فرد در زندگی فرهنگی جامعه و برخورداری از علوم و فنون و نیز حمایت از منافع مادی و معنوی آثار علمی و فرهنگی و هنری هر کس را به رسمیت می‌شناسد.

اما طبق بند ۲ اعلامیه، حقوق و آزادی‌های اعلام شده در آن مطلق نیستند. بنابراین دولت‌ها اجازه می‌یابند قوانینی تصویب کنند که اجرای این حقوق را محدود کند مشروط بر این که هدف قوانین مزبور، صرفاً تأمین شناسایی و احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران و رعایت مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی باشد. محدودیت دیگری که برای اجرای این حقوق وجود دارد عدم مغایرت آنها با مقاصد و اصول سازمان ملل است.

همان‌طور که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آمده هدف از اعلامیه تهیه و اعلام یک سلسله اصول وقواعد حقوق بشری است که مورد تفاهم مشترک همه دولت‌ها می‌باشد.

^۱ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر

^۲ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

این اعلامیه یک معاهده نیست و تنها به عنوان یک قطعنامه مجمع عمومی تصویب شد و هم اکنون به عنوان یک تفسیر معتبر و آمرانه منشور سازمان ملل شناخته می‌شود. اعلامیه به نحو قابل ملاحظه‌ای به طور مشروح و به تفصیل حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که دولت‌های عضو طبق منشور توافق کردند در ارتقاء و رعایت آن اقدام کنند بیان می‌کند: اعلامیه حقوق بشر به عنوان بخشی از ساختار قانون اساسی جامعه بشری به منشور ملحق شده و سرانجام اعلامیه به عنوان یک مجموعه معتبر حقوق بشر ابزار اصلی حقوق عرفی بین‌المللی است و برای تمام دولت‌ها، نه فقط اعضای سازمان ملل، تعهد آور است.

گفتار اول: اعلامیه رفع همه اشکال عدم تساهل مبتنی بر مذهب یا عقیده

نظر به این که یکی از اساسی‌ترین اصول منشور ملل متحد، حیثیت و برابری لاینفک همه‌ی آحاد بشر است و همه‌ی دولت‌های عضو جداگانه یا به اشتراک متعهد شده‌اند با همکاری سازمان ملل متحد به منظور گسترش و تشویق رعایت موثر و جهان‌شمول حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی برای همگان، بدون تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا مذهبی عمل کنند، نظر به این که اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، بیانگر اصول عدم تبعیض و برابری در مقابل قانون و حق آزادی اندیشه و وجدان مذهب یا اعتقاد است. نظر به اینکه بی‌توجهی و نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی به ویژه حق آزادی اندیشه و وجدان مذهب یا هر نوع اعتقاد مستقیم و غیر مستقیم منشاء جنگ‌ها و رنج‌های گرانی است که به بشریت متحمل شده به خصوص در مواردی که مبدل به وسیله‌ای برای مداخله‌ی بیگانه در امور داخلی کشورهای دیگر می‌شود و به همان میزان آتش کین خواهی را در میان مردم و میان ملت‌ها شعله‌ور می‌کند. نظر به این که مذهب یا عقیده برای معتقدانش یکی از بن‌مایه‌های اصلی مفهوم زندگی است و این که آزادی مذهب یا عقیده باید به تمامی محترم شمرده شده و تضمین گردد.

نظر به اینکه آزادی مذهب یا عقیده در عین حال باید به تحقق اهداف صلح جهانی، عدالت اجتماعی و دوستی میان مردان و از میان رفتن ایدئولوژی‌ها یا اعمال استعماری و تبعیض نژادی یاری دهد. یا ابزار خرسندی از تصویب چندین معاهده تحت توجهات سازمان ملل

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

متحد و نهادهای تخصصی و به اجرا در آمدن برخی از آن‌ها به منظور حذف اشکال مختلف تبعیض.

با ابراز نگرانی از وجود تبعیض در زمینه‌ی مذهب یا عقیده که هنوز در بخش‌هایی از جهان دیده می‌شود، مصمم به اتخاذ همه‌ی تدابیر لازم برای حذف سریع تمامی اشکال و تجلیات این تبعیض و چاره‌اندیشی و مبارزه با هر نوع تبعیض بر پایه مذهب و عقیده.

اعلامیه حاضر درباره محو همه اشکال تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده را اعلام می‌کند:

ماده نخست

(۱) هر کس حق دارد از آزادی اندیشه وجدان و مذهب برخوردار باشد. این حق متضمن آزادی داشتن مذهب یا هر نوع عقیده و هم چنین آزادی ابراز عقیده به صورت فردی یا جمعی چه آشکار و چه پنهان از طریق عبادت و انجام آیین‌های مذهبی و عمل و آموزش مذهب است.

(۲) آزادی ابراز تعلقات مذهبی یا عقیدتی هیچ محدودیتی ندارد جز آن که چه از طریق قانون پیش بینی شده و برای حفظ امنیت و نظم عمومی، سلامت یا اخلاق یا آزادی‌های بنیادی دیگران ضروری است.

در ماده بعدی هیچ کس نمی‌تواند به خاطر مذهب یا عقیده اش از طرف دولت، نهاد یا هیچ فردی مورد تبعیض قرارگیرد - در اهداف اعلامیه حاضر مراد از اصطلاح مبتنی بر مذهب یا عقیده و یا باور داراری هر نوع تمایز طرد رجحان دادن یا تحدید مبتنی بر مذهب یا عقیده است که هدف یا نتیجه‌ی آن ابطال یا محدود ساختن، به رسمیت شناختن، بهره‌مند شدن یا کاربرد حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی برابر بر اساس برابری است.

تبعیض میان موجودات بشری به خاطر مذهب یا عقیده، تعرض به شأن انسانی و انکار اصول منشور ملل متحد است و باید به مثابه نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین اعلام شده و در

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

اعلامیه جهانی حقوق بشر محکوم شود و مشروحا در میثاق‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و به عنوان مانع مناسبات و صلح آمیز میان ملت‌ها قید گردد.

والدین و یا قیم قانونی کودک حق دارند زندگی در خانواده را مطابق با مذهب یا عقیده‌ی خود و با توجه به آموزش اخلاقی‌ای از نظر آنها کودک می‌یابد طبق آن تربیت شود سازمان دهند.

طبق ماده اول این اعلامیه حق آزادی اندیشه وجدان مذهب یا عقیده از جمله شامل آزادی‌های زیر می‌شود:

الف) انجام فرایض یک آیین و برگزاری جلسات مذهبی یا عقیدتی ایجاد و نگاهداری اماکنی برای این اهداف.

ب) آزادی تهیه کسب و استفاده از اشیاء از طریق مراسم و یا از راه مذهب عقیده فراهم شده است.

ج) آزادی نوشتن چاپ و پخش نشریه درباره‌ی این موضوعات

د) آزادی تأسیس و حفظ نهادهای خیریه و بشر دوستانه.

ه) آزادی آموزش مذهب یا عقیده در مکان‌های مناسب با این اهداف.

ز) آزادی تربیت انتصاب انتخاب یا تعیین رهبران مربوط به توالی و بر حسب نیازها و هنجارهای هر مذهب یا عقیده.

ح) آزادی رعایت ایام تعطیل و برگزاری جشن‌ها و مراسم بر طبق تعالیم دینی یا مذهبی.

ط) آزادی ایجاد و برقراری رابطه با افراد و جماعات در زمینه‌های مذهب یا عقیده در سطح ملی و بین‌المللی.

حقوق و آزادی‌های مطروحه در این اعلامیه در قوانین کشوری مورد تایید قرار می‌گیرد تا هر کس بتواند در عمل از حقوق و آزادی‌های یاد شده بهره‌مند شود. هیچ یک از مواد

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

اعلامیه‌ی حاضر را نباید چنان تفسیر کرد که محدود کننده یا ناقض یکی از حقوق مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و پیمان‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر باشد.

مبحث دوم: جایگاه منع تبعیض در اسناد بین‌المللی

گفتار اول: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که گاهی از آن به اختصار تحت عنوان ((میثاق حقوق مدنی و سیاسی)) و یا با علائم اختصاری (ICCPR) یا (CCPR) نیز در متون یاد می‌شود در زمره‌ی مهمترین اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است که منعکس کننده حقوق معروف به نسل اول حقوق بشر است.

فرآیند تدوین میثاق در قسمتی از برهه زمانی و سیر تحولی آن مشابه روندی است که در به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شده است. در سال ۱۹۴۸ م مجمع عمومی از کمیسیون حقوق بشر خواست تهیه پیش نویس میثاقی درباره حقوق بشر و راه کارهای اجرای آن را در اولویت کارهای خود قرار دهد. کمیسیون مزبور در اجلاس پنجم خود بررسی میثاق را با ماهیت حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار داد. اما این روند تفکیکی بین حقوق مدنی و سیاسی با حقوق اقتصادی به اجتماعی و فرهنگی منجر به اعتراض مجمع عمومی می‌شد، اما در نهایت پس از مباحث متعددی که مطرح می‌شد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز با تدوین دو سند که یکی شامل حقوق مدنی و سیاسی و دیگری مشتمل بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد موافقت نمود. در انجام میثاق قطعنامه شماره ۲۰۰۵ در مورخه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به همراه میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و جهت امضای دولت‌ها مفتوح ماند. از آنجایی که مطابق ماده ۴۹ میثاق حاضر پس از گذشت ۸ ماه از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق از سوی دولت‌ها نزد دبیر کل سازمان ملل، این سند لازم الاجرا می‌شد. در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۷۹ با تودیع سی و پنجمین سند، میثاق قابلیت اجرایی پیدا نمود.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

متن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ از یک مقدمه و ۵۳ ماده در قابل شش بخش تنظیم شده. در مقدمه این میثاق مشابه میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با به رسمیت شناختن حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و تأکید بر کرامت ذاتی. حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشری تلاش شده به نحو میثاق در سیاق منشور سازمان ملل متحد قرارگیرد. وبه نحوی مفاد آن را به عنوان قسمتی از تعریف تعهدات برخاسته از منشور تلقی نماید.

بخش اول مقررات میثاق تنها شامل یک ماده است که در آن حق تعیین سرنوشت به رسمیت شناخته شده و به موجب آن تمامی ملل حق تعیین وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را بطور آزادانه دارا می باشند.

در بخش دوم مقررات میثاق مواد دوم تا پنجم قرار گرفته اند که شامل مقررات کلی و عمومی هستند که نسبت به تمامی مقررات مندرج در میثاق حاکم است و به نوعی با آنها مرتبط باشد. در این بخش بند ۱ ماده ۲ بر تعهد دولت ها به اجرای حقوق مندرج در میثاق بدون تبعیض بر تمامی افراد مقیم در قلمرو حاکمیت دولت ها تأکید شده است و به همین نحو در بند ۲ و ۳ ماده مذکور نیز تأکید بر اتخاذ این قوانین جهت تضمین حقوق و آزادی ها به رسمیت شناخته شده است و البته به مواردی که در برخی از حقوق و آزادی ها غیر قابل تعلیق اند نیز اشاره شده است. امری که در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان شده است. ماده ۵ هم مربوط به نکاتی درباره تغییر مقررات مندرج در میثاق می شود.

بخش سوم مقررات میثاق شامل مواد ششم تا بیست و هفتم می شود که مهمترین بخش میثاق است که شامل حقوق ماهوی افراد می باشد. این حقوق ماهوی با ذکر بنیادی ترین حق انسان ها که همان حق حیات است در ماده ۶ آغاز می شود و پس در ادامه در ماده ۷ حق آزادی از شکنجه، رفتارها و مجازات های ظالمانه غیر انسانی و تحقیر آمیز، حق آزادی از بردگی بندگی و کار اجباری یا قهری در ماده ۸، حق آزادی از دستگیری یا بازداشت خودسرانه در ماده ۹، حقوق مربوط به افرادی که از آزادی محروم شده اند در ماده ۱۰، منع زندانی کردن افراد به جهت عدم اجرای تعهد قراردادی در ماده ۱۱، حق عبور و مرور آزادی و

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

انتخاب آزادانه محل زندگی در ماده ۱۲، منع اجبار در اخراج بیگانه در ماده ۱۳، حق محاکمه عادلانه در ماده ۱۴، منع عطف بماسبق شدن قوانین در ماده ۱۵، حق به رسمیت شناختن حقوق افراد در ماده ۱۶، حق خلوت یا حریم خصوصی در ماده ۱۷، حق آزادی فکر وجدان، مذهب و عقیده در ماده ۱۸، حق آزادی بیان در ماده ۱۹، ممنوعیت تبلیغ و دعوت برای جنگ، حق تشکیل مجامع صلح جویانه، حق آزادی در اجتماع، حق تشکیل خانواده، حقوق مربوط به کودکان، حق مشارکت در اداره امور عمومی، حق برابری در مقابل قانون و بهره‌مندی از حمایت‌های آن و در نهایت در ماده ۲۷ به حقوق اقلیت‌های قومی، نژادی، مذهبی و زبانی در بهره‌مندی از فرهنگ خود و عمل مطابق با آن می‌باشد.

بخش چهارم مربوط به مقررات میثاق که از ماده ۲۸ تا ۴۵ را شامل می‌شود و پس از مقررات بخش سوم گسترده‌ترین بخش میثاق محسوب می‌شود. عمدتاً مقرراتی را درباره کمیته حقوق بشر و چگونگی تشکیل و انجام وظایف، نحوه پذیرش صلاحیت آن توسط دولت‌ها را مطرح می‌نماید که به عنوان نهاد نظارتی اجرای مقررات در میثاق مذکور پیش‌بینی شده است.

بخش پنجم میثاق شامل دو ماده ۴۶ و ۴۷ است که باز هم در آن دو مقررات کلی درباره تفسیر مقررات میثاق را بیان نموده است، تفسیر مقررات میثاق نباید لطمه‌ای به منشور ملل متحد وارد نماید و به حق ملل در تمتع و استفاده کامل و آزادانه از منابع طبیعی آنها لطمه وارد آورد.

در بخش‌نهایی مقررات میثاق که به بخش ششم مربوط می‌شود شیوه تصویب لازم‌الاجرا شدن، اصلاح مقررات میثاق متون معتبر در میثاق و... اشاره شد که این بخش شامل مواد ۴۸ تا ۵۳ می‌باشد.

میثاق تلاش نموده تا به نوعی تمامی حقوق و آزادی‌های اساسی بشر را به رسمیت شناسد و با توجه به ماهیت الزام‌آور این سند و قلمرو اجرایی آن که در سطح بین‌المللی می‌باشد گامی مهم در راستای ترویج و حمایت از حقوق بشر مدرن محسوب می‌شود که جای هیچ

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

گونه تردیدی وجود ندارد. اما با وجود این دو حق مهم که عبارت از حق مالکیت و حق پناهندگی هستند و در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در مواد ۱۷ و ۱۴ به رسمیت شناخته شده بودند در میثاق حاضر جایگاهی ندارد و مسکوت مانده است.

گفتار دوم: میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که گامی از آن به عنوان سند منعکس کننده حقوق نسل دوم یاد می‌شود با علایم اختصاری (ICESCR) بیان می‌گردد از جمله مهمترین اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر است که ابعاد گوناگون آن به شرح زیر است.

در سال ۱۹۴۸ م مجمع عمومی از کمیسیون خواست تهیه پیش نویس میثاقی درباره حقوق بشر و اقدامات اجرائی آن را در اولویت قرار دهد کمیسیون در اجلاس پنجم خود بررسی میثاق را با ماهیت حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار داد اما در اجلاس ششم در سال ۱۹۵۰ م کمیسیون به این نتیجه رسید که به جهت نیاز به وقت زیاد برای بحث از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و لزوم مشورت با کارگزارهای تخصصی مربوطه به میثاق اجرائی برای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در اجلاس بعدی خود در سال ۱۹۵۱ م آغاز کند.^۱

مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه ای که ابتدا در پنجمین اجلاس خود در سال ۱۹۵۰ تصویب نمود براین نکته تأکید نمود که آزادی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و بهرهمندی از این حقوق و آزادی هابه هم مرتبط و وابسته اند به رغم چنین توصیه ای کمیسیون بازهم حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منزله دسته متمایزی از حق ها تلقی می نمود و اقدام به تدوین موادی جداگانه برای آن می نمود شورای اقتصادی واجتماعی که احتمال ناکارآمدی، قرار داشتن میثاق در میثاق

^۱ Matthew Craven, *The International Covenant on Economic-Social Culture*, Clarendon Press, Oxford, New York, ۲nd ed, ۱۹۹۸, p۱۱۴.

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

دیگر (به معنای داشتن دو نظام اجرایی مجزا) را می‌داد از مجمع عمومی درخواست کرد در تصمیم‌گیری خود تجدیدنظر نماید و اجازه دهد میثاق پیش نویس به دو سند مجزا تقسیم شود پس از طی روندی مجمع عمومی بر خلاف تقسیم قبلی خود از کمیسیون خواست دو میثاق در خصوص حقوق بشر تدوین نماید پس از آن در اجلاس‌های متعدد و طولانی روند تدوین پیش نویس میثاق پی‌گیری شد تا این که بخش اساسی میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی عملاً در سال ۱۹۶۲ م تکمیل شد. این عمل در حالی رخ داده بود که مجمع عمومی در نهمین اجلاس خود نتیجه فعالیت‌های کمیسیون حقوق بشر را که کمیته سوم جهت بررسی ماده به ماده احاله کرده بود در نهایت پس از طی این روند طولانی میثاق مذکور به همراه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و پروتکل اختیاری آن در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ م تصویب و جهت امضای دولت‌ها مفتوح ماند. میثاق مذکور به دنبال تودیع سی و پنجمین سند آن در سوم ژانویه ۱۹۷۶ م لازم‌الاجرا شد.^۱

متن میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از یک مقدمه و سی و یک ماده که در قالب پنج بخش تفکیک شده بود تشکیل شده است.

بخش اول میثاق: تنها از یک ماده تشکیل شده که بر حق همه ملت‌ها به تعیین سرنوشت خود تأکید شده به موجب آن ملت‌ها می‌توانند وضعیت سیاسی خود را به طور آزادانه تعیین نمایند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین نمایند.

بخش دوم میثاق: شامل مواد دوم تا پنجم می‌شود که مقرراتی را تدوین نموده که به صورت کلی بوده و نسبت به تمامی مقررات ماهوی بخش سوم اعمال می‌شود، مقررات این بخش عمدتاً شامل تعهدات کلی دولت‌ها اصل عدم تبعیض، تساوی حقوق زن و مرد و محدودیت‌های کلی می‌شود.

^۱ شریفیان، جمشید، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، ج اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰. چ اول، ص ۱۱۸

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

بخش سوم میثاق: که از مواد ۶ تا ۱۵ را شامل می‌شود می‌توان قلب میثاق دانست که در آن حق‌های ماهوی مورد حمایت در میثاق بیان شده است. در ماده ۶ حق بر کار در ماده ۷ حق بر شرایط منصفانه استخدام در ماده ۸ حق پیوستن و تشکیل اتحادیه‌های صنفی در ماده ۹ حق تأمین اجتماعی در ماده ۱۰ حق حمایت از خانواده در ماده ۱۱ حق بهره‌مندی از استاندارد کافی زندگی در ماده ۱۲ حق سلامتی در ماده ۱۳ و ۱۴ حق آموزش و پرورش و در ماده ۱۵ حق فرهنگ مورد حمایت قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده‌اند.

بخش چهارم میثاق: مربوط به تبیین عناصر اصلی نظام نظارتی بر آن می‌باشد این بخش مقرراتی را تدوین نموده که به موجب آن دولت‌ها عضو ملزم به ارائه گزارش‌های ادواری به سازمان ملل متحد در خصوص اقدامات انجام شده توسط آن‌ها و توسعه‌های صورت گرفته در جهت دستیابی و رعایت حقوق مندرج در این میثاق نموده است

بخش پنجم میثاق: حاوی نکات مهمی درباره شیوه تصویب و لازم‌الاجرا شدن میثاق است بدین ترتیب که ماده ۲۵ میثاق را جهت امضای هر دولت عضو سازمان ملل متحد اعضای کارگزاری‌های تخصصی و یا دولت عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مفتوح می‌داند. هم‌چنین دولت‌هایی که مجمع عمومی از آنان دعوت نموده و نیز می‌تواند عضو میثاق شوند ماده ۲۷ میثاق را پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب با الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل لازم‌الاجرا می‌داند. ماده ۲۸ هم ناظر به اعمال و اجرای مقررات میثاق نسبت به تمامی اجرای دولت‌های فدرال بدون محدودیت است، ماده ۲۹ هم ناظر به روند اصلاح مقررات میثاق بوده و ماده ۳۱ هم در مورد زبان‌های معتبر میثاق است. (چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی)

حمایتی که میثاق مزبور از حقوق اقتصادی به عمل آورده گسترده و کلی است اما گنجانیدن حق بر تعیین سرنوشت در متنی معاهده‌ای حقوق بشری که در درجه نخست به وضعیت افراد می‌پردازد تا حدودی مورد سوال است و دارای ابهاماتی می‌باشد علاوه بر این حق مالکیت که بی‌تردید در زمره حقوق اقتصادی محسوب می‌شود جایگاهی در میثاق ندارد و در میان فهرست حقوق وجود ندارد علاوه بر این در این میثاق گروه‌های خاصی را که

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

نیازمند حمایت خاص هستند مشخص نمی‌کند و تنها به وضعیت زنان و کودکان اشاره می‌کند که امری ایده آل نیست و ضروری بود که از وضعیت کارگران مهاجر، سالمندان و معلولان ذهنی یا جسمی و اتباع بیگانه نیز حمایت‌های خاصی را به عمل آورد. البته بی‌تردید حمایت‌های میثاق معطوف به این افراد می‌شود و لی بحث آن است که تأکید بر بهره‌مندی از حمایت‌های خاص نسبت به آنان امری مطلوب به شمار می‌آید.

نکته قابل توجه در مورد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این است که دولت‌های عضو الزام ندارند بلافاصله پس از تصویب میثاق و لازم‌الاجرا شدن آن تعهدات مندرج در میثاق را انجام دهند و به مرحله اجرا در آورند بلکه باید بتدریج و با توجه به امکانات و احیاناً کمک گرفتن از مراجع بین‌المللی در راه اجرای میثاق و تعهدات موضوع آن گام بردارند.^۱

مبحث سوم: کنوانسیون‌ها

گفتار اول: کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان

نقض فاحش و گسترده حقوق انسان‌ها، بویژه زنان و کودکان، طی جنگ جهانی دوم، برخی دولت‌ها را بر آن داشت تا در کنفرانس سانفرانسیسکو خواستار درج قواعدی دقیق و لازم‌الاجرا در متن منشور ملل متحد راجع به حقوق بشر شوند. اما بسیاری دولت‌ها رفتار با اتباع خود را موضوعی منحصر داخلی و در صلاحیت خودشان می‌دانستند از این رو در این خصوص توافق حاصل نشد.

در نهایت مقرراتی کلی و عمدتاً مبهم در منشور ملل متحد درباره این مسئله درج گردد. که به طور کلی دولت‌ها را به ارتقای احترام و رعایت حقوق بشر فرا می‌خواند و به سازمان ملل متحد نیز مأموریت تلاش در این جهت را می‌داد.

^۱ مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، پیشین، ص ۵۵

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

شاید روشن‌ترین تعهدی که در این باب در منشور آمده است همان ممنوعیت تبعیض باشد. در بند سوم از ماده یک ارتقاء و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، مذهب، درزمره اهداف ملل متحد ذکر شده است.^۱

ماده ۵۵ نیز ارتقای احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را بدون تبعیض و تمایز نژادی، جنس، زبانی و مذهبی در زمره ی مأموریت‌های ملل متحد بر شمرده است و بالاخره در ماده ۵۶ دولت‌ها متعهد شده‌اند تا با سازمان ملل متحد در دست‌یابی به اهداف یاد شده در ماده ۵۵ همکاری کنند.

نخستین اقدام ملل متحد در خصوص تبعیض و تلاش برای رفع آن مربوط به سال ۱۹۴۶ است. در این سال شورای اقتصادی و اجتماعی اقدام به تأسیس کمیسیون مقام زن کرد. این کمیسیون مأموریت یافت تا فعالیت‌های مربوط به زنان را برنامه‌ریزی کند. اولین سندی که در زمینه تحکیم برابری به وجود آمد کنوانسیون حقوق سیاسی زنان (۱۹۲۵) بود. دیگری قطعنامه شورای اقتصادی، اجتماعی در مورد پرداخت دستمزد یکسان بود.

در فاصله زمانی ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ تحول چشمگیری در زمینه مبارزه با تبعیض علیه زنان و تأکید بر برابری زن و مرد نمایان شد. این دهه، دهه سازمان ملل متحد برای زنان نام گرفت. سه کنفرانس هر یک به فاصله ۵ سال از دیگری تشکیل شد. نخستین کنفرانس در سال ۱۹۷۵ در مکزیکوسیتی بود که از ملل متحد خواست تا کشورها را متعهد به پذیرش یک کنوانسیون بین‌المللی در زمینه رفع تبعیض علیه زنان کند.

بالاخره در سال ۱۹۷۹ کنوانسیون امحای همه اشکال تبعیض علیه زنان تدوین و منعقد شد و از سال ۱۹۸۱ قدرت اجرایی پیدا کرد و در کنفرانس‌های بعدی لزوم اجرای این کنوانسیون و پایبندی دولت‌ها به مقررات آن مورد تأکید قرار گرفت. به ویژه در کنفرانس

^۱ فضائی، مصطفی، ((کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و شروط کلی وارد بر آن))، مجله حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۳۴، ص ۵۸

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

سوم سندی تحت عنوان استراتژی‌های آینده نگر برای پیشرفت زنان تا سال ۲۰۰۰ صادر شد که موانع اجرای کنوانسیون را بررسی و راهکارهای رفع آن را ارائه نمود^۱.

در مجموع مهمترین سندی که در زمینه برابری حقوق زن و مرد و رفع تبعیض علیه زنان به وجود آمده و الزام آور است همان کنوانسیون ۱۹۷۹ است این کنوانسیون ضمن این که در مقدمه بر برابری زن و مرد و تعهد دولت‌ها به تبعیض آن و برنامه‌های سازمانهای بین‌المللی برای پیشبرد تساوی حقوق زن و مرد و شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و دستیابی به مساوات کامل میان زن و مردان تأکید می‌کند. مقررات خود را در ۳۰ ماده تنظیم و تعهدات خاص دولتها را در این زمینه مقرر می‌کند.

با تأمل در مقدمه کنوانسیون رفع تبعیض می‌توان به اهداف و مقاصد آن پی برد. در مقدمه بر اعتقاد و تأکید بر اصل برابر حقوق زن و مرد در سایر اسناد بین‌المللی یادآوری می‌شود آنگاه پس از اشاره به این واقعیت که به رغم وجود همه‌ی اسناد، تبعیض علیه زنان هم چنان ادامه دارد. در اغلب بندها علت وجود کنوانسیون حاضر را با عبارت ذیل تبیین می‌کند ((... برای ارتقاء برابری میان زنان و مردان)) ((برای برخورداری کامل حقوق مردان و زنان)) ((برای دستیابی به برابری کامل میان مردان و زنان)) حد اکثر مشارکت زنان در شرایطی برابر با مردان در همه زمینه‌ها)) ((برای نیل به برابری کامل میان مردان و زنان)) با توجه به این عبارت و صراحت کاملی که در کنوانسیون دیده می‌شود هدف کنوانسیون رفع تبعیض و ایجاد برابری میان زن و مرد است. مقصود از ((محای کلیه اشکال تبعیض زنان که در عنوان کنوانسیون آمده است صرفاً رفع تمایزات و نابرابری‌های ناروا نیست. یعنی محدود به مفهومی نیست که از تبعیض استنباط می‌شود (رفتار نابرابر با افرادی که در شرایط برابر هستند و یا رفتار یکسان با افرادی که در شرایط و وضعیت متفاوت قرار دارند. بلکه کنوانسیون بر تساوی و برابری کامل رفتار با زنان و مردان در همه شئون تأکید دارد به گونه‌ای که گویا وجود هر گونه تفاوت و تمایز طبیعی و زیست‌شناختی را بین زن و مرد قائل

^۱ همان، ص ۵۹

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

نیست و یا اساساً چنین تفاوت‌ها و تمایزاتی را موثر در حقوق و مسئولیت‌ها و نقش اجتماعی آنان نمی‌داند.

تبعیض که از ماده ۱ کنوانسیون از تبعیض زنان ارائه شده به خوبی گویای همین معناست طبق این تعریف عبارت ((تبعیض علیه زنان به معنای هرگونه تمایز استثناء با محدودیتی است که بر اساس جنس ایجاد شده وهدف یا اثر آن مخدوش کردن یا القای شناسایی تمتع یا استیفای حقوق و آزادی‌های بشر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدنی یا هر زمینه دیگر از سوی زنان بر پایه برابر با مردان و قطع نظر از وضعیت زناشویی آنان است.

طبق ماده ۲ کنوانسیون دولت‌های عضو (تبعیض علیه زنان را در کلیه اشکال آن محروم می‌کنند و موافقت می‌نمایند بی‌درنگ سیاست محو تبعیض علیه زنان را با استفاده از همه ابزارهای مناسب دنبال کنند و به این منظور متعهد می‌شوند کلیه اقدامات قانونگذاری و دیگر اقدامات لازم را انجام دهند از جمله درج اصل برابری زن و مرد در قانون اساسی و سایر قوانین ممنوع کردن همه اشکال علیه زنان وضع مجازات‌ها در موارد لازم برای نقض برابری، اصلاح یا الغای قوانین و مقررات، عرفها و رویه‌های متضمن تبعیض علیه زنان الغای مقررات کیفری ملی حاوی تبعیض علیه زنان و تأمین همه وسایل و ابزار حقوقی و قضایی لازم برای حمایت از زنان در برابر هر عمل تبعیض آمیز.

ماده ۳ کنوانسیون نیز که در نظر کمیته رفع تبعیض با موضوع و هدف کنوانسیون تشخیص داده شده، حاوی تعهد مشابهی است، منتها با این تفاوت که بیشتر ناظر به اقدامات ایجابی در جهت توسعه و پیشرفت زنان است ((دول عضو باید در تمام زمینه‌ها، بویژه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیه اقدامات مناسب از جمله وضع قوانین را برای تضمین توسعه و پیشرفت کامل زنان با هدف ضمانت بهره‌مندی آنان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر مبنای مساوات با مردان به عمل آورند.))

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

طبق ماده ۷ دولت‌های عضو کنوانسیون موظف هستند اقدامات مقتضی برای رفع تبعیض علیه زنان را در زندگی سیاسی و عمومی کشور، اتخاذ نموده و مخصوصاً اطمینان دهند که در شرایط مساوی با مردان حقوقی مانند: حق رأی دادن در انتخابات - حق شرکت در تعیین سیاست دولت و حق شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌ها را برای آنان تأمین کنند.

دولت‌های عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در زمینه کسب - تغییر و یا حفظ تابعیت می‌دهند. مخصوصاً دولت‌ها باید اطمینان دهند و تضمین کنند که نه ازدواج زن با یک مرد خارجی و نه تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج، خود به خود موجب تغییر تابعیت زن، بی‌تابعیت شدن او یا تحمیل تابعیت شوهر بر او نمی‌شود. دولتهای متعاقد در رابطه با تابعیت کودکان به زن حق مساوی با مرد اعطا می‌کنند.

هم چنین دولت‌های عضو تمام اقدامات لازم برای رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و تضمین حقوق مساوی آنان با مردان در زمینه آموزش اتخاذ می‌نماید.

مسئله برابری حقوق زن و مرد در امور مربوط به اشتغال همواره مورد بحث و توجه بوده و در اسناد مختلفی از جمله مقررات سازمان بین‌المللی کار به این امر عنایت شده است.

ماده ۱۱ کنوانسیون به این مسئله پرداخته است. دولت‌های عضو باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال انجام دهند و اطمینان دهند که بر مبنای تساوی مردان و زنان حقوق یکسان مخصوصاً در موارد زیر را شامل شود:

الف) حق کار به عنوان یک حق لاینفک حقوق انسانی

ب) حق امکانات شغلی مساوی

ج) حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل و ارتقاء مقام و برخورداری از امنیت شغلی

د) حق دریافت مزد مساوی

ه) حق برخورداری از تأمین اجتماعی

و) حق برخورداری از مراقبت بهداشتی و امنیت شرایط کار و ایمنی در دوران بارداری

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

به منظور جلوگیری از تبعیض علیه زنان به دلیل ازدواج یا بارداری و تضمین حق مسلم آنان برای کار دولت‌های عضو اقدامات مناسب ذیل را معمول خواهند داشت.

الف) ممنوعیت اخراج به خاطر حاملگی و زایمان

ب) دادن مرخصی دوران زایمان

ج) تشویق و حمایت لازم برای ارائه خدمات اجتماعی

طبق ماده ۱۳ دولت‌های عضو باید اقدامات مقتضی برای محو تبعیض علیه زنان را در دیگر زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی بعمل آورند و بر مبنای تساوی زن و مرد حقوق یکسان را برای آنها در موارد زیر تأمین نماید:

الف) حق استفاده از مزایای خانوادگی

ب) حق استفاده از وام‌های بانکی رهن و دیگر اعتبارات بانکی

ج) حق شرکت در فعالیت‌های تفریحی - ورزشی و کلیه جنبه‌های زندگی فرهنگی.

ماده ۱۵ مقرر می‌دارد دولت‌های عضو تساوی مردان و زنان را در برابر قانون می‌پذیرد. و همان اهلیت قانونی که مردان دارند را به زنان می‌دهند. و امکانات مساوی برای اجرای این اهلیت‌ها را به آنها می‌دهد.

دولت‌های عضو قبول می‌کنند که هر گونه قرارداد یا اسناد خصوصی دیگر از هر نوع که به منظور محدود کردن صلاحیت قانونی زنان تنظیم شده باشد باطل و بی اثر تلقی می‌شود.

دولت‌های عضو کنوانسیون باید اقدامات لازم برای رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به عمل آورند و مخصوصاً بر پایه تساوی حقوق مرد و زن امور زیر را تضمین کنند.

الف) حق یکسان برای ازدواج

ب) حق یکسان برای انتخاب آزادانه همسر و ازدواج بر اساس رضایت آزاد و کامل طرفین

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

ج) حقوق و مسئولیت های یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن...

دولت ها متعهد می شوند کلیه اقدامات لازم را در سطح ملی به منظور دستیابی به تحقق کامل حقوق شناخته شده در کنوانسیون حاضر معمول دارند. برای احتیاط در ماده ۲۳ نیز پیش بینی نموده که اگر دولتی قوانین پیشرفته تری نسبت به این کنوانسیون در جهت برقراری تساوی بین زن و مرد داشت با یک کنوانسیون معاهده یا موافقتنامه بین المللی دیگری از این جهت گامهای بلندتری برداشته و مقررات پیشرفته تری داشت باید همان مقررات را اجرا کرد و پذیرش این کنوانسیون نباید مانع و بهانه ای برای عدم اجرای آن مقررات شود.

گفتار دوم: کنوانسیون حقوق کودک

با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره مندی تک تک افراد بشری از حقوق مندرج در آن بدور از وابستگی های نژادی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هر گونه تبعیض دیگری و با توجه به این که سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژه کودکان و حمایت آنها تأکید کرده است و با آگاهی به این که خانواده واحد ساختاری جامعه و مکان رشد و پرورش تمام اعضای آن و به ویژه شکل دهنده شخصیت کودکان است. و این که کودکان برای شکوفایی خود نیازمند داشتن خانواده ای هستند سرشار از محبت، عشق، تفاهم و احترام و با این یادآوری که باید کودک را برای فردای جامعه آماده و او را مطابق ایده آل های اعلام شده از طرف سازمان ملل یعنی آزادیخواه با شخصیت صلح جویانه رویه‌ای دارای تفاهم و همبستگی تربیت نمود و با توجه به ضرورت حمایت ویژه کودکان مطابق مصوبات بین المللی مختلف و از آن جمله: قرارداد ژنو در سال ۱۹۲۴ میلادی درباره ی حقوق کودکان، قرارداد رعایت حقوق کودکان از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر ۱۹۵۹ میلادی، اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، پیمان بین المللی درباره ی حقوق سیاسی و شهروندی (در ماده ۲۳ و ۲۴) پیمان جهانی برای حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (در ماده ۴۰) اسناد و اساسنامه های دیگر تشکل های بین المللی که به نفع کودکان فعالیت می کنند و به دنبال آنچه در اسناد حقوق

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

کودک ذکر شده است، مبنی بر این که کودک به خاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد می باشد. و بر اساس مصوبات و قرارداد های مربوط به حمایت کودکان و بخشنامه های سازمان ملل درباره ی تعیین حداقل سن و شرایط مجازات قانونی برای نوجوانان و حمایت از زنان و کودکان در زمان جنگ و درگیری های مسلحانه، و هم چنین بر پایه این واقعیت که در بسیاری از کشورهای دنیا، کودکان در موقعیت بد و ناپسامانی زندگی می کنند و نیاز به توجه فوری و ویژه دارند. در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون نسبتا جامع در خصوص حقوق کودک از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد گذشت و به امضای دولت ها رسید و در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ یعنی یکماه پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل، کنوانسیون قدرت اجرایی پیدا نمود^۱.

کنوانسیون حقوق کودک با تأکید بر حمایت از حقوق کودکان در مقابل انواع خطرهایی که آنان را تهدید می کند مانند فروش کودکان، بهره برداری و سوء استفاده های جنسی و استفاده از مواد مخدر و هم چنین استثمار اقتصادی توجه خاصی نسبت به این قشر آسیب پذیر جامعه بشری مبذول داشته است. کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده است که در ۳ بخش تنظیم گردیده است. بخش اول به تعریف کودک و انواع حقوق و تعهدات دولت های عضو برای رعایت این حقوق پرداخته مواد ۱ تا ۴۱. بخش دوم به مکانیزیم های اجرایی و نظارتی کنوانسیون و از جمله چگونگی تشکیل کمیته حقوق کودک و نحوه ی عملکرد آن پرداخته (مواد ۴۱ تا ۴۵). در بخش سوم هم نحوه ی امضاء تصویب و یا الحاق به کنوانسیون و اعلام حق شرط و خروج از کنوانسیون بیان گردیده.

ماده یک کنوانسیون می گوید ((از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.))

^۱ میر عباسی، پیشین، ص ۲۱۶

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

براساس ماده ۲ کشورهای طرف کنوانسیون حقوقی را که در این کنوانسیون در نظر گرفته شده است رابرای تمام کودکانی که در قلمروشان زندگی می‌کنند بدون هیچ گونه تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، مذهب، زبان، عقاید سیاسی، ملیت جایگاه قوی و اجتماعی، مالی، عدم توانایی، تولد و یا سایر احوال شخصیه والدین یا قیم قانونی محترم شمرده و اقدامات لازم را جهت تضمین حمایت از کودکان در برابر اعمال تبعیض یا تنبیه بر مبنای موقعیت اتخاذ خواهند کرد.

مواد ۳ تا ۵ کنوانسیون نیز به طرق مختلف تعهدات دولت‌ها و اقدامات شایسته و لازمی را که باید در جهت اولویت بخشیدن به منابع کودکان و اجرای حقوق مندرج در این کنوانسیون به عمل آورند، بیان می‌نماید.

مواد ۶ و ۷ به حق حیات، حق داشتن نام، تابعیت، امنیت و رفاه کودکان اشاره دارد و در مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۸، ۴۹ تعهدات دولت‌ها در زمینه ی جلوگیری از سوء استفاده های جنسی و استثمار کودکان، تعیین قیم برای آنان، مراقبت های بهداشتی، تغذیه و آموزش ابتدایی مجانی و اجباری بیان می‌شود.

از ماده ۳۱ تا ۴۰ کنوانسیون ضمن اعلام حقوق کودکان، تعهدات دولت‌ها را درباره ی جلوگیری از کار اجباری آن‌ها تعیین ساعات کار، عدم شرکت آنها در مداخلات مسلحانه و استخدام نیروهای مسلح و اصل برائت و دادرسی محرمانه را اعلام کرده و می‌گوید که مجازات اعدام و حبس ابد کودکان ممنوع است و کودکان حق آزادی ابراز عقیده و دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، حق آزادی تشکیل و شرکت در مجامع مسالمت آمیز، ممنوعیت دخالت در امور خصوصی کودک و مکاتبات را به مانند سایر افراد دارا می‌باشند و این حق، فقط طبق قانون در مواردی چون حفظ آبروی دیگران یا حفاظت از امنیت نظم عمومی و مسائل اخلاقی محدود می‌شود و دولت‌ها باید این حقوق را به اطلاع کودکان و بزرگسالان برسانند.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

گفتار سوم: کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی

علاوه بر منشور ملل متحد که در آن بر منبع تبعیض نژادی اشاره شد، پس از تأسیس سازمان ملل متحد و بر اساس منشور در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌ها پذیرفته‌اند که همه اعضای خانواده بشری حقوق مساوی و غیر قابل سلب دارند و متعهد شدند که این حقوق را تأمین و از آنها دفاع کنند.

در عین حال تبعیض نژادی مانعی برای تحقق کامل حقوق بشر بود علیرغم این که در برخی زمینه‌ها پیشرفت‌هایی حاصل شده بود. تفاوت‌ها، محدودیت‌ها، محرومیت‌ها و امتیازات مبتنی بر نژاد، رنگ، اصل و نسب ملیت و قومیت همچنان موجب نزاع و مسبب رنج و صدمه فوق‌العاده به زندگی بشری می‌شد.

کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۵۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شمارمعاهدات اصلی بین‌المللی حقوق بشر بوده است.

اعلامیه به چهار نکته مهم اشاره داشت:

۱- هر گونه دکتترین و نظریه مبتنی بر اختلاف نژادی یا برتری نژادی از نظر علمی غلط، از لحاظ اخلاقی محکوم و از لحاظ اجتماعی غیر عادلانه و خطرناک است و هیچ گونه توجیه علمی و عملی ندارد.

۲- تبعیض نژادی، حقوق اساسی بشر را نقض می‌کند روابط دوستانه بین افراد همکاری ملت‌ها و صلح جهانی را به خطر می‌اندازد.

۳- تبعیض نژادی نه تنها به کسانی که مورد تبعیض قرار می‌گیرد صدمه می‌زند، بلکه برای مرتکبین نیز زیان‌آور و خطرناک است.

۴- هدف اساسی (مبنایی) سازمان ملل متحد، داشتن یک جامعه جهانی است که از جدایی و تبعیض نژادی که عوامل دشمنی و تفرقه هستند آزاد باشد.

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

در سال ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل موفق شد یک سند تعهد آور در زمینه ی رفع تبعیض نژادی تصویب کند که دولت های عضو آن متعهد شوند اقداماتی را جهت رفع هرگونه تبعیض نژادی به عمل آورند. کنوانسیون محو هر گونه تبعیض نژادی به عنوان جامع ترین و واقع ترین معاهده برای بیان اندیشه تساوی توصیف شده است.^۱

کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه نسبتاً طولانی و ۲۵ ماده است. در ماده اول تبعیض نژادی تعریف شده است بند یک ماده مزبور مقرر می دارد اصطلاح تبعیض نژادی از نظر این کنوانسیون به معنای هر گونه تبعیض محرومیت، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و نسب یا ریشه ملی یا قومی است که در شناسایی برخورداری یا اجرای مساوی حقوق بشر و آزادی های اساسی در زمینه های سیاسی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه های مربوط به زندگی عمومی لطمه وارد می سازد.

در بندهای ۲ و ۳ و ۴ از ماده یک به این معنی اشاره شده که مقررات مختلف و متفاوتی که دولت ها در مورد اتباع خود و بیگانگان وضع و اجرا می کنند یا قواعدی که مربوط به تابعیت دارند مشمول تعریف تبعیض نژادی فوق الذکر نمی گردد. هم چنین اگر با هدف تسریع در وصول به تساوی و رفع تبعیض حمایت های خاصی از گروهی به عمل آید، این امر تبعیض محسوب نمی شود مشروط بر اینکه پس از رسیدن به هدف، با همه یکنواخت رفتار شود و حقوق ویژه ای برای افراد یا گروههای خاصی به وجود نیاید.

به موجب این کنوانسیون دولت های عضو متعهد می شوند تفکیک نژادی و اعمال روش های آپارتاید را تقبیح و محکوم می کنند و متعهد می شوند که در کلیه اراضی که در قلمرو صلاحیت قضائی آنهاست انجام این قبیل اعمال و روش ها را قدغن و ممنوع ساخته و آن را ریشه کن سازند.

دولت عاقد کنوانسیون موظف اند یک فهرست طولانی از حقوق اساسی، مدنی، سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که دولتهای عضو متعهدند آنها به طور مساوی برای همه اجرا

^۱ مهرپور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، پیشین، ص ۸۵

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

نمایند، ذکر کرده است مانند رفتار مساوی در برابر دادگاه و سایر ادارات حق امنیت شخصی، حق شرکت در انتخابات و رأی دادن و کاندیدا شدن، آزادی رفت و آمد، حق تابعیت و... که در اعلامیه حقوق بشر و میثاقین ذکر شده است.

فصل دوم: اسناد منطقه ای

در راستای فصل هشتم منشور سازمان ملل متحد در مناطق مختلف جغرافیایی نظام‌های حمایت از حقوق بشر، فعالیت‌هایی را آغاز کرده‌اند و در جهت تحقق منشور گام‌های موثری برداشته‌اند که برجهت ایده فراسرزمینی بودن حقوق بشر صحنه می‌گذارد در این نظام‌ها یک سری از قواعد را به عنوان حقوق بنیادین و غیر قابل انحراف در نظر گرفته‌که به تنظیم اسنادی در زمینه‌ی حقوق بشر انجامیده است باید یاد آور شد که این دسته از حقوق در کنوانسیون‌های مختلف منطقه‌ای یکسان نیستند و فقط دارای شباهت‌هایی می‌باشند از این رو حقوق بشر از یک استاندارد حداقلی در سطح منطقه‌ای و در سطح بین‌المللی برخوردار شده است که همیشه برای افراد و گروه‌ها و دولت‌ها در همه جا و هرمکانی قابل اعمال است. در حقیقت هر زمانی که همگرایی سیاسی و اشتراک تاریخی و فرهنگی و مذهبی بیشتر بوده مبانی و نظام حقوق بشر بر اساس اشتراکات و محورهای همسو عمیق‌تر و گسترده‌تر نهادینه شده و شکل گرفته است نمونه این پدیده‌ها را می‌توان در ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر مشاهده کرد. که فقط در محدوده اروپا، آمریکا و آفریقا شکل گرفته است. گرچه کشورهای آسیایی کمترین تحرک جمعی را در زمینه ترتیبات منطقه‌ای داشته‌اند. به طور کلی تنوع فرهنگی مذهبی و تنش در جهت‌گیری سیاسی و گستردگی این قاره مانع از تشکیل سند منطقه‌ای در حوزه حقوق بشر این منطقه گردیده است. البته کشورهای عربی به ارائه یک سند حقوق بشر (منشور حقوق بشر عرب) اقدام نموده که فعال نیست و ازسوی دولت‌های عرب مورد استقبال قرارنگرفته است.

مبحث اول: معاهدات اروپایی حقوق بشر

شکل‌گیری نظام حقوق بشر منطقه‌ای اروپا در تاریخ معاصر بی‌نظیر است. عواملی چون ایجاد هنجارها و معیارهای حقوق بشری و هم‌چنین نظام اجرایی و نظارت برای تحقق حقوق

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

بشر موجب استحکام و تثبیت این نظام شده است لذا شاهد همگرایی سیاسی اشتراکات تاریخی و فرهنگی در عین تنوع ملت‌ها و کشورهای منطقه می‌باشیم.

در قاره ی اروپا، نظام منطقه ای حقوق بشر به دو نحو صورت گرفته است. یکی توسط ((شورای اروپا)) و دیگری توسط ((جامعه اقتصادی اروپا)) بود. شورای اروپا متشکل از کشورهایی است که در اصول بنیادین مبتنی بر تمدن اروپایی تفاهم و درک مشترک داشتند و هدف از تشکیل آن مقابله با تهدیدات کمونیستی بعد از جنگ جهانی دوم با عنوان وابستگی به بینش لیبرال در مورد آزادی‌ها بود. در اساسنامه شورا هدف اصلی ((پاسداری و ارتقای آرمان‌ها و اصول مشترک دولت‌های عضو و تسهیل توسعه اقتصادی و اجتماعی... آنها)) ذکر شده که از طریق پاسداری و ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین قابل تأمین خواهد شد. بنابراین تاکنون بیش از صد کنوانسیون تحت حمایت شورای اروپا تهیه و تدارک یافته است اما دو پیامد مهم تحولات یعنی ((کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و قرارداد‌ها... یکی نقش موثری در این زمینه ایفا کرده اند. کنوانسیون مزبور در ۴ نوامبر سال ۱۹۵۰ در رم که با هدف اعمال و اجرای جمعی حقوق بشر مندرج در اعلامیه ی حقوق بشر تنظیم گردیده است. این کنوانسیون علاوه بر این که بیان‌کننده آزادی‌های اساسی است دارای یک ضمانت اجرای قوی و حمایت عملی از حقوق بشر نیز می‌باشد.

پیمان نامه هلسینکی که ناشی از کنفرانس هلسینکی (۱۹۷۲-۱۹۷۵) است نیز بندهای راجع به حقوق بشر را در قالب یک معاهده سیاسی امنیتی مطرح کرد که در این معاهده اصل رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در کنار اصل عدم مداخله در امور داخلی به عنوان مهمترین اصول مورد توافق قرارگرفت.^۱

این کنوانسیون از معاهدات منطقه ای حقوق بشری عام به شمار می‌رود که در برگیرنده ی حقوق فردی اجتماعی مدنی و سیاسی است که دولت‌های اروپایی این حقوق را از طریق

^۱ سلامتی، یعقوب، مصوبات بین‌المللی حقوق بشر، ۹/۸/۹۱ سایت: *law for law*

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

این کنوانسیون به شهروندانشان تضمین می‌کنند. بنابراین می‌توان به حق حیات و آزادی عدم بازداشت خودسرانه آزادی مذهب حق دادرسی عادلانه و آزادی عقیده اشاره نمود. کشورهای اتحادیه اروپا در پیوستن به کنوانسیون‌های حقوق بشری منافع ملی را به عنوان یک پارامتر اصلی در نظر می‌گیرند که موجب مفید و کارآمدتر شدن نظام اروپایی حقوق بشر در این منطقه شده است.

باید توجه داشت که کنوانسیون‌های اروپایی تأمین‌کننده ی آرمان خواهانه ترین برنامه های حقوقی فراملی برای پرداختن به حقوق بشر می‌باشند و بیشترین عامل موقعیت آن را نیز می‌توان به همبستگی فرهنگی این کشورها به عنوان بخشی از تمدن اروپا نسبت داد. در حقیقت قلمرو حقوق بشر را تا حدودی در شورای اروپا می‌توان مشاهده کرد چنان که آمد ترتیبات منطقه ای اروپا به مقدار زیادی از همگرایی سیاسی اشتراکات تاریخی و فرهنگی و اولویت های حقوق بشر در عین تنوع ملت ها و کشورهای منطقه نشأت می‌گیرد.

گفتار اول: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

مراد از کنوانسیون حقوق بشر که گاهی از آن به اختصار با نام کنوانسیون اروپایی نیز یاد می‌شود در حقیقت کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی است که از آن با علائم اختصاری (ECHR) در برخی از متون یاد می‌شود. کنوانسیون مذکور از جمله اسناد تدوین شده توسط شورای اروپا است این سند بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم به وسیله دولت های عضو شورای اروپا در سال ۱۹۴۹ با هدف ارتقای فرهنگ حیات سیاسی و اجتماعی اروپا و ترویج و توسعه حقوق بشر دموکراسی و حاکمیت قانون در اروپا تدوین شد. تدوین این سند و آغاز به کار زود هنگام و ایجاد شورای اروپا تا حدود بیشتری در جهت نشان دادن واکنش و عکس العمل در قبال نقض های خطرناک جدی و فاحش حقوق بشر بود که در اروپا در طول جنگ جهانی دوم به وقوع پیوسته بود. سرانجام پس از تلاش های بسیاری که در راستای تدوین این سند صورت گرفت، کنوانسیون مذکور در چهارم نوامبر ۱۹۵۰ مورد تصویب قرار گرفت و در سوم سپتامبر ۱۹۵۲ میلادی لازم الاجرا شد. سند مذکور از حیث معاهده ای در زمره معاهدات ام‌والزام آور در حمایت از حقوق بشر و آزادی های

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

اساسی است که حقوق و آزادی‌های متعددی را پوشش داده و بر اعضای آن رعایت مقررات مندرج در آن الزام آور است و از طرفی با توجه به گستره‌ی اجرایی این سند از آنجایی که سند مذکور در سطح معین و مشخص منطقه‌ای مجری می‌باشد از جمله اسناد منطقه‌ای در حمایت از حقوق بشر محسوب می‌شود.^۱

هدف اولیه از تدوین این کنوانسیون بیشتر حمایت از حقوق مدنی و سیاسی در مقابل حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بود اما چنین امری در نظرات دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد تفکیک قرارنگرفت. تدوین کنوانسیون حاضر گامی بسیار مهم در جهت اجرای رویکردهای خاصی بود که در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد ۱۹۴۸ مطرح شده بود.

یکی از مهمترین مزیت‌ها و ویژگی‌های ممتاز سند حاضر این است که حق دادخواهی فردی را به رسمیت شناخته که به موجب این حق افراد و سازمان‌ها حق دارند اختلافشان را با دولت‌هایشان در خصوص نقض حقوق مندرج در این کنوانسیون به نهادهای استراسبورگ (*Strasbourg*) ارایه نمایند تا در خصوص آنها رسیدگی صورت پذیرد.

نهادهای استراسبورگ که متشکل از دو نهاد بسیار مهم کمیسیون اروپایی حقوق بشر و دادگاه اروپایی حقوق بشر است که طی فرآیند شکل خاصی به دادخواهی ارجاع شده رسیدگی می‌نمایند البته لازم به ذکر است که در پی اصلاح ساختاری که مطابق پروتکل شماره ۱۱ در سال ۱۹۹۸ صورت گرفته دادگاه اروپایی حقوق بشر به طور مستقیم در خصوص موارد ادعای نقض حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر رسیدگی می‌نماید.^۲

مهمترین حقوق ماهوی که در کنوانسیون مذکور به رسمیت شناخته شده اند بدین شرح است حق حیات (ماده ۲) حق آزادی از شکنجه و رفتارهای غیر انسانی (ماده ۳) حق آزادی

^۱ ابراهیمی، محمد، ((کنوانسیون‌های اروپایی حقوق بشر))، ۹۱/۸/۱۲ سایت www.pajooh.com

^۲ Philip Leach, *Taking a Case to the European Court of Human Rights*, ۲nd ed, New York, Oxford University, Press, ۲۰۰۵,

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

از بردگی و بندگی و کار اجباری (ماده ۴) حق آزادی و امنیت شخصی (ماده ۵) حق محاکمه عادلانه (ماده ۶) حق حمایت در برابر عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری (ماده ۷) حق خلوت یا حریم خصوصی (ماده ۸) حق آزادی فکر وجدان و مذهب (ماده ۹) حق آزادی بیان (ماده ۱۰) حق آزادی اجتماعات و مجامع (ماده ۱۱) حق ازدواج و تشکیل خانواده (ماده ۱۲) حق بر دسترسی موثر به مراجع قضایی (ماده ۱۳). این کنوانسیون استانداردهای حداقلی حقوق بشر را که توسط دولت‌های اروپایی بیش از ۵ سال پیش با آن موافقت نموده بودند، بیان می‌کند. مفهوم حقوق بشر و استانداردهای آن در طول این سال‌های متمادی بسیار متحول شده و بطور شگفت‌انگیزی توسعه پیدا کرده است و به گونه‌ای شده که حتی در برخی از جهات کنوانسیون مذکور نمی‌تواند پاسخگوی مسائل حقوق بشر مربوط به زمان حاضر باشد علی‌رغم تصویب پروتکل‌هایی که جهت جبران این بعد و توسعه معنوی به آن ملحق شده‌اند و هم‌چنین علی‌رغم تلاش‌هایی که توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر صورت گرفته تا با تفسیر این اسناد به عنوان اسناد پویا و زنده در جهت توسعه معنوی این هنجارها گام بردارد.

حقوق ماهوی مندرج در کنوانسیون به وسیله پروتکل‌های الحاقی آن تکمیل و توسعه یافته‌اند پروتکل‌های شماره ۱/۴/۶/۷ و ۱۳ در زمره پروتکل‌هایی‌اند که در جهت تکمیل حقوق ماهوی به این کنوانسیون ملحق شده‌اند.

پروتکل شماره ۱۲ راجع به منع عام تبعیض می‌باشد این پروتکل حفاظت محدودی را که علیه تبعیض پیش‌بینی شده را گسترش می‌دهد. این پروتکل تضمین می‌کند که هیچ‌کسی به هر دلیلی نباید توسط هر مقام دولتی مورد تبعیض قرار گیرد.

پروتکل شماره ۱۴ نظام کنترل کنوانسیون را اصلاح می‌کند و از جمله تغییراتی در معیار پذیرش پرونده ایجاد می‌کند و ساز و کارهای تازه‌ای برای اجرا نمودن احکام کمیته وزیران

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

معرفی می‌کند.^۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تأثیر فوق‌العاده‌ای بر توسعه قانون‌گذاری و شیوه‌حمایتی در زمینه حقوق بشر در اروپا داشته است این کنوانسیون در حال حاضر به عنوان یکی از اسناد بسیارمهم موفق‌ترین نظام‌های منطقه‌ای در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به شمار می‌آید که از جهت ساز و کارهای اجرایی و تعداد اعضای که دارد اهمیت بسیاری دارد. از این کنوانسیون به عنوان حقوق بنیادین اروپا نیز تعبیر می‌شود.

گفتار دوم: منشور اجتماعی اروپایی و پروتکل‌های آن

منشور اجتماعی اروپایی در سال ۱۹۶۱ به تصویب رسید و در ۲۶ فوریه ۱۹۶۵ لازم‌الاجرا شد تا ۲۰ مارس ۲۰۰۹، ۲۷ کشور آن را تصویب کرده بودند. منشور اجتماعی اروپایی با هدف حفظ شماری از حقوق اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده است و همتای طبیعی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بشمار می‌رود. منشور نظام‌گزارش دهی دو سالانه‌ای ایجاد کرده است و پس از لازم‌الاجرا شدن پروتکل الحاقی ۱۹۹۵، نظام شکایات جمعی نیز ایجاد شد.

دولت‌های طرف منشور خود را متعهد به اجرای مواد و بند‌های ذیل می‌دانند:

حق کار در ماده ۱- حق شرایط عادلانه کار در ماده ۲- حق شرایط کاری سالم و ایمن در ماده ۳- حق دستمزد منصفانه در ماده ۴- حق سازماندهی در ماده ۵- حق چانه زنی جمعی در ماده ۶- حق حفاظت از کودکان و نوجوانان در ماده ۷- حق حفاظت از زنان شاغل در ماده ۸- حق راهنمایی حرفه‌ای در ماده ۹- حق آموزش حرفه‌ای در ماده ۱۰- حق حفاظت از سلامت در ماده ۱۱- حق امنیت اجتماعی و پزشکی در ماده ۱۳- حق برخورداری از خدمات و رفاه اجتماعی در ماده ۱۴- حق افراد کم‌توان جسمی و ذهنی برای بهره‌مندی از آموزش حرفه‌ای و بازتوانی در ماده ۱۵- حق خانواده برای برخورداری از حمایت اجتماعی،

^۱ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با همکاری کنون بین‌المللی وکلا، حقوق بشر در دستگاه قضایی، ج اول، تهران، سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

حقوقی و اقتصادی در ماده ۱۶- حق مادران و کودکان برای برخورداری از حمایت اجتماعی و اقتصادی در ماده ۱۷- حق مشارکت در کارهای سودآور و در قلمرو دیگر دولت‌های طرف منشور ماده ۱۸- حق حمایت و کمک به کارگران مهاجر و خانواده‌هایشان در ماده ۱۹^۱

هر دولت هنگام الحاق به منشور اجتماعی اروپایی سه تعهد بنیادین را می‌پذیرد:

۱ هر دولت باید از همه ابزار مناسب موجود در جهت اهداف مندرج در بخش این منشور تلاش کند (بند ۱ قسمت الف ماده ۲۰)

۲. هر دولت باید دست کم پنج ماده از مواد بخش دوم منشور را لازم الاجرا بداند ماده‌های ۱/۱۹/۱۶/۱۳/۱۲/۶/۵/۱ که به ترتیب عبارتند از: ۱- حق کار ۲- حق سازماندهی ۳- چانه زنی جمعی ۴- امنیت اجتماعی ۵- بهره‌مندی از کمک‌های پزشکی و اجتماعی ۶- برخورداری از خانواده برای برخورداری از حفاظت اجتماعی ۷- حقوق و اقتصادی ۸- حق کارگران مهاجر و خانواده‌هایشان برای برخورداری از حفاظت و کمک

۳ - هر دولت باید خود را متعهد به شماری از مواد و بند‌های بخش دوم منشور بداند که خود انتخاب می‌کند تعداد کل این مواد یا بندها نباید کمتر از ۱۰ ماده یا ۴۵ بند باشد. (بند ج ماده ۲۰)^۲.

منشور حاوی مفاد کلی در مورد محدودیت است (ماده ۳۱) حقوق و اصول مندرج در بخش‌های اول و دوم منشور شامل هیچ‌گونه محدودیتی نخواهد شد مگر این که محدودیت‌ها در قانون بیان شده و به منظور حفاظت از منافع عمومی، امنیت ملی، سلامت عموم یا اخلاقیات در یک جامعه دموکراتیک ضروری باشند.

طبق منشور اجتماعی اروپا در وضعیت جنگی یا دیگر شرایط اضطراری تهدید کننده زندگی و حیات ملت و جامعه دولت عضو منشور دولت مذکور می‌تواند بر اساس موقعیت از اجرای

^۱ www.conventions.coe available at: -the European social charter ۱۳۹۱/۷/۱۶

^۲ The European social charter of the of council Europe available at www.Eurofound.europa.EU ۱۳۹۱/۷/۱۶

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

برخی تعهدات خود عدول کند. البته این اقدام نباید با دیگر تعهدات دولت تحت حقوق بین‌المللی مغایر باشد (بند اول ماده ۳۰) در ضمیمه منشور نیز آمده است وضعیت جنگی یا وضعیت اضطراری در واقع در برگیرنده تهدید به جنگ نیز خواهد بود.

نظام بررسی گزارش‌های دولت‌ها تحت منشور اجتماعی اروپا در سال ۱۹۹۱ طی پروتکل اصلاحی مورد تجدید نظر قرار گرفت. پروتکل اصلاحی ۱۹۹۱ تا پایان سال ۲۰۰۷ لازم‌الاجرا نشده بود. به رغم پروتکل اصلاحی و تصمیم کمیته وزیران در دسامبر ۱۹۹۱ اقدامات نظارتی موجود در پروتکل اصلاحی به لحاظ عملیاتی موقتی است. دولت‌های طرف منشور تعهد می‌کنند که در مورد اجرای تعهداتی که پذیرفته‌اند گزارش دو سالانه‌ای به دبیر کل شورای اروپایی ارائه کنند. وهم‌چنین در صورت درخواست کمیته وزیران شورای اروپا، دولت‌ها باید در خصوص تعهداتی که نپذیرفته‌اند گزارش ارائه نمایند.

در سال ۱۹۹۶ نسخه اصلاح شده منشور اجتماعی اروپا به تصویب رسید و در اول ژوئیه

۱۹۹۹ لازم‌الاجرا شد تا ۲۰ مارس ۲۰۰۹، ۲۵ کشور عضو شورای اروپا منشور مذکور را تصویب کرده بودند بدین طریق منشور حاضر به تدریج جایگزین منشور اولیه خواهد شد. منشور جدید به تحولات جدید اجتماعی و اقتصادی نظر داشته و برخی از اصول منشور اولیه را اصلاح کرده و مواد جدیدی در زمینه‌ی حقوق اقتصادی و اجتماعی ارایه کرده است و ساز و کارهای اجرایی دیگری پیش‌بینی کرده است. منشور جدید حاوی فهرست طولانی‌تری از اصول و حقوق است و حقوق جدیدی نیز ارائه نموده است مانند حق حفاظت در مواقع پایان اشتغال - حق حفاظت از ادعاهای کارگران در هنگام ورشکستگی کارفرما - حق احترام به کرامت انسانی در محیط کار - حق برخورداری از اطلاعات و مشاوره در مواقع اخراج دسته جمعی - حق حفاظت در مقابل فقر و محرومیت اجتماعی - حق مسکن.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

منشور اصلاح شده ی اجتماعی اروپایی ۱۹۹۶ منشور قدیمی را روز آمد کرده و بسط داده است، دولت های عضو باید ۶ ماده اصلی را بپذیرد و علاوه بر این باید دست کم ۱۶ ماده یا ۶۳ بند را لازم الاجرا بدانند.^۱

گفتار سوم: کنوانسیون معیار برای حفاظت از اقلیت های ملی

کنوانسیون معیار برای حفاظت از اقلیت های ملی در سال ۱۹۹۵ توسط کمیته ی وزیران شورای اروپا به تصویب رسید و در اول فوریه ۱۹۹۸ لازم الاجرا شد. تا ۲۰ مارس ۲۰۰۹ این کنوانسیون ۳۹ عضو داشت ویژگی خاص این کنوانسیون عبارت است از این که بنابه دعوت کمیته ی وزیران، دولت های غیر عضو شورای اروپا نیز می تواند این معاهده را امضاء کنند. کنوانسیون حفاظت از اقلیت های ملی بخش لاینفک حفاظت بین المللی حقوق بشر است و در حوزه همکاری های بین المللی قرار می گیرد.

کنوانسیون عمدتاً حاوی مفاد برنامه ای است و اصول مندرج در این سند را نمی توان مستقیماً در حقوق داخلی دولت های عضو به کارگرفت بلکه این اصول باید از طریق اتخاذ سیاست های دولتی و قوانین ملی اجرا شوند کنوانسیون هم چنین مقرر می دارد هر فرد عضو اقلیت ملی حق دارد به طور آزادانه انتخاب کند که با او به عنوان اقلیت رفتار شود یا نه و درعین حال هیچ ضرری ناشی از این انتخاب متوجه او نخواهد بود.

تعهدات دولت های عضو در قبال اقلیت های ملی دربخش دوم کنوانسیون معیار بیان شده است:

حق برابری در پیشگاه قانون، حفاظت برابر توسط قانون و ترویج برابری کامل و موثر در عرصه های متنوع (ماده ۴) ایجاد شرایط لازم برای حفظ و توسعه فرهنگ و حفظ عناصر اصلی هویت اقلیت های ملی (ماده ۵) ترغیب مدارا و گفتگوی بین فرهنگی و حفاظت افراد از تهدیدات یا اقدامات تبعیض آمیز احتمالی (ماده ۶) آزادی تجمع مسالمت آمیز بیان فکر وجدان و مذهب حق بیان عقاید و تأسیس نهادهای مذهبی (مواد ۷ و ۸) حق آزادی بیان از

^۱ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، پیشین ص ۱۷۷

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

جمله حق دسترسی به رسانه‌ها (ماده ۹) آزادی‌های زبانی نظیر حق استفاده از زبان اقلیت در حوزه‌های عمومی و خصوصی و تا حد ممکن در حضور مقامات اجرایی حق آگاهی سریع از دلایل دستگیری و ماهیت علت اتهامات به زبانی که فرد می‌فهمد و در صورت لزوم، استفاده رایگان از مترجم (ماده ۱۰) حق برخورداری از اسامی موجود در زبان اقلیت و نمایش علامات خصوصی در حوزه عمومی (ماده ۱۱) حق یادگیری زبان اقلیت توسط فرد عضو اقلیت (ماده ۱۴) حق برقراری تماس‌های آزادانه و مسالمت‌آمیز در ورای مرزها با افرادی که به طور قانونی در دیگر کشورها مقیم هستند و حق مشارکت در فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی محلی و بین‌المللی (ماده ۱۷)

در هنگام ضرورت، دولت‌های عضو صرفاً می‌توانند به محدودیت‌های متوسل شوند و یا از تعهداتی عدول کنند که امکان‌پذیری آن در اسناد حقوق بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. در این زمینه، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در عین حال صرفاً محدودیت‌هایی مدنظر خواهند بود که با حقوق و آزادی‌های منبعث از اصول مذکور هماهنگ باشند (ماده ۱۹) به عبارت دیگر نمی‌توان از کنوانسیون معیار به عنوان مبنایی حقوقی برای بسط محدودیت‌های اجرای حقوق یا بسط گسترده عدول از تعهدات، استفاده کرد به عنوان مثال، در این زمینه هم چنان باید به ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مراجعه کرد.

کمیته وزیران شورای اروپا وظیفه‌ی نظارت بر اجرای کنوانسیون معیار توسط دولت‌های عضو برعهده دارد (ماده ۲۴) یک کمیته مشورتی متشکل از کارشناسان متخصص در زمینه‌ی حفاظت از اقلیت‌های ملی به کمیته‌ی وزیران یاری خواهد رساند (ماده ۲۶) نظارت بر اجرای کنوانسیون بر پایه نظام گزارش دهی استوار است. دولت‌ها باید در مورد اقدامات قانونی و دیگر اقدامات خود در زمینه اجرای اصول مندرج در کنوانسیون معیار گزارش سالانه‌ای را به کمیته وزیران ارائه کنند. هر گاه کمیته وزیران درخواست کند دولت‌ها باید اطلاعات بیشتری را در مورد نحوه اجرای کنوانسیون به کمیته ارائه دهند.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

حمایت از حقوق اقلیت‌ها در اروپا در مقایسه با جهان پیشرفته تر است. قانون نهایی هلسینکی که در سال ۱۹۷۵ تصویب شد می‌گوید: ((کشورهای شرکت‌کننده ای که در خاک خود دارای اقلیت هستند به حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها از نظر برابری در پیشگاه قانون احترام می‌گذارند، به آنان امکان می‌دهند از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بهره‌مند شوند و از طریق منافع مشروع آنان را در این زمینه حمایت خواهند کرد.))^۱

کنوانسیون معیار برای حفاظت از اقلیت‌های ملی، نخستین معاهده بین‌المللی الزام‌آور در زمینه ی حمایت و حفاظت از اقلیت‌های قومی است. این کنوانسیون حاوی تعهداتی در قبال اقلیت‌های ملی است از جمله می‌توان به تعهدات ذیل اشاره کرد. حق برابری در پیشگاه قانون، آزادی بیان، آزادی مذهب، آزادی تجمع، آزادی‌های زبانی، آموزش، ترویج فرهنگ و هویت ملی و ترغیب مدارا و گفتگوی بین فرهنگی.

مبحث دوم: معاهدات آمریکایی حقوق بشر

گفتار اول: کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۲

در قاره ی آمریکا با برگزاری کنفرانس بوگوتا در سال ۱۹۴۸، اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان مورد تصویب قرار گرفت. البته فقط به صورت توجیه‌نامه می‌باشد. که در ۲۲ نوامبر سال ۱۹۶۹ سند لازم‌الاجرای دیگری که به نام عهد‌نامه آمریکایی حقوق بشر برای حمایت از حقوق بشر تصویب گردید که در سال ۱۹۷۸ به مرحله اجرا در آمد این اعلامیه از معاهدات منطقه ای حقوق بشری عام به شمار می‌آید. باید یاد آور شد که این اعلامیه از نظر محتوا و هم‌چنین از نظر مکانیسم‌های اجرایی به کنوانسیون اروپایی شباهت دارد.

تمامی کشورهای عضو تمام تلاش خود را برای تحقق کامل حقوق از جمله حقوق اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، علمی، فرهنگی به کار گرفته‌اند ولیکن اجرای این حقوق بستگی به توسعه تدریجی و امکانات هر کشور دارد. این توسعه در سال ۱۹۸۷ یک پروتکل ۲۲ ماده ای

^۱ شم آبادی، ابوالقاسم، ((حقوق فرهنگی))، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، بهار ۱۳۸۲، شماره ۲۲، ص ۶

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

که مشتمل بر حقوق اجتماعی بود که تا حدودی صورت گرفته است. دو کشور آمریکا و کانادا تا کنون به این کنوانسیون پیوسته اند.^۱

هیچ گونه فلسفه سیاسی خاص آمریکایی لاتین از متن این معاهده استنباط نمی شود این معاهده از حیات بشر از لحظه انعقاد از فلسفه این حمایت به عمل می آورد. تدوین چنین معاهده ای الزام آور منطقه ای را می توان گامی اساسی در حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی نظام آمریکایی حقوق به شمار آورد. به طور کلی کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در قالب یک مقدمه و ۸۲ ماده تنظیم شده است.^۲

دو پروتکل الحاقی، یکی در زمینه ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگری در مورد لغو مجازات اعدام در سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰ تصویب شده اند.

دولت های عضو کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر متعهد به رعایت حقوق بشر هستند و متعهد می گردند که حقوق و آزادی های شناخته شده این کنوانسیون را محترم شمارند. برای تمامی اشخاص تحت صلاحیت خود، اعمال آزادانه و کامل این حقوق و آزادی ها را بدون هیچ گونه تبعیضی یادگیر شرایط اجتماعی تضمین کنند.

در خصوص مسأله جلوگیری از نقض حقوق دیوان به صراحت عنوان می دارد: دولت ها به طور قانونی موظف اند گام های مشخصی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر برداشته و اقدامات لازم را جهت بررسی جدی تعرضات صورت گرفته مشخص نمودن مسئولین این تعرضات، معین نمودن مجازات های مقتضی و تعهد به پرداخت غرامت به خسارت دیدگان انجام دهند. وظیفه قانونی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر تمامی ابزارهای قانونی سیاسی دولتی و فرهنگی را که سبب پیشبرد حقوق بشر شده شامل می گردد و مشخص می کند اقدامات و تعرضات صورت گرفته همگی اقداماتی غیر قانونی بوده اند و کسانی که دست به

^۱ سلامتی، پیشین

^۲ تاموشت، کریستیان، حقوق بشر مبانی نظری، تحولات تاریخی و ساز و کارهای اجرایی، مترجم شریفی طراز کوهی، حسین، میزان، چ اول، تهران، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۱۶-۱۱۵

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

این کار زده اند مشمول مجازات قرار خواهند گرفت هم چنین پرداخت غرامت به قربانیان باید تضمین گردد.

حقوق مدنی و سیاسی که کنوانسیون به رسمیت شناخته عبارتند از: حق برخورداری از شخصیت حقوقی (ماده ۳) حق حیات وزندگی شامل قاعده منع کردن دقیق مجازات اعدام با دورنمای لغو آن در آینده (ماده ۴) حق هر کس که تمامیت جسمی روانی و اخلاقی اش محترم شمرده شود هم چنین رهایی از شکنجه رفتار یا مجازات بی رحمانه غیر انسانی یا تحقیر آمیز (ماده ۵) آزادی از بردگی و کار اجباری (ماده ۶) حق آزادی و امنیت خصوصی آزادی از بازداشت غیر قانونی (ماده ۷) حق برخورداری از جبران خسارت در صورت اشتباه حکم قضائی (ماده ۱۰) حق بهره مندی از حریم خصوصی - حق آزادی وجدان و مذهب - حق آزادی فکر و بیان - حق پاسخ به واسطه اظهارات نادرست مجرمانه یا افکار پخش شده برای عدم - حق اجتماع و تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز - حق آزادی تشکیل مجامع - حقوق خانواده - حق دارا بودن نام - حقوق کودک - حق تابعیت - حق مالکیت - حق آزادی تغییر مکان و انتخاب محل اقامت - حق مشارکت در دولت - حق برخورداری از حمایت قضایی.

علاوه برشناسایی این حقوق، کنوانسیون دارای ماده ای است که طی آن کشورهای عضو متعهد می گردند که با همکاری داخلی و بین المللی به ویژه همکاری های ماهیتا اقتصادی و فنی به منظور حصول تدریجی اعمال کامل حقوق مندرج در استانداردهای اقتصادی، اجتماعی، آموزشی که مقرر شده اقدامات مقتضی را مبذول دارند^۱.

اما اجرای برخی از حقوق یاد شده ممکن است در موارد ضروری و با اهداف خاص محدود شوند این حقوق عبارتند از حق ابراز مذهب و اعتقادات مذهبی حق آزادی فکر و بیان حق آزادی اجتماع و آزادی تشکیل مجامع حق آزادی تغییر مکان و انتخاب محل اقامت شامل حق ترک هر کشور و جلالی وطن برخی از علت هایی که سبب اعمال محدودیت در بکارگیری این حقوق می کردند عبارتند از حفظ امنیت اجتماعی و سلامت رعایت اخلاقیات

^۱ ابراهیمی، محمد، ((کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر))، ۹۱/۸/۱۲، مندرج در سایت: www.pajoohe.com

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

نظم عمومی امنیت ملی و حق آزادی دیگران علاوه بر آن قانون ممکن است در حوزه‌های خاص و ویژه اعمال و اجرای حقوق و فرصت‌های مرتبط با حق مشارکت در حکومت را قانونمند نماید.^۱

براساس اصل قانونی بودن، تمامی محدودیت‌های در نظر گرفته شده باید توسط قانون تجویز شود. توسط قانون ایجاد و یا مطابق قانون باشد. و تنها محدودیت در اجرای اصل آزادی شرکت در انجمن‌ها و اجتماعات زمانی است که ضروریات جامعه دموکراتیک ایجاب می‌کند.

۱/ شرط فوق العاده، ۲/ شرط غیر قابل تعلیق شدن برخی از تعهدات، ۳/ شرط ضرورت ۴/ شرط سازگاری با سایر تعهدات حقوق بین‌الملل، ۵/ شرط عدم تبعیض، ۶/ شرط اعلان بین‌المللی کمیسیون آمریکایی حقوق بشر صلاحیت دارد که شکایتی را در خصوص موارد ادعایی نقض حقوق بشر از اشخاص یا دولت‌های زیر دریافت کند.

۱) از هر فرد یا گروهی از افراد یا هر سازمان غیر دولتی قانونی این صلاحیت کمیسیون الزام آور و اجباری است (ماده ۴۴)

۲) از هر کشور عضو علیه کشور عضو دیگر اگر صلاحیت کمیسیون در این مورد توسط آنان به رسمیت شناخته شده باشد. (ماده ۴۵)

دیوان آمریکایی حقوق بشر صلاحیت دارد که پرونده‌هایی را بررسی کند که دولت‌های عضو و کمیسیون آن به دیوان تحویل داده اند. به شرط آنکه ابتداء کمیسیون آن را بررسی کرده باشد. (ماده ۶۱)

گفتار دوم: کنوانسیون آمریکایی پیشگیری مجازات و امحای خشونت علیه زنان

کنوانسیون آمریکایی پیشگیری مجازات و امحای خشونت علیه زنان که به عنوان کنوانسیون بلم دوپاراً نیز شناخته می‌شود در سال ۱۹۹۴ توسط مجتمع سازمان کشورهای آمریکایی

^۱ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، پیشین، ص ۱۴۹

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

تصویب و در ۵ مارس ۱۹۹۵ لازم‌الاجرا شد تا ۲۰ مارس ۲۰۰۹، کشور عضو این کنوانسیون شدند این کنوانسیون تنها معاهده بین‌المللی با هدف حذف خشونت مبتنی بر جنسیت است.

مطابق کنوانسیون، خشونت علیه زنان عبارت است از هر عمل یا رفتاری بر پایه ی جنسیت که موجب مرگ یا آسیب جسمی یا روانی به زنان در حوزه عمومی یا خصوصی شود. خشونت علیه زنان شامل خشونت جسمی و روانی می‌شود خواه این خشونت در خانواده یا واحد خانوادگی یا در چهارچوب روابط بین افراد یا جامعه رخ داده باشد یا این که دولت یا عاملان دولتی چنین خشونتی را مرتکب شده باشند یا از آن چشم‌پوشی کرده باشند. بدین ترتیب دامنه ی کاربرد کنوانسیون کاملاً جامع و فراگیر است و همه حوزه های عمومی یا خصوصی جامعه را در بردارد.

کنوانسیون هم چنین بر حق زنان برای برخورداری از حقوق بشر مندرج در اسناد منطقه ای و بین‌المللی تأکید می‌کند دولت های عضو کنوانسیون اذعان دارند که خشونت علیه زنان از بهره‌مندی آنان از حقوق سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی شان جلوگیری می‌کند، هم چنین حق زنان برای رهایی از خشونت و از جمله حق رهایی از همه اشکال تبعیض و حق ارزش قایل شدن برای زنان و تحصیل و آموزش آنان را فارغ از الگوها کلیشه ای رفتاری مورد تأیید قرار می‌دهد.

دولت های عضو می‌پذیرند که با استفاده از ابزار لازم و بدون تاخیر به اتخاذ سیاست های پیشگیری مجازات و امحای خشونت علیه زنان بپردازد و هم چنین به انجام اقدامات زیر که منجر به بهبود وضعیت می‌شود متعهد می‌شوند. برنامه هایی برای افزایش آگاهی و رعایت حق رهایی زنان از خشونت اصلاح الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار زنان و مردان آموزش افراد دخیل در اجرای عدالت نیروی پلیس و مقامات اجرای قانون.

ساز و کارهای اجرایی در کنوانسیون ۳ دسته هستند:

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

۱- **فرآیند گزارش دهی:** دولت‌ها در گزارش‌های ملی خود به کمیسیون امریکایی زنان باید اطلاعاتی در زمینه اقدامات انجام شده در جهت پیشگیری وضع خشونت علیه زنان ارائه کنند و هم چنین به مشکلات موجود در اجرای تدابیر و اقدامات مذکور اشاره نمایند.

۲- **نظرهای مشورتی:** هم دولت‌های عضو و هم کمیسیون امریکایی زنان می‌توانند در مورد تفسیر کنوانسیون پیشگیری و منع خشونت علیه زنان از دیوان امریکایی حقوق بشر تقاضای نظر مشورتی نمایند.

۳- **دادخواست‌های فردی:** هر شخص یا گروهی از اشخاص یا نهاد غیر دولتی که دارای شخصیت حقیقی یا حقوقی در یک یا چند دولت عضو سازمان کشورهای امریکایی باشد می‌تواند دادخواست خود در مورد نقض ماده ۷ کنوانسیون توسط دولت عضو کنوانسیون را به کمیسیون امریکایی حقوق بشر تسلیم نماید.

مبحث سوم: معاهدات آفریقایی حقوق بشر

آفریقا با وجود رهایی از استعمار همواره به علت حاکمان خودکامه در ارتقای رعایت از حقوق بشر عقب مانده است، منشور وحدت آفریقا که در سال ۱۹۶۳ ((آدیس بابا)) به تصویب رسید متمرکز بر حق مردم بر سرنوشت خویش مبارزه علیه استعمار و تبعیض نژاد است. سازمان وحدت آفریقا در نایروبی منشور آفریقایی ((حقوق بشر و مردم)) موسوم به منشور بنجول را در ژوئن سال ۱۹۸۱ تصویب کرد که از نظر روح ایدئولوژی در نوع خود بدیع می‌باشد. نوآوری منشور این است که در آن واحد همزمان به حقوق بشر فردی و حقوق جمعی توجه کرده است. هم چنین این منشور از جمله معاهدات منطقه ای حقوق بشری عام محسوب می‌شود از این رو منشور برخی حقوق خاص اعلامیه جهانی ۱۹۴۸ را در خود جای داده است متأسفانه منشور در ابتدا به حق توسعه به عنوان شرط لازم برای احترام به حقوق مدنی و سیاسی اهمیت داده شده که این خود عنصر مخربی در توسعه حقوق بشر در آفریقا را به همراه داشته است هم چنین منشور به طور مختصر به حقوق

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نظیر حق کار حق آموزش را شامل می‌شود که چندان قابل اجرا نیست.

گفتار اول: منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام

تصویب منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام در سال ۱۹۸۱ سرآغاز عصر جدیدی از حقوق بشر در افریقا بود این منشور در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ جنبه اجرایی به خود گرفت و تا ۲۰ مارس ۵۳/۲۰۰۹ دولت عضو آن شدند منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام به شدت تحت تاثیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر و کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر است. این منشور به طور تخصصی تعریفی از حق آرایه کرده و آن را در قلب مسئولیت‌های انسانی قرار می‌دهد.

منشور مزبور حاوی فهرست بلندی از حقوق مدنی سیاسی اقتصادی اجتماعی فرهنگی است، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و اقوام برای ارتقاء حقوق بشر و اقوام و تضمین حمایت از آن‌ها در افریقا در سازمان وحدت افریقا تشکیل خواهد شد (ماده ۳۰)

در سال ۱۹۹۸ پروتکل منشور ناظر بر ایجاد دیوان آفریقایی حقوق بشر تصویب گردید و در ژانویه ۲۰۰۴ این پروتکل لازم‌الاجرا گردید.

هم‌چنین کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و اقوام رهنمودها و اقدامات منع و پیشگیری از شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات بی‌رحمانه غیر انسانی یا تحقیر آمیز را اتخاذ نمود. این رهنمودها که به رهنمودهای «جزیره روبن» مشهور است. برای پیشگیری از شکنجه در قاره افریقا وضع شده‌اند بدین ترتیب دولت‌ها می‌توانند به تعهدات ملی منطقه‌ای و بین‌المللی خود برای اجرای مؤثر منع شکنجه گام بردارند.

کشورهای عضو سازمان وحدت افریقا و شرکت‌کننده در منشور حاضر باید حقوق تعهدات و آزادی‌های مندرج در این منشور را به رسمیت بشناسند و متعهد گردند اقدامات تقنینی و غیره را برای اجرای آن به عمل آورند کشورهای عضو وظیفه دارند با تعلیم آموزش و پرورش

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

و طبع و نشر احترام و آزادی‌های فوق به منزله تعهدات و تکالیف مرتبط تلقی گردند و تدابیر لازم را اتخاذ نمایند (ماده ۲۵)

علاوه بر این کشورهای عضو منشور حاضر وظیفه دارند استقلال دادگاه را تضمین شده و به وسیله منشور حاضر را فراهم آورند (ماده ۲۶)

منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام حقوق مدنی سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی زیر را به رسمیت می‌شناسد حق آزادی از تبعیض به هر دلیلی - حق برادری در پیشگاه قانون و حمایت در برابر قانون - حق احترام به زندگی افراد - حق احترام به کرامت انسانی - حق آزادی و امنیت فردی و ممنوعیت دستگیری یا بازداشت - حق استماع و حق دادخواهی - حق دریافت اطلاعات و بیان و نشر افکار - حق آزادی تغییر مکان - حق مالکیت - حق کار و دستمزد برابر در کارهای یکسان - حق آموزش و مشارکت - حق تشکیل خانواده - حق برابری اقوام - حق حیات برای تمام اقوام و حق تعیین سرنوشت - حق تمامی اقوام برای دسترسی آزادانه منابع طبیعی - حق تمام اقوام برای بهره‌مندی از توسعه اقتصادی - حق تمامی اقوام برای بهره‌مندی از صلح و امنیت - حق تمام افراد برای بهره‌مندی از محیط زیستی سالم مطلوب و مناسب.

عمده تعهدات مربوط به دولت‌های عضو منشور آفریقایی همان است که در بخش اول منشور در مواد ۱ و ۲ مقرر شده است در این راستا در ماده ۱ آمده است: ((دولت‌های عضو سازمان وحدت آفریقا که به عضویت منشور در آمده‌اند باید حقوق و وظایف و آزادی‌های مندرج در منشور را به رسمیت شناخته و متعهد شوند قوانین لازم یا اقدامات مناسب دیگر را در جهت اجرای آنها به تصویب برسانند در ماده ۲ نیز تعهد کلی دولت‌ها مبنی بر رعایت و حمایت از حقوق به رسمیت شناخته شده در منشور نیز به طور خاص از تعهدات دولت‌های تصریح گردیده است. به عنوان نمونه در بند ۳ ماده ۱۷ منشور تلاش برای ارتقاء و حمایت از ارزش‌های اخلاقی و سنتی جامعه جزو وظایف دولت‌ها به شمار آمد و یا در بند ۳ ماده ۱۸ نیز تأمین رفع تبعیض علیه زنان و حمایت از حقوق آنان بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد بین‌المللی جزء وظایف دولت قرار داده شده و هم‌چنین در ماده ۲۵

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

منشور نیز ایجاد فرهنگ احترام به حقوق بشر در ماده ۲۶ منشور پیش‌بینی گردیده و آن هم‌ارایه گزارش به کمیسیون آفریقایی حقوق بشر در زمینه اجرای موثر حقوق و آزادی‌های مندرج در منشور است که دو سال یکبار انجام شود.^۱

منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام در حمایت از حقوق تک‌تک انسان‌ها و هم‌چنین حقوق اقوام کشورهای مختلف در نوع ویژه است. منشور بر وظایف انسانی نسبت به گروه‌ها و دیگر انسان‌ها تأکید دارد در حالی که مقررات منشور آفریقایی اجازه اعمال محدودیت بر سر اجرای برخی حقوق تضمین شده را می‌دهد. هیچ دلیلی بر سر باز زدن از تعهدات مندرج در معاهده را مجاز نمی‌شمارد.

گفتار دوم: منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک

منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک در سال ۱۹۹۰ تصویب گردید و در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۹ به مرحله اجرا درآمد از ۳۱ مه ۲۰۰۰ تا ۴۴، ۲۰۰۹ کشور عضو آن شده‌اند. این منشور فهرست بلندی از حقوق کودک را مطرح کرده است و مطابق مفاد آن کمیته آفریقایی کارشناسان حقوق و رفاه کودک تاسیس شده است.

در منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک، کودک به معنای انسانی است که کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد (ماده ۲) و در تمامی اعمال و اقداماتش تحت نظارت و قیمومت فرد یا دستگاه حاکمیت قرار داشته باشد. آنچه در این بین هدف اصلی کلیه اقدامات از سوی هر فرد یا مقامی به شمار می‌رود تحقق منافع عالیه کودک است (بند اول ماده ۴) منشور، حقوق و اصول زیر را به رسمیت شناخته است. اصل عدم تبعیض ماده ۳- حق حیات و رشد شامل حق زندگی و ممنوعیت مجازات اعدام (ماده ۵) حق دارا بودن نام و تابعیت (ماده ۶) حق آزادی بیان (ماده ۷) حق آزادی تشکیل انجمن‌ها و شرکت در اجتماعات مسالمت‌آمیز (ماده ۸) حق آزادی فکر وجدان و مذهب (ماده ۹) حق حفاظت از حریم شخصی خانوادگی منزل و مکاتبات (ماده ۱۰) حق آموزش (ماده ۱۱) حق شرکت در فعالیت‌های

^۱ مهرپور، حسین. نظام بین‌المللی حقوق بشر، پیشین، ص ۲۲۹

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

فرهنگی تفریحی و فرهنگی (ماده ۱۲) حق حمایت و مراقبت ویژه از کودکان کم توان (ماده ۱۳) حق برخورداری از سلامت و خدمات بهداشتی (ماده ۱۴) حق حفاظت در مقابل استثمار اقتصادی و مشاغل خطرناک (ماده ۱۵) حق حفاظت از کودکان در مقابل سوء استفاده و شکنجه (ماده ۱۶) اجرای عدالت برای نوجوانان حق بزهکاران جوان برای رفتار خاص نسبت به آنان (ماده ۱۷) حق تشکیل و حمایت از خانواده (ماده ۱۸) حق برخورداری از مراقبت و حفاظت والدین (ماده ۱۹) مسئولیت‌های والدین (ماده ۲۰) حق حفاظت از کودک در مقابل رسوم زیان‌آور فرهنگی واجتماعی (ماده ۲۱) منازعات مسلحانه (ماده ۲۲) کودکان پناهنده (ماده ۲۳) فرزند خواندگی (ماده ۲۴) جدایی کودکان از خانواده، حفاظت در مقابل آپارتاید و تبعیض نژادی (ماده ۲۶) سوء استفاده و بهره‌کشی جنسی (ماده ۲۷) مواد مخدر (ماده ۲۸) فروش قاچاق و ربودن کودکان (ماده ۲۹) فرزندان مادران زندانی (ماده ۳۰).^۱

براساس ماده ۳۱ منشور هر کودک باید نسبت به خانواده جامعه دولت و دیگر نهادهای رسمی و قانونی و جامعه بین‌المللی احساس مسئولیت کند این مسئولیت‌ها عبارتند از تلاش برای حفظ یکپارچگی خانواده به جامعه ملی حفظ و تقویت همبستگی اجتماعی و ملی و کمک به ارتقای وحدت افریقایی اجرای موارد یاد شده در منشور باید کمیته آفریقایی کارشناسان حقوق و رفاه کودکان در چارچوب سازمان کشورهای افریقایی ایجاد گردد (ماده ۲۳) این کمیته دارای ۱۱ عضو مستقل و بی‌طرف خواهد بود که در ظرفیت خود خدمت می‌کنند (ماده ۳۳) کمیته در اولین نگاه به گسترش و حفاظت و حمایت از حقوق یاد شده را در دستور کار خود قرار خواهد داد (ماده ۴۲).^۲

^۱ the african charter on the rights and welfare of the child available at: www.pulp.up.ac ۱۳۹۱/۷/۱۶

^۲ کمیساریای عالی حقوق بشر، پیشین ص ۱۴۲

مبحث چهارم: اعلامیه اسلامی حقوق بشر

گرچه سازمان کنفرانس اسلامی یک تشکل منطقه ای محسوب نمی شود اما فعالیت های آن در حوزه حقوق بشر که محدود به گروهی از کشورهای خاص بوده و به همین خاطر ترتیبات منطقه ای حقوق بشر قابل ذکر است از مهمترین حوزه های مورد توجه کنفرانس اسلامی موضوع تفاوت ها و تنوع فرهنگی در عین حفظ ارزش های جهان شمول حقوق بشری است که از سوی این سازمان و دیگر نهادهای چند جانبه کشورهای در حال توسعه منطقه ای و بین المللی مستمرا تکرار شده است.

یکی از ابتکارات مهم سازمان کنفرانس اسلامی تدوین اعلامیه حقوق بشر اسلامی می باشد که در ۱۵ اوت ۱۹۹۰ در قاهره به امضای وزرای خارجه کشورهای اسلامی رسیدن اعلامیه مشتمل بر یک مقدمه و ۲۵ ماده است. در واقع این سند تلاشی از سوی جامعه اسلامی برای نشان دادن هویت اسلامی خود در سطح جامعه بین الملل و معرفی دیدگاه اسلام در مورد حقوقی است که افراد انسانی از آن می توانند برخوردار باشند و حکومت ها باید آن را تضمین کنند این اعلامیه ضمن تأکید بر تضمین حقوق بشر و حمایت از افراد در مقابل ظلم و ستم حقوق و آزادی های عمومی را جزئی از دین اسلام می داند. همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر این اعلامیه با احترام به حیثیت و کرامت انسانی به منع تبعیض از لحاظ نژاد رنگ زبان حیثیت یا اعتقاد دینی به حقوق فردی و اجتماعی اشاره می نماید. همچنین اعلامیه اسلامی حقوق بشر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر فاقد ضمانت اجرایی بوده و از حد توصیه اخلاقی فراتر نمی رود. اما اعلامیه مذکور مبنا و اساس کار خود را بر شریعت مقدس اسلام نهاده و با دید مذهبی به بشر و حقوق نگریسته و تغییراتی با برخی از اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر داده است. در نتیجه زمینه ساز برداشت هایی متفاوت از دین و مذهب می شود که عرصه را بر پاره ای از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر تنگ تر می نماید.^۱ که در فصل چهارم به طور کامل به آن پرداخته می شود.

^۱ قربانی، علی، ((اعلامیه اسلامی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر))، ۹۱/۸/۲۵، www.lawtoday.ir

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

گفتار اول: اعلامیه های شورای اسلامی اروپا و اجلاس کویت

اعلامیه مزبور در سال ۱۹۸۰ از سوی شورای اسلامی اروپا که مرکز آن در لندن است صادر شده و تلاش کرده دیدگاه های جهانی اسلام را بیان کند. مطالب این اعلامیه در هفت قسمت عنوان شده است.

۱-مقدمه که در آن به نظم الهی عالم خلقت و آفرینش انسان از سوی خداوند به عنوان اشرف مخلوقات و به عنوان جانشین خداوند در روی زمین اشاره شده است در این مقدمه به دیدگاه اسلام در مورد تساوی انسان ها در اصل ارزش انسانی و مرد وزن بودن امتیازات مبتنی بر نژاد زبان رنگ و قومیت اشاره به آیه شریفه: یا ایها الناس انا خلقنا کم من ذکر و انثی و جعلنا کم ثعوبا و قبایل اتعار خوانا اگر مکم عندالله ا تقیکم (حجرات آیه ۱۳) استناد شده است. در این مقدمه نتیجه گیری شده است که اسلام به افراد حقوق معین و آزادی هایی از قبیل: آزادی مذهب آزادی بیان آزادی فکر حق مالکیت مشروع و کرامت انسانی داده است و اضافه شده که در نظام اسلامی اعضای جامعه اسلامی دارای عدل برقرار نمایند زیرا خداوند با هدف اقامه عدل بین مردم به ارسال تکلیف نیز هستند و مکلف اند یک نظم جهانی اسلامی بر مبنای رسل و انزال کتب پرداخته است. لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس و... (حدید آیه ۲۵)

۲- بیان دیدگاه اسلام در مورد حیات در این قسمت تصریح شده که قانون الهی تنها قانونی است که به دولت ها مشروعیت می بخشد و دولت ها مسئول تحقق عدالت در همه زمینه ها ی زندگی هستند. و باید در راه تحکم وحدت امت حفظ شرافت و رشد و تعالی ملت اقدام نمایند.

۳- بیان بحران تمدن حاضر مخصوصا درباره ناکامی مکاتب سرمایه داری و کمونیستی و نظام های لاییک اشاره شده است.

۴- بیان چارچوب نظام اسلامی در این بند عناوین مباحثی چون: چارچوب سیاسی اقتصادی آموزشی اجتماعی و نظامی تشریح شده است.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

۵- همبستگی اسلامی در این بند بین دولت‌ها و امت اسلامی و ایجاد دولت واحد اسلامی مطرح شده است.

۶- آزاد سازی سرزمین‌های اسلامی

۷- وحدت امت اسلامی

گفتار دوم: اعلامیه حقوق بشر شورای اسلامی اروپا

این اعلامیه دومین اعلامیه شورای اسلامی اروپاست که در زمینه دیدگاه‌های اسلام در مورد حقوق بشر در سال ۱۹۸۱ در لندن صادر شده و در ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۱ در اجلاس یونسکو در پاریس رسماً اعلام شد.

این اعلامیه که شخصاً حقوق بشر را از دیدگاه اسلام مطرح می‌کند مشتمل بر یک پیشگفتار توضیحی از سوی دبیر کل جامعه اسلامی اروپاست و پس از آن مقدمه مفصلی در ۱۲ بند دیدگاه‌های اسلامی را در مورد حقوق بشر تبیین و جامعه ایده آل اسلامی را ترسیم می‌کند.

این اعلامیه تا حدود زیادی به سبک و سیاق اعلامیه‌ها و اسناد حقوق بشری در ۲۳ ماده حقوق شناخته شده برای بشر از دیدگاه اسلام را بیان می‌دارد و هر ماده مشتمل بر یکی از عناوین حقوق بشری است.

عناوین مواد ۲۳ گانه اعلامیه به شرح زیر است:

- ۱) حق حیات، ۲) حق آزادی، ۳) حق تساوی، ۴) حق عدالت، ۵) حق رسیدگی منصفانه،
- ۶) حق حمایت از افراد علیه سوء استفاده از قدرت، ۷) حق حمایت از افراد علیه شکنجه،
- ۸) حق حمایت از شرافت و حیثیت افراد، ۹) حق داشتن پناهگاه، ۱۰) حقوق اقلیت‌ها،
- ۱۱) حق شرکت در زندگی عمومی، ۱۲) حق آزادی فکر و عقیده و بیان، ۱۳) حق آزادی
- مذهب، ۱۴) حق دعوت به اسلام و تبلیغ پیام خود، ۱۵) حقوق اقتصادی، ۱۶) حق حمایت از
- مالکیت، ۱۷) حقوق و تکالیف کارگران، ۱۸) حق هر فرد برای داشتن سهم عادلانه از اموالی

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

که برای زندگی ضروری است، ۱۹) حق تشکیل خانواده، ۲۰) حقوق زن متأهل، ۲۱) حق آموزش، ۲۲) حق حمایت از زندگی خصوصی افراد، ۲۳) حق آزادی جابه جایی و انتخاب محل اقامت

گفتار سوم: اعلامیه اجلاس کویت

در تاریخ ۹ تا ۱۴ دسامبر ۱۹۸۰ کنفرانس از سوی کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان دانشگاه کویت و اتحادیه وکلای عرب در مورد حقوق بشر در اسلام در کویت ترتیب یافت و نتیجه بحث‌ها و پیشنهادها و نظریات مورد قبول شرکت‌کنندگان در کنفرانس تحت عنوان نتایج و توصیه‌های کنفرانس کویت از موازین اسلامی در زمینه‌های مختلف می‌پردازد.

اعلامیه اجلاس کویت (۱۹۸۰) در واقع مشتمل بر دو بخش است: بخش اول به جمع‌بندی‌ها و نتایجی که شرکت‌کنندگان در اجلاس کویت از موازین اسلامی در زمین‌های مختلف می‌پردازد. در بخش دوم تحت عنوان توصیه‌های اجلاس کویت در زمینه حقوق بشر به دولت‌های اسلامی توصیه‌هایی می‌نماید که در قانونگذاری و اجرا آن‌ها را به کار بندند.

در بند یک این اعلامیه آمده است که نباید حقوق اسلام را بر مبنای رژیم‌های سیاسی حاکم در طول تاریخ اسلام سنجید و بر آن مبنا قضاوت کرد بلکه باید با مراجعه به منابع اصیل اسلامی که عبارت است: قرآن، سنت، اجماع فقها و قیاس به حقوق اسلامی می‌پردازد و آن را به درستی شناخت.

در بند دوم آمده که اسلام جامعه بشری را هم چون یک خانواده می‌داند اسلام یک نظام کامل و جهانی را ارائه می‌دهد که همه جنبه‌های زندگی را در نظر می‌گیرد. آزادی‌های بشری را تامین و حقوق او را با همبستگی بین افراد و جامعه و در چارچوب مسئولیت اجتماعی می‌نماید.

اسلام حقوق و تعهدات غیر مسلمین اقلیت‌ها و خارجی‌ان را بر مبنای عدالت، تحمل و بردباری و احترام متقابل تضمین می‌نماید. اسلام در به رسمیت شناختن حق استقلال زن

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

در مورد دارایی و اموال خود حق تقدم دارد هم چنین در به رسمیت شناختن و اعطای حق آزادی عقیده و بیان، اسلام پیشقدم است.

اسلام در اعطای حقوق بشر پیش قدم است و آنچه را اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام نموده در چهارده قرن پیش اسلام با مفهوم و محتوای عالی تر و با ضمانت اجرای قوی تر اعلام نموده است.

در بند ۱۲ اعلام می دارد که اسلام نخستین بار اصل شخصی بودن مجازات ها اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری را که کاملاً امروزه جزء اصول حقوق بشری به شمار می روند، مبنا گذاشته است.

در بخش مربوط به حقوق مدنی و سیاسی از بند های ۲۹ تا ۳۸ توصیه هایی به دولت های اسلامی شده از جمله به رسمیت شناختن آزادی عقیده و بیان در چارچوب مقررات اسلامی آزادی تشکیل اجتماعات و اتحادیه ها الغاء محاکم ویژه و استثنائی لغو مجازات مرگ در مورد جرایم سیاسی به خاطر مغایرت آن با موازین اسلامی وضع مقرراتی در قوانین جزائی که هر نوع شکنجه و ناپدید کردن افراد و... جرم محسوب می شود.

در زمینه حقوق زنان در بند ۳۹ به کشورهای اسلامی توصیه می کند در قوانین موضوعه خود مقرراتی که حقوق سیاسی زنان را که اسلام هم آنها را به رسمیت شناخته تضمین نمایند از جمله حق رای دادن و به عهده گرفتن وظایف سیاسی و...

گفتار چهارم: اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام

اعلامیه قاهره در باره ی حقوق بشر در اسلام که از آن به اختصار با عنوان اعلامیه قاهره یاد می شود یکی از مهمترین اسناد مصوب سازمان کنفرانس اسلامی درباره حقوق بشر در اسلام است که در سال ۱۹۹۰ در نوزدهمین کنفرانس وزارت امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره به تصویب رسید.

((با توجه به پیشینه های موجود در زمینه حقوق بشر اسلامی کارشناسان مسایل فقهی و حقوقی سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) طرحی را تهیه و روی آن فعالیت نمودند که

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

آخرین پیش نویس آن در اجلاس کارشناسان حقوقی که در ۲۶ تا ۲۸ دسامبر ۱۹۸۹ در تهران تشکیل شد به تصویب رسید و سرانجام پیش نویس مذکور در نوزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که در ۳۱ جولای تا ۵ اوت ۱۹۹۰ در قاهره تشکیل شد با انجام برخی تغییرات و اصلاحات به تصویب نهایی رسید.

سازمان کنفرانس اسلامی قبلاً دو اعلامیه به نام اعلامیه حقوق و تکالیف اساسی انسان در اسلام که در سال ۱۹۸۱ در کنفرانس سران سازمان در طائف تصویب و منتشر شد را در زمینه حقوق بشر در اسلام به تصویب رسانده بود در واقع اعلامیه قاهره سومین سند مصوب سازمان در این راستا و به نوعی جدیدترین و رسمی ترین اعلامیه حقوق بشر اسلامی محسوب می شود^۱.

اعلامیه قاهره مشتمل بر یک مقدمه و ۲۵ ماده بوده و تمام نسخ عربی انگلیسی و فرانسه آن دارای مقدماتی یکسان و مشابه اند اما در متن فارسی منتشر شده مقدمه طولانی تری گنجانده شده که علت این زیادی معلوم نیست.

((گرچه اعلامیه حقوق بشر اسلامی علی‌الاصول بر سیاق اعلامیه جهانی حقوق بشر بر شرافت و کرامت ذاتی انسان تکیه کرده و تعدادی از حقوق و آزادی‌ها را به طور مشابه با همان تعابیر و گاهی با تعبیر و بیان دیگر برشمرده اما با این حال اعلامیه حقوق بشر اسلامی مشتمل بر حقوقی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیامده و بعدها در سایر اسناد حقوق بشری نظیر میثاقین و کنوانسیون حقوق کودک و اعلامیه حق بر توسعه ذکر شده اند. علاوه بر این برخی از حقوق نظیر ممنوعیت استعمار و حق مبارزه با آن و رهایی از آن حق مقابله با تجاوز به حیات انسان حق زندگی در محیط پاک و دور از مفسد اخلاقی و داشتن امنیت دینی و لزوم حفظ حرمت انسان حقی پس از حیات و محترم شمردن جنازه

^۱ Mashood ABaderin, *International Human Rights and Islamic law* Oxford University Press ۲۰۰۳ ip ۲۲۶۰۰۲۲۹۰ ۱۳۹۱/۷/۱۶

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

انسان از جمله حقوقی‌اند که منحصر به او و به طور خاص در اعلامیه حقوق بشر اسلامی به رسمیت شناخته شده‌اند.^۱

در فرآیند تصویب نهایی اعلامیه در قاهره کلمه وثیقه که به معنی سند و پیمان و یا به اصطلاح متداول امروز منشور است از ماده بیست و شش حذف شده و به جای آن کلمه اعلان به کار برده شده و در واقع ماهیت سند به صورت غیر الزام آور و حتی به این حد هم بسنده نشد و ماده بیست و هشتم کنفرانس تهران که دولت‌ها را مکلف به اجرای مواد می نمود به طور کلی حذف گردید.

در نهایت سندی ماهیتاً غیر الزام آور به تصویب رسید و لی با این حال برخی از ویژگی‌های اعلامیه در خور توجه است.

(۱) برابری در تحمل تکلیف و مسئولیت (۲) آزادی انتخاب و تغییر مذهب (۳) منشاء قدرت حکومت به صورت امانت است (۴) ممنوعیت برده داری (۵) شناسایی حق مالکیت ادبی (۶) تساوی حقوق زن و مرد (۷) مطابقت با احکام اسلامی.^۲

حقوقی که در اعلامیه حقوق بشر اسلامی درج شده شامل حقوق و آزادی‌های متعدد و متنوعی است که عمده آنها در سایر اسناد حقوق بشری نیز به رسمیت شناخته شده‌اند. (نظیر حق حیات حق ازدواج برابری زن با مرد در حیثیت ذاتی انسانی حقوق کودکان حق آموزش و پرورش) البته در این میان برخی از حقوق نیز به طور انحصاری در اعلامیه حاضر درج شده‌اند (نظیر حرمت جنازه انسان و ممنوعیت بی احترامی نسبت به آن و هم چنین ممنوعیت استعمار) و تعدادی از حقوق نیز با وجود این که در سایر اسناد حقوق بشری مورد تایید قرار گرفته‌اند در اینجا نامی از آنها برده نشده است نظیر حق آزادی مجامع یا اجتماعات با توجه به تمامی تلاش‌هایی که جهت تدوین این اعلامیه صورت پذیرفته اما برخی معتقدند که این اعلامیه نتوانسته انعکاس صریح و درستی را از فلسفه اسلامی درباره

^۱ جعفری، محمد تقی، تحقیق در دوزخ حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر،

چ اول، تهران، دفتر خدمات حقوق بین الملل، ۱۳۷۰، ص ۱۹۸

^۲ مهرپور حسین نظام بین الملل حقوق بشر، پیشین، صص ۳۵۲ و ۳۵۳

بخش دوم: جایگاه منبع تبعیض در اسناد بین‌المللی

ی حقوق بشر به دنبال داشته باشد علاوه بر این اعلامیه ی مذکور حتی در انعکاس برخی از حقوق منشور نیز موفق نبوده و حتی نظیر حق آزادی مجامع یا اجتماعات در این اعلامیه مورد توجه قرار نگرفته است خصوصا این که بعد از تلاش های زیاد یک سند یا معاهده الزام آور و کاربردی تدوین نشده و شفاف سازی لازم در تبیین موضع اسلام نسبت به بسیاری از حقوق و آزادی‌ها نیز صورت نپذیرفته است.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

فصل اول: قانون اساسی

تدوین قانون اساسی در شکل رایج آن به تحولات قرن هجدهم میلادی در اروپا باز می گردد. نخستین قانون اساسی پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۹۱ تدوین و البته بارها تغییراتی در آن ایجاد شد. این قانون سرآغازی برای تدوین قوانین اساسی مختلف در کشورهای دیگر شد.

مهمترین فلسفه تدوین قانون اساسی مهار قدرت پادشاهان و سلاطین بود که در ادراک جامعه به هیچ ضابطه و قانونی مقید نبودند. مزایای قانون اساسی مدون موجب شد تا کشورها یکی پس از دیگری برای تنظیم روابط اجتماعی و محدود کردن قدرت دولتمردان بدان توسل جویند.

ایران از نخستین کشورهای آسیایی بود که در پی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی دارای قانون اساسی شد در آن زمان هنوز تعدادی از کشورهای اروپایی نیز دارای قانون اساسی نبودند.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

با اوج گرفتن انقلاب اسلامی ایران و ایجاد تزلزل در ارکان نظام شاهنشاهی، حضرت امام خمینی از اصلاح امور در چارچوب نظام سلطنتی و قانون اساسی مشروطه، تغییر نظام سیاسی در دستور کار قرار گرفت.

پیش نویس قانون اساسی که از پیش به دستور امام ((ره)) نگارش یافته بود و متن آن توسط شورای انقلاب و هیئت دولت موقت مورد بحث و بررسی قرار گرفت که جهت آراء و نظار مردم و اندیشمندان در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۴ در روزنامه های کثیر الانتشار در ۱۲ فصل و ۱۵۱ ماده منتشر گردید.

مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروه های مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می باشد در طلیعه پانزدهمین هجرت پیغمبر اکرم (ص) به پایان رسید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از انتخابات سراسری در ۱۲ آذر سال ۱۳۵۸ هجری شمسی به تصویب رسید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی اجتماعی سیاسی اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است.

مبحث اول: اقلیت‌های دینی، قومی، نژادی، ... در قانون اساسی

اقلیت‌های رسمی در قانون اساسی

امروزه در سراسر کره خاکی نظام حکومتی وجود ندارد که همه افراد آن و اتباع آن از یک نژاد قومیت بوده و به یک زبان تکلم کند و پیرو یک دین و مذهب باشند در بیشتر کشورها یک اکثریتی وجود دارد که تاریخ و فرهنگ و زبان و مذهب و ملیت مشترک هستند و هم چنین یک گروهی کوچکتر که ویژگی قومی زبانی و مذهبی خود را دارند که اقلیت نامیده می شوند. طبق آنچه که در اصل دوازدهم قانون اساسی آمده است ((دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

اسلامی اعم از حنفی شافعی مالکی حنبلی وزیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذهب در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی واحوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات کشورها برطبق آن مذهب خواهد بود. با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.))

قانون اساسی در دو مورد از عنوان اقلیت های دینی نام برده است یکی در اصل ۱۳ که تنها اقلیت های دینی رسمی را سه دین یهودی مسیحی و زرتشتی ذکر می کند و دیگری در اصل ۶۷ که مربوط به سوگند خوردن نمایندگان در بدو انتخاب ونخستین جلسه مجلس شورای اسلامی است که بیان می دارد نمایندگان اقلیت های دینی با ذکر نام کتاب آسمانی خود ادای سوگند می کنند.

ماده واحده قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی کلیمی ومسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در رأی وحدت رویه ۳۷/ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور عینا به شرح ذیل به تصویب رسید:

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که به موجب ماده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاه ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاه ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و هم چنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمة در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند این رای برابر ماده ۳۴ قانون امور

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده با قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

گفتار اول: حقوق مشترک اقلیت و اکثریت

با ملاحظه در قانون اساسی این دید کلی را می‌توان بدست آورد که حقوق و آزادی‌های اساسی برای کلیه شهروندان و اتباع ایرانی در نظر گرفته شده و آنان در برخورداری از این حقوق بدون توجه به وابستگی قومی، نژادی، زبانی و حتی مذهبی مساوی‌اند. در بسیاری از اصول قانون اساسی عنوان ((هر کسی)) ((همه)) ((هر ایرانی)) و نظیر آن موضوع حکم قرار گرفته است. به غیر از بند ۸، ۱۴ و ۹ اصل سوم که قبلاً به آنها اشاره شد در اصل ۲۲ قانون اساسی آمده است ((حیثیت جان مال حقوق و مسکن و شغل اشخاص مصون از تعرض است مگر در مواردی که قانون تجویز کند به وضوح در این ماده حق زندگی و امنیت شخصی که موضوع ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر است و به کرات در دیگر اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به آنها تأکید شده مورد توجه قرار گرفته است. طبق اصل ۲۸ نیز هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوقی دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل ۲۹ برخورداری از تأمین اجتماعی را حقی همگانی می‌داند و دولت را مکلف می‌نماید خدمات و حمایت‌های مربوط به تأمین اجتماعی را برای یک فرد کشور تأمین نماید. طبق اصل ۳۰ دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد.

طبق اصل ۳۴ دادخواهی حق مسلم هر فرد ایرانی است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید حق دادخواهی که در ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است این حق را برای همه ی انسان‌ها صرف نظر از باورهای سیاسی و دینی و یا موقعیت اجتماعی آنان به رسمیت شناخته است.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

در اصل ۳۳ در مورد تبعید و اقامت اجباری صحبت به میان آمده است حق برخورداری از آزادی اندیشه و عقیده و مذهب را برای هر فرد به رسمیت شناخته است.

وفق اصل ۱۴ مقرر می دارد: ((... دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف اند با افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.

وفق اصل ۲۶: احزاب، جمعیت ها انجمن های سیاسی و صنفی، انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند مشروط بر اینکه اصول استقلال آزادی وحدت ملی موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت)) آزادی اجتماعات و تظاهرات یکی از مظاهر دموکراسی است که مردم می توانند با مشارکت عملی و حضور مستقیم در صحنه حرف خود را بدون واسطه به گوش زمامداران برسانند. گاهی ممکن است در تحقق حقوق و آزادی های عمومی افراد جامعه اخلاص یا کاستی ای ایجاد شود و مردم در تنگنا قرار گیرند، ائتلاف همگانی در جهت دفاع از منافع و تحقق خواسته هایشان به آنها اجازه می دهد تا هیئت حاکمه و افکار عمومی را متوجه نیازهایشان شوند این حق به عنوان یکی از حقوق مربوط به آزادی های عمومی در اسناد بین المللی و در شرع و قانون اسلامی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده است. تشکیل اجتماعات و راهپیمایی از آزادی های مشروعی به شمار می رود که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده و با توجه به ذیل اصل نهم قانون اساسی غیر قابل سلب است اما این اجتماعات و تظاهرات با توجه اوضاع و احوال حاکم ممکن است حالت اعتراضی داشته باشد و موجب اختلال در نظم عمومی شود به همین جهت لزوم مسالمت آمیز بودن این اجتماعات به وضوح درک می شود. اجتماع مسالمت آمیز یعنی اعتراض کنندگان بدون اعمال خشونت و ایجاد بی نظمی مراتب را اعلام کند و خواسته های خود را به حاکمان برسانند. نکته بعدی این که قانونگذار در رابطه با برگزاری این تجمعات به آن توجه کرده

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

بحث عدم اخلاص به مبانی اسلام، همان طور که پیش تر گفتیم این اجتماعات بر محور یک عقیده و تفکر مشترک گرد هم می آیند و ممکن است القائات آنها تأثیرات منفی برعلاق و افکار عمومی وارد آورد به همین دلیل قانون اساسی در اصل ۲۷ با عنایت به اصل دوم که نظام جمهوری اسلامی را بر پایه ی ایمان بر اصول دین و مذهب استوار است اخلاص به این موارد را تعرض به نظامی میدانند که اکثریت مردم طبق اصل اول قانون اساسی آن را تأسیس کرده اند اگرچه قانونگذار در اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی تصریح به ازادی احزاب جمعیت ها انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی و اقلیت... نموده است اما با ذکر موازین اسلامی در اصل ۲۶ ازادی انجمن ها و مجامع مقید به قیودی مبهم و نامشخص شده است زیرا همان گونه که گفته شد هیچ تعریف مشخصی از موازین اسلامی و مبانی اسلام در قانون به عمل نیامده است.

نکته حائز اهمیت دیگر در رابطه با اصل ۱۱۵ قانون اساسی است در اصل ۱۱۵ آمده رئیس جمهور باید مومن و معتقد به... مذهب رسمی کشور می باشد و طبق آنچه که در اصل دوازدهم آمده است دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است. در این صورت اقلیت های مذهبی و حتی پیروان مذاهب دیگر اسلامی نمی توانند در ایران رئیس جمهور شوند. اصل ۱۵۷ و ۱۵۶ آمده است به منظور انجام مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرائی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت ۵ سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالی ترین مقام قوه قضائیه است.

پیش بینی شرایط مهم عالی و اخلاقی تجربی و تدبیری برای تصدی ریاست قوه قضائیه نشان دهنده وظیفه و موقعیتی است که این مقام دارا می باشد باید دارای شایستگی های گوناگونی باشد زیرا سهمی از حاکمیت ملی را اعمال می کند (طبق اصل پنجم قانون اساسی یکی از قوای حاکم قوه قضائیه است / اصل ۵۷) یکی از این شرایط تابعیت اصلی می باشد که برای این مقام همانند دیگر مقامات عالی همچون رئیس جمهور ضرورتی اجتناب ناپذیر است زیرا همان طور که در ماده ۹۸۲ ق. م آمده است اشخاصی که تحصیل تابعیت

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

نمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می شوند اما نمی تواند به مقاماتی... ریاست قوه مجریه - ریاست قوه قضائیه... نائل آیند.

داشتن تابعیت غیر ایرانی و یا تابعیت اکتسابی علاوه بر مخالفت با قانون مخالف مصالح ملی نیز به نظر میرسد. اما آنچه که در نهایت بر جا می ماند تبعیضی است میان کسانی که تابعیت اصلی ایران را دارند به افرادی که تابعیت غیر ایرانی یا تابعیت اکتسابی دارند.

شایان ذکر است باتوجه به این که در اصل سیزدهم اقلیت های زرتشتی کلیمی و مسیحی به رسمیت شناخته شده اند اما از سایر ادیان سخنی به میان نیامده است این سکوت قانونگذار خود می تواند زمینه ساز بروز تبعیض شود هر چند طبق اصل ۱۴ همان طور که گفته شد دولت موظف است به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند.

در عین حال باید متذکر شد که دشواری هایی در تحقق و اجرای کامل این دیدگاه از قانون اساسی وجود دارد زیرا نحوه ی انشاء اصل ۱۹ قانون اساسی می گوید مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود و کلمه ی مذهب را به صراحت در کنار رنگ نژاد و زبان ذکر نکرده است ممکن است این شبهه را ایجاد کند که مذهب می تواند سبب امتیاز باشد و تفاوت در مذهب منابع برخورداری از حقوق مساوی گردد.

آزادی انسان و برابری همه ابناء بشر موضوع مواد ۲۱ و ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.. قانونگذار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است که اصل آزادی انسان ها و برابری آنان را در مقابل قانون با جرح و تعدیل های مورد تأکید قرار گرفته است. هر چند اضافه کردن قیود یا ذکر پاره ای از مصادیق می تواند زمینه عدم شفافیت در اصول مذکور را فراهم کند.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

گفتار دوم: تبعیض جنسیتی در قانون اساسی

تبعیض جنسیتی روا (اصل انصاف)

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یا بنده‌ی انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است، زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت (شی بودن و یا) ابزار کاربودن) در خدمت مصرف زدگی و استثمار خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرجاد مادی در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات باشند و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیر تر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

مطابق با اصل بیستم قانون اساسی همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی اقتصادی اجتماعی فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند به این ترتیب اصول قانون اساسی مردان و زنان را به طور مشترک و یکسان مدنظر قرار داده و اصل بیستم هم بر همین موضوع تأکید می‌کند در اصل ۲۱ توجه ویژه‌ای به مسأله‌ی زنان شده است ((دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد.

- ۱- ایجاد زمینه‌های مناسب برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ۲-
- حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست ۳-
- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده ۴-

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

بیگانگان و زنان سالخورده و بی سرپرست ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

این اصل حاکی از نگاه جانبدارانه قانون اساسی نسبت به مسأله زنان و حساسیت خاص به حقوق آنهاست (تبعیض مثبت) با نگاهی به اصول این حقوق مشاهده می شود که سه بند این اصل (۳، ۵، ۲) با اشاره به نقش های مادری و همسری زن سعی داشته است با حمایت ویژه از زنان در کانون خانواده از امکان تضییع حق ایشان در خانواده جلوگیری به عمل آورد. اما در دو بند دیگر از اصول فوق ۴۱ و ۴۰، اساساً زن در خارج از جایگاه خانواده قرارداده و دولت را موظف نموده تا به حمایت ویژه از زنان فارغ از نقش همسری یا مادری بپردازد.

مبحث دوم: تبعیض جنسیتی ناروا

در جمهوری اسلامی ایران قانون اساسی مانند بقیه ی کشورهای جهان شرایطی را برای نامزدی های انتخاباتی مقرر می دارد. در این ماده با توجه به نقش و اهمیت ویژه رئیس جمهور در سرنوشت کشور و اختیارات گسترده و وظایف سنگین آن شرایط ریاست جمهوری در خود قانون اساسی ایران ذکر شده است در این خصوص اصل ۱۱۵ مقرر می دارد: رئیس جمهور باید از میان رجال سیاسی و مذهبی که واجد شرایط زیر می باشد انتخاب گردد. ایرانی الاصل تابع ایرانی مدیر مدبر دارای حسن سابقه و امانت و تقوی مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور شرایط مذکور نیز در ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری نیز آمده است.

ابهامی که در این ماده وجود دارد واژه رجال است در ادبیات عرب برای شناسایی معنای حقیقی و مجازی علامت هایی وجود دارد که یکی از آنها تبادر است. تبادر در صورتی که معنی بودن قرینه از لفظ به ذهن برسد حقیقت و در صورتی که با قرینه به ذهن برسد مجاز است در مورد رجال اولین معنی که بدون قرینه به ذهن تبادر می شود مردان است بنابراین در مواردی که در اراده معنی حقیقی و مجاز تردید داشته باشیم اصل این است که معنی حقیقی منظور است و اگر کسی در مورد معنی کلمه رجال تردید داشته باشد باید آن را بر

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

مردان حمل‌کند. در روایات و قرآن هم مواردی مشاهده شد که براین امر صحنه می‌گذارد آن‌جا که مدیریت خانواده را از آن مرد می‌داند و آن را یک وظیفه‌ی اجتماعی و نه یک امتیاز برای مردان تلقی می‌کند ((الرجال علی النساء)) رجال در این آیه به معنای مطلق مردان آمده است. از طرفی جامعه زنان سخنانی را ایراد کرده اند در باب ریاست جمهوری، افرادی چون عفت شریعتی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم و نیز اخوان. دیدگاه این دو نماینده این است اگر چه رجل کلمه‌ای است عربی اما هر فردی که دارای ویژگی‌های شاخص اصلی (از جمله سیاسی و مذهبی بودن) باشد می‌تواند نماینده شود این در حالی است که سخنگوی شورای نگهبان عباسعلی کدخدایی اعلام کرد کاندیدا شدن زنان در انتخابات ریاست جمهوری معنی ندارد و شورای نگهبان هیچ‌گاه واژه رجل سیاسی را در قانون اساسی تفسیر نکرده است این اصطلاح ممکن است صرف نظر از جنسیت (زن یا مرد) معنای اعتباری شخصیت‌های سیاسی و مذهبی را تبادر به ذهن سازد اما از نظر لغوی رجال به معنای مردان در مقابل نساء به معنای زنان حکایت از آن دارد که داوطلبان ریاست جمهوری حتما باید از میان مردان باشد در پیش نویس قانون اساسی اشاره‌ای به شرط جنسیت نشده بود (اصل هفتاد و ششم پیش نویس قانون اساسی اشاره‌ای به شرط جنسیت نشده بود) (اصل هفتاد و ششم پیش نویس قانون اساسی: رئیس‌جمهور باید مسلمان و ایرانی‌الاصل و تابع ایران باشد) اما در گروه بررسی اصول شرط مرد بودن به آن اضافه گردید (اصل ۱۱۵ گروه بررسی قانون اساسی: رئیس‌جمهور باید ایرانی‌الاصل - تابع ایران - دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن - مرد و دارای حسن سابقه و امانت و تقوا باشد) در مذاکرات خبرگان قانون اساسی مسئله از دو دیدگاه بررسی شد ۱- قید مرد بودن ضرورتی ندارد ۲- در فقه اسلامی مساله ولایت مخصوص مردهاست از طرف دیگر ریاست‌جمهور حفظ امر وکالت نیست بلکه عین حکومت و از امورمربوط به ولایت و از مسلمات فقه اسلامی به شمار می‌رود بنابراین زنان به هیچ وجه حق حکومت ندارند از سوی دیگر طبق اصل ۹۸ قانون اساسی: تفسیر قانون اساسی برعهده‌ی شورای نگهبان است که با تصویب

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

سه چهارم آنان انجام می شود اخیراً طبق نظر شورای نگهبان زن نیز میتواند ریاست جمهوری را بر عهده بگیرد.^۱

نکته قابل توجه دیگر در ماده ۱۵۷ ((مجتهد عادل است)) منظور از مجتهد عادل چه کسانی است؟ زنان یا مردان؟

زن و مرد در زمینه کسب کمالات و ارزش ها مشترک هستند. اصل مجتهد و پرورش کمال عالی علمی است که در آن زمینه زنان هم چون مردان می توانند با رعایت حدود اسلامی به تحصیل علم بپردازند و به مراتب عالیه علم برسند و هیچ محدودیت و منعی وجود ندارد. بر اساس دین اسلام زن از جهت کمالات هم ردیف مرد است و تنها شرافت هر انسانی را به ایمان و عمل صالح او می داند.

ایمان عدالت تعهد عملی به موازین اسلامی وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، طهارت تابعیت ایران عدم اعتیاد مواد مخدر و دارا بودن اجتهاد یا احراز قضا از سوی شورای عالی قضایی. در این قانون مرد بودن نیز از جمله شرایط لازم برای قضاوت ذکر شده و به این صورت بیان شده است (قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می شوند...) بنابراین به موجب این قانون اگر زنی واجد همه شرایط مندرج در قانون باشد نمی تواند قاضی شود قانونگذار شرط مرد بودن برای قضات را باتوجه به نظر شهود و یا شاید بتوان گفت نظر اجماعی فقهای شیعه که زن نمی تواند عهده دار منصب قضا شود و به حکم اصل ۱۶۳ قانون اساسی فوق الذکر می بایست شرایط قضات طبق موازین فقهی تعیین شود.

در قانون انتخاب قضات سال ۱۳۶۱ که تصویب شد مرد بودن شرط قضاوت به حساب می آید و چون طبق تبصره ۱ همان قانون این شرط شامل حال قضات شاغل می شود نتیجتاً قضات زن سمت قضایی دارند و در سمت های مشاوره ای انجام وظیفه می کنند در این تبصره آمده است ((بانوان دارندگان پایه قضایی واجد شرایط مذکور می توانند در دادگاه

^۱ سپهری، شیوا، ((مقاله قانون اساسی و انتخابات))، ۹۱/۹/۸ مندرج در سایت www.donyaye

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

های مدنی خاص و اداره سرپرست صغار به عنوان مشاور خدمت نمایند و پایه قضایی داشته باشند)) طی ماده واحده قانونی که در سال ۱۳۷۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و تبصره ۵ الحاقی به قانون شرایط انتخاب قضات مصوب سال ۱۳۶۳ ظاهراً در جهت گسترش میدان کار زنان در دستگاه قضایی به شکل زیر اصلاح شد: ((رئیس قوه قضائیه می تواند بانوانی را هم که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۶۱/۱۲/۱۴ می باشند با پایه قضایی جهت تصدی پست های مشاورت دیوان عدالت اداری دادگاه های مدنی خاص قاضی تحقیق و دفاتر مطالعه حقوقی و تدوین قوانین دادگستری و اداره سرپرستی صغار و مستشاری اداره حقوقی و سایر اداراتی که دارای پست قضائی هستند استخدام نماید)) با توجه به آنچه که ذکر شد می بینیم که باز هم زنان از تصدی قضاوت به معنای خاص آن و حکم دادن محروم اند.

در قانون اختصاصی تعدادی از دادگاه های موجود به دادگاه های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی ((دادگاه خانواده)) مصوب مرداد ۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی اندک پیشرفتی از لحاظ کیفی در کار قضایی خانم ها دیده می شود که تا سطح دایاری و مستشاری به انها اجازه داده شده است.

امروزه در بسیاری از کشورهای جهان زنان نیز همپای مردان به مشاغل قضایی اشتغال دارند و مناسب مختلف قضایی را احراز می کنند و ریاست و تصدی محاکم مختلف و محاکمه و صدور حکم را به عهده دارند. در بسیاری از اسناد حقوق بشری قضاوت به عنوان یک حق مدنی و سیاسی مطرح است که زنان نیز باید بتوانند همانند مردان از آن برخوردار باشند و مقتضای برخورداری از تساوی حقوق و عدم تبعیض بر اساس جنس که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان... این است که آنان از دست یابی به مشاغل محروم نباشند.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

مبحث سوم: حقوق کودک در قانون اساسی

گفتار اول: حقوق کلی

ایراد اصلی قانون اساسی و حتی معاهدات بین المللی در این است که در خصوص حقوق کودک ساکت است. بغیر از کنوانسیون حقوق کودک که بطور تخصصی به این امر پرداخته است، و آنها حقوق کودک را نیز در قالب بزرگسالان بررسی نموده اند.

طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد شالوده آزادی، عدالت و صلح جهانی همانا به رسمیت شناختن منزلت ذاتی و حقوق مساوی و غیر قابل انکار همه ی اعضای خانواده بشری است. با در نظر داشتن این که مردم ملل متحد اعتماد خود به حقوق اساسی بشر ومنزلت اجتماعی انسان در منشور سازمان ملل متحد مورد تایید قرار داده اند و عزم راسخ دارند تا رشد اجتماعی و سطح زندگی بهتر توأم با آزادی گسترده تر را ترویج کنند با اذعان به این که سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر ودر میثاق های بین المللی مربوط به حقوق بشر اعلام موافقت کرده اند که همگان بدون هر گونه تبعیض از نظر نژاد رنگ جنسیت زبان مذهب عقاید سیاسی و دیگر عقاید منشاء ملی یا اجتماعی دارایی تولد یا سایر خصوصیات سزاوار تمامی حقوق بشر اعلام کرده است. که این شامل همه افراد جامعه می شود و کودکان نیز مستثنی نشده اند قانون اساسی ایران بر خلاف حقوق زن که اصل مشخصی را به حمایت از آن قرار داده است (اصل ۲۱) در مورد حمایت از کودک ساکت است. با وجود این عمومیت برخی از قوانین اساسی شامل کودک نیز می شود.

تطبیق قانون اساسی با کنوانسیون

در اصول ۱۲ و ۱۳ تنها مذهب اسلامی شناخته شده (حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، زیدی) و تنها اقلیت های دینی شناخته شده (زرتشتی، کلیمی، مسیحی) نام برده شده اند و در مورد حدود قانون مجاز به انجام مراسم دینی خود بوده و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی آزادی نداشته شده اند که طبق آیین خود عمل کنند.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

اگر مفهوم مخالف این دو اصل آن باشد که سایر مذاهب اسلامی و نیز سایر اقلیت‌های دینی که در قانون اساسی نام از آنها برده نشده‌اند در انجام مراسم دینی خود آزاد نیستند این اصل حقوق کودکان اقلیت‌ها که در ماده ۳۰ کنوانسیون به آنها تصریح شده (حق برخورداری از فرهنگ خود و تعلیم و اعمال مذهب خود با زبان خود) به رسمیت نمی‌شناسد و با آن ماده تعارض دارد.

وفق اصل ۱۵: در این اصل حق اقلیت‌های قومی و محلی در استفاده از زبان محلی خود در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس آنها در مدارس البته در کنار زبان فارسی به رسمیت شناخته شده است.

باتوجه به این تصریح قانون اساسی می‌توان کودکان اقلیت‌ها البته اقلیت‌های شناخته شده قانون اساسی را برخوردار از حق مندرج در ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک در یا دیگری زبان خود دانست.

وفق اصل ۲۱: در بند دوم این اصل دولت موظف شده که مادران در دوران بارداری و حضانت فرزند حمایت کرده و نیز حامی کودکان بی سرپرست باشد.

در این جا هم قانونگذار طبق مواد کنوانسیون بین‌المللی کودک به سرپرستی و حمایت از کودک توجه ویژه مبذول داشته است.

وفق اصل ۲۴: در این اصل به صورت کلی و عمومی یک یک افراد کشور حتی برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بی سرپرستی... حوادث... نیاز به خدمات بهداشتی به صورت بیمه اعطا شده است.

به نظر می‌رسد اطلاق یک یک افراد کشور در این اصل کودکان را نیز شامل می‌شود در این صورت می‌توان گفت حتی برخورداری از تامین اجتماعی مندرج در ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق کودک به رسمیت شناخته شده است.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

وفق اصل ۳۰: در این اصل دولت موظف شده است وسایل آموزشی و پرورش را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفائی کشور گسترش دهد. اصل مذکور با بند الف ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک هماهنگ است.

وفق اصل ۴۵: در این اصل طرفین دعوا واجد این حق شناخته شده اند که در همه دادگاه ها برای خود وکیل انتخاب کنند باتوجه به این که اطلاق این اصل (طرفین دعوا) شامل کودکان نیز می شود می توان گفت که حکم آن با حقوق مندرج در بند ماده ۳۷ کنوانسیون هماهنگ دانست.

وفق اصل ۳۸: در این اصل مطلق شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع منع شده است که این حکم با بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون و نیز بند ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون هماهنگی دارد. وفق اصل ۴۱: طبق این اصل، تابعیت کشور ایران از مقولات اصلی هویت بشمار می رود می توان اصل مذکور را با بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون حقوق کودک هماهنگ دانست.

قوانین عادی

گفتار اول: تبعیض جنسی در قانون مدنی

اولین مساله در زمینه تبعیض در قانون مدنی می توان به ارث اشاره کرد در بسیاری از موارد شاهد آن هستیم که طبق قانون مدنی میزان سهم الارث زن نسبت به مرد کمتر است. در دین مبین اسلام این مساله چنین عنوان می شود که موضوع نصف شدن ارث زنان در برخی موارد به معنای ناقص بودن یا نصف بودن شخصیت و ارزش زنان نیست که برخی به غلط آن را عنوان می کنند در دین اسلام شخصیت زن برابر با مردان بوده و رسیدن به درجات کمال انسانی هیچ تفاوتی بین این دو جنس قرار داده نشده که آیات قرآن و احکام دین به خوبی گویای آن هستند.

قانون ارث موضوع مالی و اقتصادی است که در اسلام بر پایه عدالت بنیان شده و در آن مسئولیت های اجتماعی و خانوادگی هریک از زن و مرد رعایت شده است اگر در درون نظام

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

حقوق اسلام به ارث نگاه شود سهم زنان که هیچ مسئولیت اقتصادی بر دوش ندارند کاملاً منصفانه و ضامن کرامت و عزت نفس زن مسلمان است.

اسلام احکام ارث را بر اساس جنسیت مرد یا زن بودن وضع نکرده بلکه بر اساس مسئولیت مالی و موقعیتی است که این دو در خانواده تقسیم و باوظایف و مسئولیت هایشان سازگار و عادلانه است.

نصف شدن ارث زن نسبت به مردان در برخی موارد با توجه به مسئولیت های اقتصادی در خانواده ها و جامعه مانند دادن نفقه مهریه و دیه عاقله و شرکت در جهاد و پرداخت حقوق واجب اجتماعی که بر عهده مردان نهاده شده تنظیم شده است و دین اسلام برای ایجاد تعادل میان مسئولیت و حق این احکام را وضع نموده است.

به مجرد انعقاد پیمان زناشویی زن دارای حق ارث در اموال شوهر به میزان معین است طبق ماده ۹۴۰ ق م ((زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می برند)) و هرگاه پیمان زناشویی گسسته شود در طلاق رجعی، تا پایان زمان عده، حق ارث ثابت است (ماده ۹۴۳ ق. م) و اگر طلاق در زمان بیماری که به مرگ انجامیده واقع شود تا یکسال حق ارث باقی است در صورت نبودن هیچ وارث دیگری به غیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفا خود را می برد ولیکن زن فقط نصیب خود را می برد و بقیه ترکه شوهر در حکم اموال اشخاص بلاوارث است. و هم چنین طبق ماده ۹۵ اگر از وراثت فقط زوج باشد زائد بر فرضیه به وی داده می شود اما اگر زوجه باشد زائد بر فرضیه به وی رد داده نمی شود.

هرگاه دختر تنها فرزند خانواده باشد تمامی ترکه به او می رسد و اگر فرزندان همگی دختر باشند اموال به صورت مساوی بین آنان تقسیم می گردد ولی اگر متفاوت باشند پسر دو برابر ارث می برد (ماده ۹۰۷) البته این حکم مخصوص فرزندان است که بی واسطه از میت متولد شده اند و اما فرزندان با واسطه حکمشان حکم کسی است که به وسیله او به میت متصل می گردد بنابراین پسر زادگانی که دختر باشند دو سهم می برند و دختر زادگان هر چند

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

پسر باشند یک سهم دارند. ماده ۹۱۵ بیان میدارد انگشتی که میت معمولاً استعمال می کرده و هم چنین قرآن وسایل شخصی و شمشیر او به پسر بزرگ او می رسد بدون این که از حصه چیزی کسر شود مشروط بر این که ترکه میت منحصر به این اموال نباشد. در اینجا قانونگذار نه تنها میان فرزندان دختر و پسر فرق قائل شده بلکه میان فرزندان پسر نیز تمایز قائل است.

هم چنین در ماده ۹۳۹ ق. م آمده است ((در تمام موارد مذکور در این مبحث و دو مبحث قبل اگر وراثت خنثی بوده و از جمله وراثتی باشند که از ذکور آنها دو برابر اناث می برند سهم الارث او به طریق ذیل معین می شود: اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم الارث یک پسر از طبقه خود و اگر علائم انائیت غلبه داشته باشد سهم الارث یک دختر از طبقه خود را می برد و اگر هیچ یک از علائم غالب نباشد نصف مجموع سهم الارث یک پسر و یک دختر از طبقه ی خود را می برد.

هر گاه برای متوفی وارث دیگری جز پدر یا مادر نباشد تمام ارث از آن اوست (ماده ۹۰۶ ق. م) و هر گاه پدر و مادر با فرزند جمع باشند برای هریک از پدر و مادر یک ششم است و اگر حاجبی برای مادر نباشد و پدر و مادر با هم باشند یک سوم اموال را مادر به ارث می برد (ماده ۹۰۸ ق. م)

در این مورد سهم مادر نه تنها کمتر از سهم پدر نیست بلکه گاهی از سهم پدر بیشتر است و شاید به این دلیل است که مادر نسبت به پدر بیشتر با فرزندش تماس و برخورد دارد و علاوه بر آن مادر در حمل، حضانت و پرورش فرزند رنج بیشتری را تحمل می کند.

اگر متوفی خواهری تنها دارد همه اموال از آن خواهر است (ماده ۹۱۷ ق. م) و اگر متوفی تنها منسوبین از طریق مادر دارد، بین آنها بالسویه تقسیم می گردد (ماده ۹۱۹ ق. م) و اگر منسوبین ابوینی یا پدری داشته باشد ارث مرد دوبرابر است (ماده ۹۰۲ ق. م) و اگر تنها برادر زادگان و خواهر زادگان دختر باشند دختران بیش از پسران ارث می برند (ماده ۹۲۲ ق. م)

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

قانونگذار از احکام ارث را تنها بر اساس مرد یا زن بودن وضع نکرده بلکه بر اساس مسئولیت مالی و موقعیتی است که این دو در خانواده دارند و ملاحظه مسئولیت‌ها و تکالیفی است که بر دوش آنان نهاده شده است و لذا در پاره‌ای از موارد زن بیشتر از مرد، ارث می‌برد. اما با توجه به اوضاع و احوال کنونی جامعه و در روزگاری که زنان هم پای مردان در جامعه حضور دارند و فعالیت اقتصادی و اجتماعی... دارند و چه بسا تامین هزینه‌های زندگی را بر دوش می‌کشند وجود چنین تبعیضی دیگر قابل اغماض نیست.

مسئله دوم در باب مسئله ازدواج و طلاق است. پیوند زناشویی در اسلام همانند دیگر قراردادها نیست و صرفاً در بردارنده حقوق مادی نیست بلکه پیوندی مقدس است که برای آرامش روح و جسم بشر لازم و ضروری است و در قرآن کریم و احادیث بسیاری به آن فرمان داده شده است.

طبق ماده ۱۰۳۴ ق.م.هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری نمود این بدان معنی است که حق خواستگاری متعلق به مردان است وزن نمی‌تواند خواستگاری کند. هم چنین طبق ماده ۱۰۴۳ نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری است و دختر بدون اذن پدر و یا جد پدری نمی‌تواند ازدواج کند. و حتی طبق ماده ۱۰۶۰ زن ایران با تبعه خارجی بدون اجازه‌ی دولت نمی‌تواند ازدواج کند که در مورد این مسئله در مبحث حقوق اقلیت‌ها در قانون مدنی پرداخته می‌شود.

اما در ماده ۱۰۸۰ قانونگذار قائل به نوعی از تبعیض مثبت گردیده است و به زوجه حق حبس می‌دهد. و حتی در ماده ۱۰۹۱ به صراحت بیان می‌دارد که مهر المثل باید در شأن زن باشد و شأنیت زن حفظ گردد و این مسئله را در ماده ۱۱۰۷ در مورد نفقه زوجه مدنظر قرارداده است و نفقه زن را بر عهده شوهر قرار داده است (۱۱۰۶ ق.م). قانونگذار ریاست خانواده را به شوهر داده است و زن نیز باید در منزل شوهر زندگی کند اختیار تعیین محل سکونت به مرد داده شده است. و حتی شوهر می‌تواند زن را از حرفه‌ای که منافع مصالح خانواده باشد منع کند. و هم چنین حق طلاق را به مرد داده است.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

واژه طلاق در پارسی به معنای بیزاری و جدایی کامل است و در اصطلاح حقوقی نیز طلاق عبارت است از ایقاعی تشریفاتی که به موجب آن مرد به اذن خود یا حکم دادگاه زنی را که در قید زناشویی اوست، رها می سازد.

مرد می تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق همسرش را بنماید. امازن تنها طبق مواد ۱۱۱۹/۱۱۲۹/۱۱۳۰ این قانون می تواند از دادگاه تقاضای طلاق نماید. طلاق باید به صیغه ی طلاق و در حضور لااقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد. وحتی طبق ماده ۱۱۳۷ ق. م ولی مجنون دائمی می تواند در صورت مصلحت مولی علیه زن او را طلاق دهد.

مطلب دیگر در مورد حق حضانت است. حضانت به معنای حفظ و صیانت و حمایت است قانونگذار طبق ماده ۱۱۶۹ ق. م برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوبین او جدا از یکدیگر زندگی میکنند مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. وبعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه است.

ماده ۱۱۸۱ ((هریک از پدر وجد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند)) مادر ولایت قهری ندارد تنها می تواند حضانت داشته باشد.

مسئله مهم دیگر در باب تغییر تابعیت زن بر اثر ازدواج است اصل وحدت تابعیت زوجین از جمله اصولی است که در قوانین بسیاری از کشورها مورد قبول قرار گرفته است اگر ازدواج را یکی از روابط دو جانبه اتباع دو کشور در نظر بگیریم در عمل امکان اجرای دو قانون ملی در روابط خانوادگی و زناشویی زوجین عملاً آثار ازدواج در روابط زن وشوهر دارای دو تابعیت متفاوت باید بر اساس یک قانون ملی تنظیم شود و در بهترین حالت زن باید تابعیت شوهر خود را کسب کند از این نظر برای ایجاد وحدت تابعیت شوهر را می پذیرد مگر آن که تابعیت شوهر به وی تحمیل نشود و وی مخیردر حفظ تابعیت اصلی و یا اخذ تابعیت شوهر باشد به هر حال چنین تغییری تابعیتی بر اساس اراده طرفین شکل نمیگیرد بلکه بر اساس

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

یک ضرورت اجتماعی، قانونگذار جهت تحکیم اصل وحدت خانواده و به ویژه وحدت تابعیت در کانون خانواده آن را مورد قبول قرار داده است به نظر می‌رسد که اصل وحدت تابعیت زوجین که یکی از عوامل تحکیم خانواده به شمار می‌رود امری پذیرفته شده است. با توجه به آنچه ذکر گردید. قانونگذار ایرانی در قانون مدنی تغییر تابعیت زن بر اثر ازدواج را به رسمیت شناخته است لیکن بر اساس ازدواج زن تبعه ایران با مرد خارجی و بالعکس و در جهت رعایت حقوق شهروندان ایرانی روش‌های متفاوتی را اتخاذ نموده است.

گفتار دوم: اقلیت‌ها در قانون مدنی

الف: اقلیت دینی

حقیقت امر این است که اقلیت‌ها در طول تاریخ اولین قربانیان مخاصمات و منازعات میان کشورها بوده‌اند اولین گام‌ها در تدوین حقوق اقلیت‌ها با انعقاد معاهدات دو یا چند جانبه برداشته شد. اولین بحث جدی بین‌المللی را در مورد حقوق اقلیت‌ها پس از جنگ جهانی اول جامعه ملل انجام داد که در واقع حمایت جدی از حقوق اقلیت‌ها را باید مرهون تلاش‌ها و بحث‌های طولانی آن نهاد دانست حق حیات حق هویت ایمان و عمل به مذهب و تعلیم و تربیت مذهبی اقلیت‌ها مورد توجه قرار گرفت.

در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران حقوقی برای اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است.

ماده ۵ ق. م مقرر می‌دارد: ((کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد))

یکی از استثنائاتی که در دین از آن یاد شده در تاریخ ۱۳۲۱/۴/۳۱ طی ماده واحده ای تبلور یافته است این ماده واحده اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه معروف می‌باشد به شرح زیر است.

نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نماید. اصل

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

دوازدهم ق. م در توضیح احوال شخصیه از ((ازدواج و طلاق وارث و وصیت نام می برد و با این که قانونگذار ظاهراً در مقام احصاء بوده نامی از فسخ و نکاح و فرزند خواندگی و حجر اهلیت نبرده مگر اینکه بگوییم ذکر ازدواج و طلاق و... از باب مثال بوده نه همه موارد احوال شخصیه.

در قانون مدنی نیز ماده ۶ چنین مقرر داشته است: ((قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و اهلیت اشخاص وارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو این که مقیم در خارج باشند مجری خواهند بود.))

این ماده با کلمه از قبیل احصاء احوال شخصیه را حل کرده است ولی بلافاصله ماده ۷ مقرر می دارد: اتباع خارجه مقیم خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و هم چنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

واژه ایرانیان غیر شیعه و هم شامل اقلیت های دینی شمرده شده در اصل سیزدهم است و هم شامل اقلیت های مذهبی شمرده شده در اصل دوازدهم قانون اساسی رسمیت آیین نیز در ماده واحده ذکر شده است فقط شامل همان اقلیت های مذکور در اصل دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی است.

وجود قواعد و عادات مسلمة متداوله در ادیان و مذاهب غیر شیعه شرط اجرای قواعد آنان است به نظر می رسد که در مواردی که عادات اختلافی بین پیروان یک اقلیت وجود داشته باشد به مورد مشهور باید عمل شود چون کمتر موردی را می توان یافت که در مورد آن اختلافی در کار نباشد.

ماده ۸۶۱ ق. م موجبات ارث را منحصر در نسب و سبب می داند این قاعده در بین تمامی آیین های چهارگانه مشترک است اما با اندکی تفاوت. در تعریف نسبی گفته اند: نسب عبارت است از رابطه ی خویشاوندی خونی بین دو شخص که از تولد انسان دیگر به وجود می آید. و در تعریف سبب نیز گفته اند: ((سبب عبارت از رابطه ای است که بین دو شخص

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

که از قرارداد یا قانون منشاء می‌گیرد.^۱ با توجه به تعریفی که نسب و سبب نمودیم فرزندان خواندگی جز اسباب ارث شمرده می‌شود که اسلام آن را نپذیرفته است گرچه قبل از اسلام به عنوان ارث شمرده می‌شده است.

قرآن کریم در ۸۳ آیه فرزندان خواندگی را نفی نموده است.

(۱) سوره ی احزاب آیه ۴ / ۲) سوره احزاب آیه ۵ / ۳) سوره احزاب آیه ۳۷.

در بین اقلیت‌های دینی زرتشتی فرزندان خواندگی را قانوناً پذیرفته و مواد ۴۷ تا ۵۰ آیین‌نامه زرتشتیان به فرزندان خواندگی اختصاص یافته است.

مسئله دوم در مورد طبقات ارث می‌باشد.

ماده ۸۲۶ طبقات وارث را ۳ طبقه می‌شمارد که عبارتند از:

طبقه اول پدر مادر و اولاد و اولاد اولاد.

طبقه دوم اجداد برادر خواهر و اولاد آنها.

طبقه سوم اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.

همین طبقه بندی در بین اقلیت‌ها نیز دیده می‌شود با این تفاوت که به جای ۳ طبقه در آیین زرتشتی و چهار طبقه و در آیین کلیمی پنج طبقه به چشم می‌خورد.

هر چند در طبقات ارث، فرزندان در هر چهار آیین در طبقه اول وراثت قرار می‌گیرند ولی در آیین کلیمی پسر نخست زاده که در اصطلاح عربی (نجور) نامیده می‌شود دو برابر دیگر برادران خود ارث می‌برد از بررسی این مطالب چنین بدست می‌آید که تا زمانی که خویشاوند نزدیک تر هست نوبت به خویشاوند دور نمی‌رسد و هم چنین ممکن است یک نفر از طریق موجبات متعددی از دیگری ارث ببرد.^۲

^۱ شهیدی، مهدی، ارث، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴، صص ۱۷۰ و ۱۶۹

^۲ فهیمی، عزیزالله، بررسی تطبیقی ارث اقلیتهای دینی در حقوق اسلامی، انتشارات اشراق، ۱۳۸۱، ص ۱۸۰

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

ماده ۸۶۶ ((در صورت نبودن وراث، امر ترکه متوفی راجع به حاکم است)) در مقایسه این ماده با مقرراتی که در آیین های ۳ گانه وجود دارد زرتشتیان ترکه بلاوارث به فرزند خوانده ای که بعد از فوت وراث تعیین می شود متعلق می گردد. در آیین کلیمیان طبق حکم دینی چنین ترکه ای در مصارف عمومی خرج می شود و در آیین مسیحیت طبق حکم مرجع دینی برای امور خیریه و عام المنفعه صرف خواهد شد.

ماده ۹۰۷ قانون مدنی ((اگر متوفی ابوين نداشته باشد ویک یا چند نفر اولاد داشته باشد ترکه به طریق ذیل تقسیم می شود:

اگر فرزند منحصر به یکی باشد خواه پسر خواه دختر تمام ترکه به او می رسد.

اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر یا تمام دختر، ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می شود.

اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دوبرابر دختر می برد.

در آیین زرتشتی: اگر متوفی مرد باشد سهم ذکور دو برابر اناث است و اگر متوفی زن باشد سهم ذکور و اناث برابر بود.

آیین کلیمی: جایی که متوفی پسر و نوادگان پسری داشته باشد دختر یا دختران اگر ازدواج کرده و جهیزیه برده اند دیگر هیچ حقی به مادرک ندارند دختر یا دختران اگر ازدواج نکرده اند مادام که در خانه اند از ترکه حق نفقه دارند و موقع ازدواج هم فقط جهیزیه می گیرند جایی که متوفی پسر و نوادگان پسری نداشته باشد ترکه به دختر یا دختران خواهد رسید.

آیین مسیحیت در تمامی مقررات موضوعه استثنائات سهم پسر و دختر را از ترکه مساوی می دانند.

ماده ۸۸۱ ق. م مقرر می دارد: ((کافر از مسلم ارث نمی برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری، مسلم باشد وارث کافر ارث نمی برد اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند)). در این ماده قانونگذار موجبات تبعیض ناروا را میان مسلمان و غیر مسلمان فراهم

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

آورده است که این موضوع مستمسکی برای افراد سودجو قرار گرفته که بخواهد با توسل به آن احکام قضائی را به نفع خود تغییر دهند.

به طور مثال در پرونده‌های: خواهان: (ف. د) خواندگان (ک، ف، س. د)

اعتراض ثالث نسبت به دادنامه شماره ۱۹۱ مورخه ۶۷/۲/۱۵ (گواهی حصر وراثت) در پرونده کلاسه ۱۹۵۳/۶۶ صادره از شعبه ۸۳ دادگاه حقوقی ۲ تهران، نقض دادنامه معترض عنه و مالا صدور گواهی حصر وراثت به شرح متن

دلایل ۱- دادنامه شماره ۱۹۱ مورخه ۶۷/۲/۱۵، (گواهی حصر وراثت) ۲- عقد نامه شماره ۶۲۱ مورخه ۱۳۳۹/۹/۸ دفترخانه ۲۰ تهران، ۳- فتوکپی شناسنامه.

ریاست محترم شعبه ۲۳۲ خانواده تهران (جانشین شعبه ۸۳ دادگاه حقوقی ۲ تهران)

با سلام احتراماً به وکالت از طرف آقای ف د معروض می دارد:

مورث موکل مرحوم ج د در تاریخ ۶۶/۵/۲۷ به رحمت خدا رفته، حسب مندرجات سند رسمی ازدواج شماره ۶۲۱ مورخه ۱۳۳۹/۹/۸ تنظیمی در دفترخانه شماره ۲۰ تهران، نامبرده دین خود را به هنگام تنظیم سند رسمی ازدواج مذکور مسلمان اعلام نموده و با مادر موکل بنام ا ق به عقد زوجیت یکدیگر درآمده اند، و حاصل این ازدواج فرزندی بنام ف د که مسلمان بوده می باشد با عنایت به اینکه برادران پدری موکل به اسامی ۱- ک ۲- ف ۳- س (خواندگان) فرزندان مرحوم ج د و نیز خانم ن ج (همسر اول متوفی) مادر خواندگان که چند سال قبل به رحمت خدا رفته اند، دارای مذهب زرتشتی بوده و غیر مسلمان می باشند، نظر به اینکه بموجب ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی اصلاحی ۶۱/۱۰/۸ کافر از مسلمان ارث نمی برد و اگر در بین وراث متوفای کافر، مسلم باشد وراث کافر ارث نمی برند در مانحن فیه چون خواندگان وراث غیر مسلمان آن مرحوم بوده خواندگان از ارث محروم می باشند و وراث آن متوفی صرفاً آقای ف د (موکل) و مادرش ا ق می باشند از آنجا که دادنامه معترض عنه (گواهی حصر وراثت) برخلاف قوانین و مقررات اصدار یافته و حقوق موکل را

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

تضییع نموده است لذا نسبت به آن معترض، تقاضای رسیدگی و نقض دادنامه معترض عنه و مالا صدور گواهی حصر وراثت بشرح فوق الذکر را دارد.

با تقدیم احترام (ج. ز) وکیل آقای (ف. د)

بسمه تعالی

ریاست محترم شعبه ۲۳۲ خانواده

باسلام احترامابه استحضارمیرسانداینجانب **محمود عربلو** ضمن تقدیم یکبرگ وکالتنامه ملصق به تمبر قانونی و بوکالت از موکلین آقایان (ک)، (ف)، (س)همگی (د) در پرونده کلاسه ۸۹۰۵۶۱/۲۳۲ ضمن اعلام وکالت در دفاع از حقوق موکلین مواردی را به شرح ذیل معروض می دارد.

۱- احراز کفرو ایمان یکی از دشواریهای قضائی است و چون کافر در قانون ایران تعریف نشده است لذا اشخاص به دین نیاکان خود شهرت دارند (جواهرالکلام ج ۳۹ ص ۲۵- شیخ محمد حسن نجفی)، کفرو ایمان یک موضوع درونی است و ولی اخیرامستمسک افراد قرار گرفته تا بتوانند احکام قضائی را به نفع خود تغییر دهند، همانند موضوع مورد دعوی وراثی جهت تملک ترکه تیر کفر را به سینه برادران خود نشانه رفته است، ولی در این حالت است که اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت و ملت را موظف نموده نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند...

۲- اصل ۱۳ قانون اساسی بیان می دارد: ((ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت دین شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل کنند.)) و نیز وفق (نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۷۶ مورخ ۷۹/۲/۲۳) که بیان می دارد: مستندا به قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص نظام که حاکی است ((نظر به اصل ۱۳ قانون اساسی و اینکه

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

بموجب ماده واحده قانون رعایت احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۱۲ که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاهها تصریح شده، فلذا دادگاهها در مقام رسیدگی به امور مذکور ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمة در مذهب آنان بوده و باید احکام خود را برطبق آن صادر نمایند...)) چنانچه احدی از وراث متوفای غیر مسلمان، مسلمان باشد یا بعدا مسلمان شود، تقسیم ماترک وی فقط بر اساس قواعد مسلمة حین الفوت متوفی به عمل می آید و مقررات ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی در مورد متوفای مسلمان یا غیر مسلمان است که مشمول قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم نباشد.

۳- قانون رسیدگی به احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه مصوب سال ۱۳۷۲ مجمع تشخیص نظام که موخر التصویب بوده و ماده ۸۸۱ قانون مدنی که مصوب سال ۱۳۷۰ می باشد را در خصوص اقلیتهای دینی مصرح در اصل ۱۳ قانون اساسی نسخ نموده نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۹۸ مورخ ۷۶/۲/۳۱ که بیان می دارد: ((ماده ۸۸۱ ق م مصوب سال ۷۰ مجلس شورای اسلامی و قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام است، لذا در مورد مغایرت بایستی طبق مصوبه موخرالتاریخ مجمع تشخیص مصلحت نظام عمل شود.))

۴- رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مصوب سال ۱۳۶۳ نیز این مطلب را مورد تأیید و تأکید قرار میدهد و همینطور ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب سال ۱۳۱۲ نیز این مطلب را قبول داشته است یعنی ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی علاوه بر نسخ بوسیله قانون سال ۷۲ قبل از آن نیز در قانون اساسی در اصل ۱۳ نیز که یک قانون اساسی متمم می باشد مورد قبول بوده و ماده ۸۸۱ یک ماده متروک بوده است.

۵- وفق گواهی فوت اصداری از سوی انجمن زرتشتیان تهران، مرحوم ج د فرزند ش به شماره شناسنامه.... خورشیدی در تاریخ ۱۳۶۶/۵/۲۷ خورشیدی به رحمت ایزدی پیوسته و در آرامگاه زرتشتیان دفن و به شماره ۲۴۲۲ در دفتر متوفیات این انجمن به ثبت رسیده است و آگهی ترحیم و عکس از مزار آن مرحوم موید این مدعاست و نیز وفق نظریه مشورتی

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

شماره ۷/۷۴۳۰ مورخ ۷۸/۱۰/۲۱ می بایست قواعد حین الفوت متوفی مورد عمل قرار گیرد که با توجه به گواهی فوت وعکس مزار و آگهی ترحیم و نیز اصل ۱۳ قانون اساسی و قانون سال ۷۲ و نحوه فوت و تدفین مرحوم که مانع از به اجراء در آمدن ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی می شود.

۶- دکتر سید حسن امامی در جلد سوم حقوق مدنی در مبحث کفر ص ۲۲۵ در پاورقی در مقام یادآوری بر این امر تأکید نموده و آنرا مورد تأکید قرارداده و صراحتاً عدم به اجراء در آمدن مقررات ماده ۸۸۱ مکرر را مورد قبول قرارداده است.

۷- حال باتوجه به مراتب فوق به این نتیجه رسیدیم که باید طبق قانون احوال شخصیه زرتشتیان عمل کنیم، ماده ۳۰ آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران بیان میدارد: ((اگر مردی زرتشتی زن غیر زرتشتی داشته یا پس از ازدواج با زن زرتشتی، زن غیر زرتشتی انتخاب کند و حقیقت را پنهان کرده باشد، همسر زرتشتی او بعد از اطلاع می تواند تقاضای طلاق کند، شوهر مکلف است یک دوم از کل دارایی خود را به همسر زرتشتی پرداخت و انتقال دهد. در صورت عدم آگاهی و عدم طلاق در طول زندگی زناشویی، پس از درگذشت شوهر نیز یک دوم از کل دارائی شوهر متوفی به همسر زرتشتی انتقال داده خواهد شد.)) لذا در مانحن فیه نصف دارائی متوفی در زمان ازدواج بدون اذن همسر زرتشتی به ایشان منتقل گردیده و نصف دیگر آن می تواند مورد بحث این دعوی باشد.

۸- خواهان و مادرشان وفق سند صلح حقوقی رسمی شماره ۱۳۶۳۸ مورخ ۶۷/۶/۵ دفترخانه ۱۲۹ تهران که طی آن کلیه وراثت از جمله آقای (ف.د) و مادرشان خانم (ا.ق) و سایر ورثه تمامی سهم الارث خود را در خصوص یک باب مغازه پلاک ثبتی ۶۰۴ واقع در بخش ۳ تهران اعم از حق سکنی و سر قفلی و سایر حقوق خود را در مقابل ۳۱/۶۶۶/۶۷۰ به آقای (ک.د) صلح نموده و وجه آنرا دریافت نموده اند، و حال به فرض محال که این حق برای وی متصور باشد طبق این صلح نامه از حق خود گذشت نموده است.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

لذا با امعان نظر به مراتب فوق و توجهها به اصل ۱۳ قانون اساسی و قوانین رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه (مصوب ۱۳۱۲ و ۱۳۷۲) و نیز رای وحدت رویه شماره ۳۷ سال ۶۳ و سایر مستندات تقاضای رسیدگی و صدور حکم مبنی بر رد دادخواست و خواهان و یا صدور حکم بر بی حقی وی از محضر آن مقام محترم مورد استدعاست.

با تقدیم احترام محمود عربلو

اظهار نظر کارشناسی درباره: ((طرح الحاق یک تبصره به ماده (۸۸۱) مکرر قانون اصلاح مواردی از قانون مدنی))

۱- طرح مسأله

ماده (۸۸۱) مکرر قانون مدنی که ابتدا به موجب قانون آزمایشی ((اصلاح مواردی از قانون مدنی)) مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی و سپس به موجب ماده (۱۶) قانون اصلاح مواردی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ مجلس شورای اسلامی به قانون مدنی الحاق گردید، مقرر می دارد:

((... اگر بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد وارث کافر ارث نمی برد...)).

رویه قضائی در این زمینه دچار اختلاف است: برخی از دادگاه ها مفاد این حکم را شامل اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی دانسته و با وجود وارث مسلمان، وارث غیر مسلمان اقلیت های دینی را از ارث محروم نموده اند. این در حالی است که اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در نظریات مشورتی خود که حاصل تجارب چند ده ساله قضات و مستشاران مرجع مذکور و مباحثات به عمل آمده به منظور حل مشکلات عملی به کارگیری و اجرای قوانین می باشد، حداقل در دو مورد اعلام داشته است که اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی مشمول حکم ماده (۸۸۱) مکرر قانون مدنی نمی باشد. به موجب نظریه شماره ۱۳۷۷/۹/۲۶-۷/۵۱۵۹ ((درخواست فرد مسلم (احد از ورثه) از دادگاه دایر بر حذف نام بقیه فرزندان و عیال متوفی زرتشتی از گواهی حصر وراثت صادره و جاهت قانونی ندارد.)) همچنین به موجب نظریه شماره ۱۳۷۹/۹/۱۰۷۶-۲۳ ((چنانچه احد از وارث

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

متوفای غیر مسلمان، مسلمان باشد یا بعداً مسلمان شود، تقسیم ماترک وی فقط بر اساس قواعد مسلم حین الفوت متوفی به عمل می آید و مقررات ماده (۸۸۱) مکرر در قانون مدنی در مورد متوفای مسلمان است.^۱

تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به منظور پایان دادن به این اختلاف نظر و با این استدلال که شمول ماده (۸۸۱) مکرر قانون مدنی نسبت به اقلیت های شناخته شده در قانون اساسی موجب بی خانمان شدن خانواده های ادیان الهی شده و با ابطال اسناد مالکیت، آنان به یکباره بی چیز و درمانده می شوند و سرنوشت نامعلوم و رنج آوری خواهند داشت و این به دور از فلسفه برابری، برادری و اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی است، در طرحی که به امضای دوم سوم نمایندگان رسیده است، پیشنهاد نموده اند تبصره زیر به ماده (۸۸۱) مکرر قانون مدنی الحاق گردد:

((تبصره -اقلیت های دینی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده اند مشمول حکم این ماده قانونی نمی باشند)).

۲- مبانی فقهی تبصره پیشنهادی الحاقی به ماده (۸۸۱) قانون مدنی

صرفنظر از ایراداتی که به مبانی حکم مذکور در ماده (۸۸۱) قانون مدنی وارد است، این تردید وجود دارد که آیا اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی (که در اصطلاح فقهی ((اهل ذمه)) نامیده می شوند) مشمول حکم ماده (۸۸۱) مکرر قانون مدنی مبنی بر حجب وارث مسلمان از ارث بردن وارث کافر از مورث کافر می شوند یا خیر؟ به نظر می رسد تبصره پیشنهادی، به درستی اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی (اهل ذمه) را از شمول حکم ماده (۸۸۱) مکرر قانون مدنی خارج نموده است: زیرا اولاً همانطور که ذکر شد حکم مزبور بر خلاف قاعده و دلیل عمده آن اجماع بوده که دلیل لبی است و لذا در موارد تردید باید به قدر متیقن از آن که کافر غیر ذمی است اکتفا گردد. ثانیاً ادله جواز اعطای ذمه به منزله مخصص با حاکم بر ادله سلب حرمت جان و مال و آبرو و سایر شئون

^۱ مجموعه مدنی، ریاست جمهوری، چ اول، ۱۳۸۴، ص ۵۰۱

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

کافر است. مسأله حجب وارث مسلمان از ارث وراثت کافر از مورث کافر برحسب مناسبات عرفی و متشرعی حکم و موضوع، از جمله شئون سلب حرمت مال کافر است و بنابراین از صلاحیت و اختیارات نظام اسلامی، حفظ این حق برای کافر ذمی است.^۱

ب: ایمان

ایمان در لغت عبارت است از تصدیق در مقابل تکذیب و در اصطلاح عبارت است از اقرار به زبان تصدیق و اذعان قبلی که نوعی صفت و حالت نفسانی نسبت به یک امر است و باصرف شناخت و معرفت تفاوت دارد به عمل نمودن با اعضا و جوارح قلمرو ایمان برای هر انسانی حریم مقدسی است یعنی دلبستگی واپسین انسان در نهایت به امر مقدسی تبدیل می‌گردد و آنگاه است که عنصر شجاعت جسارت و عشق از آن زاییده می‌شود.

از نظر شیعه اثنی عشری (جعفری) با توجه به آیات و روایات معصومان (ع) بعد از شهادت به وحدانیت خداوند متعال و رسالت پیامبر گرامی اسلام (ص) شرط ایمان و پذیرش اعمال در پیشگاه الهی است. زیرا لازمه تصدیق نبی (ص) و قرآن به عنوان وحی که دچار تحریف نشده است عمل کامل و دقیق به توصیه‌های قرآن و رسول اکرم (ص) است و از جمله سفارشات قرآن و رسول اکرم تمسک به اهل بیت (ع) و اطاعت از ایشان است و تخلف از امامان (ع) در واقع تخلف از اوامر خدا و رسول (ص) است همان طوری که در قرآن آمده است. مرتبه ایمان بعد از اسلام قرارداد و اولین درجه ایمان از درجات اسلام بالاتر است. ایمان نیز دارای درجات متعددی است. قرآن کریم حد نصاب ایمان را چنین ترسیم می‌نماید. نیکی آن است که ۱ به خدا و ۲ روز جزا و ۳ ملائکه و ۴ کتاب و ۵ انبیا ایمان آورد، و کفر و شرک آشکار را سبب ورود در جهنم و خروج از اسلام و ایمان می‌شمارد بنابراین مسلمانی از حداقل ایمان برخوردار است.

(۱) که: الف- توحید در تمامی ابعاد آن پذیرفته باشد.

(۲) ب- به تمامی اوامر و نواهی ایشان از جمله ولایت گردن نهد.

^۱ برگرفته از مقاله مفهوم شناسی ایمان مندرج در سایت www.Islampedia.ir

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

(۳) ج- پذیرای اعتقاد به حیات پس از مرگ و جزئیات توصیفی که در قرآن و رسول (ص) و ولی(ع) از آن نموده اند شود.

باتوجه به آنچه که در باب ایمان گذشت مقنن با ذکر کلمه ایمان در این ماده پیروان دیگر ادیان را مستثنی نموده. وهم چنین اثبات ایمان عملی سخت و دشوار است که به سادگی امکان پذیر نیست.

ج: اقلیت ملی

ماده ۹۶۲ تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن برحسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذک اگر یک نفر تبعه خارجی در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت داشته باشد آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مرتبط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران می باشد شامل نخواهد بود.

ماده ۱۱۹۲ ولی مسلم نمی تواند برای امور مولی علیه خود وصی غیر مسلم معین کند.

ماده ۱۳۱۳ درشاهد بلوغ عقل عدالت ایمان و طهارت مولد شرط است.

ماده ۹۸۲ اشخاص تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا نمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقررات بهره مندی شوند لیکن نمی توانند به مقامات ذیل قائل گردند.

۱-ریاست جمهوری و معاونین ۲-عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه ۳-وزارت و کفالت و استانداری و فرمانداری ۴-عضویت در مجلس شورای اسلامی ۵-عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر ۶-استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هر گونه پست و یا ماموریت سیاسی ۷-قضاوت ۸-عالی ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی ۹-تصدی پست های مهم اطلاعاتی و امنیتی

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

موضوع دیگر اخذ تأمین از اتباع بیگانه می باشد. اخذ تأمین از اتباع بیگانه در ایران برای اولین بار در ۲۸ شهریور سال ۱۳۰۸ بعد از لغو کاپیتو لاسیون و بر موجب قانون ((اجازه اخذ تأمین و مخارج محاکمه از اتباع خارجه)) در حقوق ایران وارد شد که در مواد ۲۱۸ تا ۲۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸ در مبحث سوم از فصل هشتم و تحت عنوان ((در تأمینی که اتباع دولت های خارجی باید بدهند)) با رفع اجمال های آن ابقاء گردید و در قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ با اصلاحات مختصری مجدداً تکرار گردیده است بنابراین اتباع بیگانه می توانند مطابق قوانین در دادگاه های ایران بر علیه اتباع ایران اقامه دعوا کنند و حقوقی که مطابق قوانین ما دارا می باشند را اظهار و مطالبه نمایند.

به دلیل این که تعقیب و طرح دعوی از طرف اتباع خارجه علیه ایرانیان برای مدعی علیه و خوانده ایرانی مستلزم خطراتی است که مبانی با اصل تساوی متداعیین در مقابل دستگاه عدالت است و هم چنین تبعه بیگانه را در یک وضعیت ممتاز قرار می دهد زیرا هر وقت دعوی به نفع تبعه بیگانه تمام شود او می تواند از تمام وسائلی که قوانین ما در اختیار اشخاص محکوم له گذاشته استفاده نماید و حکم صادره بر علیه تبعه ایرانی را به موقع به اجرا گذارد و هم چنین اگر تبعه خارجی محکوم شود او می تواند ایران را ترک کند و از آثار حکم محکومیت خود فرار کند و امکان مطالبه ی خسارت از ناحیه محکوم له ایرانی وجود نداشته و چاره ای جز تحمل ضرر نخواهد داشت.

به خصوص که معمولاً احکام صادره از دادگاه یک کشور در قلمرو کشور دیگر قابل اجرا نیست زیرا محکوم له باید با صرف هزینه های زیاد به کشور محکوم علیه برود و اجرای

حکم نماید. به همین دلیل برابر نظر مقنن اتباع دولت های خارجه اعم از این که مدعی اصلی باشند و یا به عنوان شخص ثالث وارد دعوا شوند باید در صورت درخواست طرف برای تأدیه خساراتی که از بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله ممکن است محکوم به دادن تأمین شود.^۱

^۱ احمدی، نعمت، آیین دادرسی مدنی، انتشارات اطلس، تهران، چ اول، ۱۳۷۵، ص ۳۶۲

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

ماده ۱۴۴- اتباع دولت های خارجه چه خواهان اصلی باشد و یا بعنوان شخص ثالث وارد دعوا گردند بنا به درخواست طرف دعوا برای تادیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردند باید تامین مناسب بسپارند. درخواست اخذ تامین فقط از خوانده تبعه ایرانی و تا پایان جلسه اول دادرسی پذیرفته می شود.

ماده ۱۴۵- در موارد زیر اتباع بیگانه اگر خواهان باشند از دادن تامین معاف می باشند:

۱- در کشور متبوع وی، اتباع ایرانی از دادن چنین تামینی معاف باشند.

۲- دعاوی راجع به برات سفته وچک

۳- دعاوی متقابل

۴- دعاوی مستند به سند رسمی

۵- دعاوی که بر اثر آگهی رسمی اقامه شود از قبیل اعتراض به مثبت دعاوی علیه متوقف

حقوق کودک در قانون مدنی

کودکان به واسطه محدودیت های طبیعی واجتماعی خود نیازمند حمایت قانونگذار والدین وجامعه اند از این رو باید سعی شود تا به بهترین نحو حقوق آنان را استیفا نمود. حقوق کودک در دوران قبل از تولد مورد بی مهری قانونگذار واقع گردیده و والدین هیچ تکلیف والزامی ندارند که همین یکی از نواقص مهم قانون مدنی در باب کودکان می باشد البته حقوق کودکان پس از دوران تولد مورد توجه قانونگذار بوده ولی در برخی از موارد دارای ابهام کلی گویی و حق نقص می باشند.

در اصطلاح حقوقی کنوانسیون ۱۹۸۹ (اعلامیه حقوق کودک) هر انسان زیر هجده سال را کودک تلقی می نماید، مگر این که طبق قانون مربوط به سن بلوغ کمتر باشد قانون مدنی ایران با توجه به شرع مقدس در تبصره اول ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ دختر را ۹ سال تمام قمری و سن بلوغ پسران را ۱۵ سال تمام قمری تعیین نموده است و بنا به تعریف دیگر کودکان زیر ۷ سال را صغیر غیرممیز و بالای ۷ سال را صغیر ممیز می نامند. همان

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

طور که مشخص گردید معیار کنوانسیون سن و معیار قانون مدنی شرع و ببلوغ است نکته جالب توجه در تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی هنگامی مجاز به تصرف در اموال می‌دادند که رشید گردیده باشند. و قانون ماده واحده رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ افراد زیر ۱۸ سال را از انجام معامله ممنوع کرده است. باتوجه به موارد فوق و اماره ها و نشانه ها سن ۱۸ سال را برای تمیز کودک در نظر گرفت.

والدین به مرد وزنی اطلاق می‌گردد که به نکاح یکدیگر در آمده اند و پس از ارتباط مشروع زناشویی و لقاح و طی دوران بارداری باعث به وجود آمدن و به دنیا آوردن طفل می‌گردند، این افراد والدین اصلی طفل محسوب می‌شوند و به همین جهت نسبت مشروع آثار متعددی نیز به وجود می‌آید از جمله ارث، نفقه، حضانت، ولایت قهری و... البته در موارد خاص والدین حکمی وجود دارند که به طرق مختلف حق نگهداری طفل را دارند ولی قانونگذار درباره آنان سخنی به میان نیاورده و وظایف آنها مبهم است.

کودک به اراده خود به دنیا نمی‌آید زن و مردی که به وجود آورنده ی وی هستند پس از تولد طفل دارای سمت پدری و مادری شوند و قانونگذار برای آنان یک سری حقوق و تکالیف را مقرر کرده است. که قسمت اعظم این قانون مدنی-از ماده ۱۶۸ که می‌گوید:)) نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است)) تا ماده ۱۷۹ که بیان می‌کند:)) برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.))- آورده شده است.

حضانت یعنی پروردن و در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است.

در این ماده نگهداری طفل را حق و تکلیف والدین قرار داده است. قانونگذار در قبال اعطای سمت پدر و مادر برای آنها تکالیفی را مقرر نموده که آنان نمی‌توانند از آنها امتناع نمایند حضانت آمیزه ای از حق و تکلیف است و در برابر اعمال تصدی حضانت به والدین قانون آنها را مشمول تکلیف مخصوص دانسته اند بنابراین حضانت بیشتر یک مسئولیت است نه امتیاز.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

در ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی اولویت حضانت را تا سن هفت سالگی برای مادر در نظر گرفته و اصلاحیه سال ۸۲ بیشتر احساسات مادرانه و احتیاج بیشتر طفل در دوران کودکی به مادر را مورد توجه قرار داده در موارد بعدی در صورت جنون فوت و سلب صلاحیت حضانت طفل به پدر و دیگران منتقل می شود. ولی باز هم با ابهام مواجه هستیم که در صورت امتناع پدر از نگهداری طفل و سوء استفاده وی از این حق چه ضمانت اجرایی وجود دارد که پدر از این هزینه برای فرار از مسئولیت استفاده ننماید. و در مورد قسمت اخیر ماده ۱۱۷۲ ق.م.د در صورتی که پدر و مادر هزینه حضانت را پرداخت نمایند و یا قادر به پرداخت هزینه نباشند ابهام وجود دارد و تکلیف پرداخت هزینه مشخص نشده است.

در مورد ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی لازم به ذکر است کمال صحت جسمانی و تربیت اخلاقی کودک مدنظر است و نباید به حداقل اکتفا نمود.

ماده ۱۱۷۸ نیز دارای ابهام است: زیرا حدود تربیت را محدود در توانایی ابوبین نموده است. و در این صورت ممکن است در حق کودک اجحاف شود.

در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نفقه اولاد را بر عهده پدر وبعد از آن جد پدری و مادر قرار داده است زیرا در نفقه ی اقارب افراد در خط عمودی ملزم به انفاق یکدیگرند.

حق اداره اموال کودکان یکی از وظایف مهم والدین طبق ماده ۱۲۱۷ قانون مدنی اداره اموال طفل است که البته کلمه ولی قهری آورده شده است و هم چینی طبق ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی ولی قهری طفل باید رعایت مصلحت صغیر و کودک را بنماید. و اداره اموال باید به نحو احسن و مطلوب انجام شود.

کودکان حق دارند که در طول زندگی از حضور والدین خود استفاده و لذت ببرند و نمی توان آن را از کودک سلب نمود مگر به حکم قانون (ماده ۱۱۷۵ ق.م.د) از طرفی جدایی والدین باعث متزلزل شدن حقوق کودکان می شود ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی در مورد حق ملاقات طفل با والدین خود در صورت مواردی هم چون طلاق و عدم صلاحیت برای حضانت و غیره به وجود می آید که برای والدین و کودک در نظر گرفته شده است.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

حقوق کودکان و وظایف والدین موضوعاتی هستند که کاملاً با هم مرتبط و گاه در جهت موافق و گاه ممکن است در جهت مخالف یکدیگر باشند البته باید راهکارهایی اندیشید که هر کدام از طرفین به حقوق خود دست پیدا کنند و عدالت نیز رعایت شود با توجه به دیدگاه قانون مدنی در مورد حقوق کودک و وظایف والدین می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که در مورد حقوق کودک قبل از دوران تولد هیچ‌گونه تصمیم‌گیری نگردیده است و برای والدین نیز تکالیفی وضع نشده است در حالی که دوران قبل از تولد (دوران بارداری) یکی از دوران مهم زندگی و شکل‌گیری کودک محسوب می‌شود فلذا جا دارد که قانونگذار محترم جهت حفظ حقوق کودکان در این دوره قانون لازم را وضع نماید، تنها موردی که برای حمل در نظر گرفته شده اهلیت تمتع است که با زنده متولد شدن آن به اهلیت استیفا تبدیل می‌شود. موادی همچون ماده ۱۶۸ و ۱۱۷۸ دارای ابهامات و کلی‌گویی است و باعث برداشت متفاوت می‌شود.

لازم به نظر می‌رسد که قانونگذار حدود و اختیارات وظایف خانواده و حتی دولت را به درستی و روشنی ترسیم نمایند تا با رعایت صحیح و احترام به آنها حقوق کودک و حتی جامعه تضمین شود.

یکی از مهم‌ترین نارسایی‌های قوانین ایران قواعد حاکم بر تابعیت است که مشکلات عدیده‌ای را برای کودکان ایجاد کرده است مطابق قوانین جاری تابعیت پدرمؤثر در موضوع است و نسب مادری فاقد تأثیری باشد از این رو هر گاه زنی به تابعیت دولت ایران درآید فرزند صغیر او تبعه ایران محسوب نمی‌شود و هرگاه یک زن ایرانی به عقد نکاح یک مرد تبعه خارجه در آید و فرزند آن‌ها در خاک بیگانه متولد شود مادر نمی‌تواند تابعیت ایرانی خود را به فرزندش اعطا کند.

آثار و عوارض سوء ناشی از این نگرش قانونگذار در زندگی بسیاری فرزندان زنان ایرانی که به عقد نکاح اتباع خارجه در آمده و فرزندان‌شان خارج از کشور متولد شده‌اند قابل مشاهده است. زیرا وقتی این‌گونه مادران به همراه فرزندان خود به کشور خود (ایران) باز می‌گردند فرزندان‌شان کمترین فرصت قانونی برای کسب تابعیت ایرانی را ندارند و بلا تکلیفی به سر می‌خورند.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

برند این کودکان باید تا سن ۱۸ سالگی در ایران زندگی کنند و یک سال از آن نیز به اراده خود در خاک ایران سپری کنند و آنگاه در سن ۱۹ سالگی می توانند تقاضای کسب تابعیت ایرانی کنند حال آنکه در تمام سال های پیش از آن از امکانات آموزش و پرورش و دیگر حقوق شهروندی در ایران محروم خواهند بود.

هم چنینی کودکان زاده رابطه ی غیر شرعی مورد حمایت نیست اند والدین طبیعی مطابق قانون ایران هیچ حق برای نگهداری و تربیت فرزندان خویش ندارند و به سهولت می توان آنها را از نگهداری کودک خویش محروم کنند.

این کودکان از حقوق شهروندی از جمله حق تابعیت ارث و نفقه محروم اند. زیرا ماده ۱۶۷ قانون مدنی ((طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمیشود)) بنابراین کودکان ایرانی در نتیجه روابط نامشروع پدر و مادر خود متولد می شوند از بدو تولد به جرم ارتباط غیر قانونی والدینشان از حقوق انسانی شهروندی و قانونی خود محروم می شوند.

مبحث دوم: قانون مجازات اسلامی

تبعیض جنسیتی در قانون مجازات

الف: مسئولیت جزایی

برابری جنسیتی بدان معناست که زن و مرد حقوق و وظایف یکسان دارند، و همه از فرصت های مساوی در جامعه برخوردارند هم چنین برابری جنسیتی مربوط به عدالت و تقسیم مسئولیت هاست هم در جامعه و هم در خانواده اگر جنسیت مانع از آن شود که ما بتوانیم نقاط قوت و ضعف فرد را ببینیم این امر می تواند به تبعیض و فرصت های محدود برای فرد منجر شود. تبعیضی که در قانون مجازات اسلامی در حق زن صورت گرفته است بسیار آشکار و غیر قابل قبول است اولین تبعیض را می توان در سن ورود زنان به قلمرو مسئولیت جزائی دانست. در شرایطی که طبق قانون مجازات اسلامی مجازات های نخست بدنی برای مجرمین تعیین می شود زنان ۶ سال زودتر از مردان وارد قلمرو مسئولیت جزائی می شوند.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

قانون مجازات اسلامی در ماده ۴۹ با الفاظ خاصی بر این تبعیض تأکید ورزیده است این ماده قانونی که یکی از محورهای عمده بحث حقوق کیفری در ارتباط با جنسیت است نه تنها طفل را تعریف نکرده است بلکه تبصره ذیل همین ماده قانونی است که تبعیض علیه زنان را زیر پوشش الفاظ خاصی از نظر پنهان داشته است تبصره به جای تعریف دقیق بر پایه ی ضوابط جهانی حقوق بشر یا تحولات اجتماعی ایران تأکید می کند منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. و همان طور که در قانون مدنی آمده است پسر ۱۵ ساله تمام قمری و دختر ۹ سال تمام قمری به سن بلوغ شرعی می رسند. با وجود این مواد قانونی کودکان مونث همواره در خطر بازداشت و تحمل مجازات‌های خشونت بار به سر می برند.

مسئله دوم در مورد کنترل پوشاک بانوان می باشد در قوانین جزایی ایران بی حجابی زنان جرم شناخته شده است در سال ۱۳۷۵ تبصره ذیل ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مجازات بی حجابی را از شلاق به حبس تبدیل کرده است بدین شرح ((زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۵ روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

به طوری که ملاحظه می شود در این جا قانونگذار بی حجابی را جرم بر شمرده ولی بی حجاب شرعی را تعریف نکرده و آن را به سلیقه ی قضات و مجریان وانهاده است.

مسئله بعدی در مورد روابط جنسی است. در قانون مجازات اسلامی رابطه ی آزاد جنسی (زنا) نامیده می شود و مجازات آن یکصد ضربه شلاق است ظاهراً در این جا قانونگذار بین زن شوهر دار که مرتکب زنا ی محصنه می شود با مرد متاهلی که مرتکب همان جرم می شود تبعیض روا نداشته است.

هر چند قانونگذار ناظر بر کنترل جنسی در بیش تر موارد در برگیرنده ی مجازات یکسان برای زن و مرد مرتکب است، ما در برخی موارد خاص قانونگذار به صراحت علیه زنان به نفع مردان موضع گیری کرده است.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ((هر گاه مردی همسر خود را در زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد مانند قتل است))

از این قرار قانونگذار برای مرد در مقام شوهر حق کشتن زن را در شرایط خاص محفوظ داشته حال آنکه در شرایط مشابه نسبت به زنی که شوهر خود را در حال تمتع جنسی با زن دیگری ببیند و مرتکب زنا می شود اغماض روا داشته است.

به موجب قانون مجازات اسلامی مجازات تجاوز جنسی مرگ است. ماده ۸۲ مقرر می دارد: زنا به زنی که با او زانی اکره موجب قتل زانی اکره کننده است با این حال زنان ایرانی در مواردی که مورد تجاوز قرار می گیرند به لحاظ مشکلات اجرایی به ندرت می توانند در دادگاه های حقانیت خود را ثابت کنند.

هرگاه زنی به دادگاه مراجعه کند و مدعی شود مردی به او تجاوز کرده است باید دلایل خود را ارائه دهد. از جمله این دلایل و معتبر ترین آن شهود عینی است چنانکه شاکی یعنی زن نتواند شهود خود را معرفی کند بعید است بتواند حقانیت خود را ثابت کند. از طرف دیگر چنانچه زن نتواند بر پایه ی گزارش دقیق پزشکی قانونی ادعای خود را ثابت کند در جای متهم به زنا قرار می گیرد. یعنی بعد از عجز زن از اثبات تجاوز دادگاه به این نتیجه می رسد که زن و مرد به میل و رغبت با یکدیگر همبستر شده اند از این روست که زنان برای طرح شکایات جنسی علیه مردان بسیار احتیاط می کنند.

ب: دیه زنان

مسئله بعدی در مورد قصاص است. ماده ۲۰۹ مقرر می دارد: هر گاه مرد مسلمانی زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید قبل از قصاص نصف دیه مرد را به او بپردازد. منظور قانونگذار این است که اگر مقتول زن باشد و قاتل مرد، مرد رابه خاطر قطع

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

حیات از یک زن اعدام نمی‌کنند مگر آنکه شاکی یعنی اولیاء دم نصف دیه کامل یک مرد را به او بپردازند تا به اصطلاح دو کفه ی ترازو به تعادل برسد.

از نگاه قانونگذار و شرعا ارزش و اعتبار جان زن و مرد با هم برابر نیست و در صورتی که خانواده مقتول برای اعدام قاتل اصرار داشته باشند باید مابه التفاوت خون بهاء را که نصف خون بهاست پرداخت کنند.

در موارد مختلف قانون مجازات اسلامی دیه زن نصف دیه مرد تعیین شده است به موجب این قوانین دیه جنین که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل است.

وفق ماده ۳۰۰ قانون مجازات دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است بر پایه ی مجموعه مواردی که به آنها استناد شد حق حیات افراد جنس زن در قتل عمد و در قتل غیر عمد مراعات نمی‌شود و قانونگذار برای جان زنان نصف جان مردان اهمیت قائل شده اند.

وفق ماده ۲۷۳- چنانکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد در آن صورت زن هنگامی می‌تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد.

وفق ماده ۳۰۱- دیه زن و مرد یکسان است تاوقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است.

مورد بعدی مسئله سقط جنین است. قوانین جزایی ایران به زنان اجازه ی سقط جنین را نمی‌دهند این اقدام طبق قانون جرم شناخته می‌شود و هر گاه مادر به ان اقدام کند باید به پدر طفل دیه بپردازد ماده ۴۸۹ مقرر میدارد: هر گاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی ندارد.

ج: شهادت زنان

یکی از راه‌های ثبوت جرم شهادت است در یک نظام عادلانه قضایی شهادت صرف نظر از جنس و نژاد و دین دارای ارزش و اعتبار است. در نظام قضایی ایران قوانین جزایی برای شهادت زن یا اساساً ارزش و اعتباری قائل نیست یا آن را نصف مرد ارزیابی کرده است مثلاً به موجب ماده ۱۳۷ ق.م.ا قوادی با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود بدین ترتیب اگر مرد وزن شاهد بر جرم قواعدی باشند و آمادگی شهادت داشته باشند شهادت آنها فاقد ارزش قانونی است.

وفق ماده ۷۴- زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود ارزش شهادت زنان برای اثبات این جرم نصف ارزش شهادت مردان است.

تفاوت در ارزش شهادت زن و مرد به منزله توهین به انسان و یک نوع تبعیض جنسی به شمار می‌رود. در جامعه‌ای که زنان بیش از مردان از آموزش عالی بهره‌مند اند در جامعه‌ای که نیمی از مشروعیت سیاسی حکومت توسط زنان اعطا می‌گردد و از سوی دیگر مسئولیت‌گیری زن و مرد برابر است ارزش‌های نابرابر بر خلاف انصاف است.

وفق ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد - گواهان را نیز از حیث تعداد و جنسیت تفکیک و بین شهود با توجه به نوع دعوی تبعیض قائل گردیده است. و در برخی از مسائل شهادت یک مرد را برابر با شهادت دو زن قرارداده است.

گفتار دوم: حقوق اقلیت‌ها در قانون مجازات

در عرصه قوانین جزایی مهم‌ترین قانون که اقلیت‌های دینی را در بر می‌گیرد قانون مجازات اسلامی -حدود- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده است در این قانون بخش مجازات‌های بازدارنده به گونه‌ای عام تنظیم شده و میان مسلمان و غیر مسلمان هیچ تفاوتی نگذاشته است هم چنین ماده ۳ این قانون مقررات مذکور را درباره همه کسانی که در قلمرو حاکمیت ایران باشند قابل اعمال دانسته است مگر در موارد تصریح قانون برخلاف

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

آن ولی در قلمرو قوانین حدود و دیات و قصاص به سبب پیروی قانونگذار از آرای مشهور فقهی گاهی میان احکام مسلمانان و غیر مسلمانان تفاوت‌هایی دیده می‌شود مثلاً در ماده ۸۲ در بخش حدود مجازات زنا برای غیر مسلمان نسبت به زن مسلمان قتل مقرر شده در حالی که برخلاف آن را ذکر نکرده است.

وفق ماده ۱۲۱ ق.م.ا مقرر میدارد - حد تفحیذ و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر یک صد تازیانه است.

تبصره- در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است.

وفق ماده ۸۲ حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان محصن و غیر محصن نیست.

الف- زنا با محارم نسبی

ب- زنا بازن پدر که موجب قتل زانی است

ج- زنا ی غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است.

د- زنا ی به عف واکراه که موجب قتل زانی اکراه کننده است.

قانون مجازات اسلامی رابطه ی جنسی نامشروع هر زن مسلمان با هر مردی (اعم از مسلمان و غیر مسلمان) را جرم شناخته و مجازات وی را مرگ در نظر گرفته است در صورتی که هیچ اشاره ای به رابطه ی جنسی نامشروع مرد مسلمان با زن غیر مسلمان نکرده است.

ماده ۲۰۷ هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و معاون در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم می شود.

مفهوم این ماده این است که اگر مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و با توجه به فتوای رایج فقهی اگر غیر مسلمان عمداً به وسیله مسلمان کشته شود قاتل قصاص نمی شود.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه ۱۳۸۲/۱۰/۶ لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص میزان دیه اقلیت های دینی ذکر شده در قانون اساسی کشور با مسلمانان را بررسی و با تایید نظر مجلس شورای اسلامی رای به برابری دیه مسلمان با غیر مسلمان داد.

قصاص از نظر لغوی به معنای دنبال کردن و پیگیری است و لذا مجازات قاتل را از آن جهت قصاص گفته اند که نوعی دنبال گیری جنایت جانی است. از این رو قصاص مجازاتی است که در شرع برای قاتل در نظر گرفته شده است. قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۷۹ می فرماید: ((و لکم فی القصاص حیاه)) و در همین رابطه ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی نیز در تعریف قصاص چنین می گوید: ((قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد.))

شرط برابری دین قاتل و مقتول در قتل نفس در هیچیک از مواد قانون مجازات اسلامی تصریح نشده است به هر حال شرط برابری دین در قصاص نفس هر چند به طور صریح در قانون نیامده است اما از مواد مختلف این قانون این شرط را می تواند استنباط کرد این مواد در فصول مختلف پراکنده اند گروهی از این مواد در قسمت مواد مرتبط به قصاص نفس و قتل عمد و شرکت در قتل بیان گردیده اند و گروهی دیگر در قسمت مربوط به مقدار دیه قتل نفس و دیه جنایت بر مرد آمده است. یعنی مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲ و مواد ۳۰۰ و ۴۹۴ درهمه ی این مواد که به طور کلی راجع به جنایات بر شخص است واژه مسلمان و کافرذمی مفهومی خاص را بیان می کند حتی در این مواد ذکری از واژه غیر مسلمان نیامده است و به سخنی دیگر در این قانون مسلمان در برابر واژه عام کافر یا نامسلمان قرار داده نشده است بلکه تنها مسلمان در برابر کافرذمی قرار داده شده است. نقضی که قانون ما در شرایط کنونی دارد این است که قانون مزبور در ماده ۲۱۰ و تبصره ۲ ماده ۲۱۲ صرفاً حکم قتل کافر ذمی توسط کافر ذمی دیگر بیان نمی کند و از آنجایی که طبق اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی و اصل قانونی بودن جرم و مجازات قیاس ممنوع است حکم این موضوع در قانون ما ساکت است و شایسته است قانونگذار جزای حکم قتل کافر توسط مسلمان و

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

مسلمان توسط کافر و از این قبلی را به روشنی بیان نماید. هم چنین موقعیت زن یا مرد مسلمانانی که از اسلام روی برگردانده اند این ها مرتد اند و مهدورالدم و قطع حیات از آنان فاقد مجازات است.

تبصره ۲ ماده ۲۹۷ - بر اساس نظر حکومتی ولی امر، دیه اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می گردد.

گفتار سوم: حقوق کودک در قانون مجازات

کودکان ایرانی، حتی از دوره ی جنسیتی نیز حکم تلخ تبعیض را می چشند. به موجب قانون مجازات اسلامی، قاتل موظف به پرداخت دیه خون بها به بازماندگان مقتول است. مطابق همین قانون، چنان که کسی موجبات سقط جنین زن حامله را فراهم آورد به پرداخت دیه محکوم می شود به موجب ماده ۴۸۷ ق م ا پس از توضیح میزان وچگونگی دیه جنین در مراحل مختلف رشد در نهایت در تبصره و بند ۶ خود چنین بیان می کند.

((... بند ۶- دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبّه باشد سه ربع کامل خواهد بود.

بر این اساس دیه جنین از دو ماهگی به بعد بر حسب جنسیت فرق می کند اگر جنین مونث باشد دیه اش نصف دیه جنین مذکر تعیین می شود. بنابراین طبق نظام حقوقی ایران، کودکان ایرانی از هنگام مرحله ی جنینی طعم نابرابری را احساس می کنند چرا که خون(جان) جنین دختر به عنوان یک انسان مونث ارزشی معادل با نصف بهای خون (جان) یک انسان مذکر دارد.

طبق ماده ۴۹- اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنها با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالقتضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد.

تبصره ۱- منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

تبصره ۲- هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان ومصلحت باشد.

در مورد سن مسئولیت جزائی می دانیم که در تمام نظام های حقوقی جهان ((کودک از مسئولیت مبرا است با توجه به این که به موجب کنوانسیون حقوق کودک، انسان تا ۱۸ سالگی کودک است ومطابق آنچه از سازمان بهداشت جهانی نقل شده انسان از بدو تولد تا ۱۵ سالگی در گروه سنی کودک قرار می گیرد. در حالی که مقنن ایرانی در اجرای قسمت اول مبنی بر مبرا بودن کودک از مسئولیت کیفری طی ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ می گوید: ((اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری هستند. وبلافاصله در تبصره همان ماده می گوید منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق م سن بلوغ شرعی چنین آمده ((سن بلوغ پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است. ملاحظه می شود که جهت افتراق حقوق ایران با کنوانسیون حقوق کودک در مورد واژه (کودک) دو امر بارز و مشهود است.

اول این که بین دختر و پسر در مورد اطلاق واژه کودک فرق گذاشته چرا که دختر کمتر از ۹ سال وپسر کمتر از ۱۵ سال وکودک می داند در حالی که در مقررات کنوانسیون کودک، هر انسان کمتر از ۱۸ سال اعم از دختر یا پسر کودک نامیده می شود دوم این که دختر ۹ ساله و پسر ۱۵ ساله که بالغ هستند و کودک نیست اند دارای مسئولیت کیفری می باشند و حال آنکه به موجب مقررات کنوانسیون کودک این اشخاص از مسئولیت کیفری مبرا هستند.

در ایران امروز تحت تاثیر تحولات وسیع اجتماعی یک قرن اخیر، تمام طبقات اجتماعی دختر ۹ ساله را طفل می شمارند و خود را ملزم به مراعات حقوق کودکان ی او می دانند. با آن که یک سلسله اقدامات تبلیغاتی دستگاه قضایی کشور به تاسیس دادگاه های خاص

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

برای محاکمه و تادیب اطفال بزهکار تلاش ورزیده اما باز هم با وجود این دادگاه‌ها نمی‌تواند از خطرات ماده ی ۴۹ قانون مجازات اسلامی بکاهد.

به موجب ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ مقرر شده است که ((پدر و یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد قابل ذکر است که مقنن از کودک در مقابل هر گونه تعرض از سوی مادر حمایت کرده و در صورتی که وی به فرزندش آسیبی برساند متناسب با آن مجازات می‌شود و بداهتا در صورت قتل به قصاص محکوم خواهد شد.

وفق ماده ۲۶۲ زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تاخیر افتد تا خطر مرگ از طفل بر طرف گردد. این ماده بیانگر تبعیض مثبت در مورد حقوق کودک است تا زمانی که بیم ضرر به حمل یا طفل شیر خوار باشد اجرای به تاخیر می‌افتد.

مبحث سوم: قانون کار

تبعیض جنسیتی در حقوق کار

اشتغال زنان همپای عصر صنعتی شدن مهم تر شده است، زیرا زنان درنیل به استقلال مالی هویت شخصی مشارکت اقتصادی و مانند آن به کار در خارج از خانه اهمیت بیشتری داده‌اند. علاوه براین نیاز جوامع صنعتی و حتی کشور های روبه رشد به کار زنان آنان را به کار تشویق کرده است. از این رو، وضع و اجرای قوانینی که نحوه استخدامی و شرایط کار میزان دستمزد و کیفیت مرجعی آنان را معین می‌کنند به پدیده اجتناب ناپذیر تبدیل شده است.

همان طور که پیش تر گفته شد در قانون اساسی آمده است: ((تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زنان و مردان از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است بخشی از این حقوق به شغل زنان بر می‌گردد. یعنی این که زنان حق دارند همانند مردان از شغل برخوردار باشند بنابراین نمی‌توان آنها را از شغلی که به آن علاقه دارند محروم کرده مشروط

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

بر این که شغلی که بر می‌گزینند با موازین اسلام مغایرت نداشته باشد پس حقوق شغلی زنان و مردان ایرانی یکسان در حمایت قانون قرار دارد)).

جهت گیری قانونگذار در محق دانستن زنان به داشتن شغلی مناسب و در خور شأن به این دیدگاه الهی بر می‌گردد که تفاوت ذاتی بین زن و مرد وجود ندارد.

مجلس شورای اسلامی در ۱۰ آذر ۱۳۶۲ این ماده واحده را تصویب کرده: ((وزارت خانه ها و موسسات مشمول قانون استخدام کشوری و شرکت های دولتی و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است می توانند در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود با موافقت بالاترین مقام مسئول، خدمت بانوان را نیمه وقت تعیین نمایند علاوه براین به دستگاه های موضوع این قانون اجازه داده شد در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و با موافقت بالاترین مقام مسئول هم چنین بتوانند به جای نیمه وقت کردن آنان، ساعات خدمت آنها را به سه چهارم کار مقرر تقلیل دهند.

بر پایه ماده ۷۵ قانون کار انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است. دستور العمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورای عالی کار تهیه و به تایید وزیر کار و امور اجتماعی رسید این آیین نامه به نکات زیر توجه دارد:

((منظور از حمل بار با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی در این آیین نامه عبارت است از بلند کردن، پایین نهادن حمل و جابه جایی اشیاء و بار از نقطه ای به نقطه دیگر توسط یک نفر به وسیله دست و بدون به کارگیری هرگونه ابزار و وسایل مکانیکی می باشد - منظور از بار متعارف در این آیین نامه باری است که باتوجه به شکل اندازه و ابعاد نوع درجه حرارت آن کارگری که دارای شرایط جسمانی است بتواند آن را به راحتی حمل نماید.))

حادثه وزن مجاز حمل بار متعارف حدود ۲۰ کیلوگرم است و حداکثر حمل بار بدون استفاده از ابزار مکانیکی ۱۰ کیلوگرم کارفرما مکلف است نحوه صحیح بلند کردن بار جابه

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

جایی و حمل آن را به کارگران آموزش دهد. حمل بار و جابه جایی آن برای مدت طول بارداری و ده هفته پس از زایمان ممنوع می باشد.^۱

قانون کار تسهیلات دیگری را نیز برای کارگران زن فراهم آورده است از جمله:

مرخصی بارداری و زایمان زن جمعا ۹۰ روز است حتی الامکان ۴۵ روز مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. برای زایمان توأمان ۱۴ روز به مدت مرخصی افزوده می شود. پس از پایان مرخصی زایمان کارگران زن به کار سابق خود باز می گردند و این مدت با تایید سازمان تامین اجتماعی جزء سوابق خدمت محسوب می شود حقوق ایام مرخصی زایمان طبق مقررات قانون تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تامین اجتماعی نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود کارفرما تا پایان دوره ی بارداری وی بدون کسر حقوق کار مناسب و سبک تری به او ارجاع می نماید در کارگاه هایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر ۳ ساعت نیم ساعت فرصت شیردادن بدهد. این فرصت جزو ساعات کار آنان محسوب می شود و هم چنین کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آنها مراکز مربوط به نگهداری کودکان از قبیل شیرخوارگاه مهد کودک و... را ایجاد نماید.

در این رابطه مجلس شورای اسلامی در ۲۲ اسفند ۱۳۷۴ قانون حمایت از مادران کارگر و کارمند در دوران شیردهی را تصویب کرد.

اسناد بین‌المللی حق کار کردن برای زن را صرف نظر از جنس رنگ نژاد و عقیده و مانند آن به رسمیت شناخته است از جمله ((هر کس حق دارد کار کند. کار خود را آزادانه انتخاب نماید شرایط منصفانه و رضایت بخش برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد به علاوه همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی

^۱ آرتی دله، طیبه، قوانین و مقررات ویژه زنان در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲، تهران، انتشارات زیتون، ص

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

اجرت مساوی دریافت دارند و نیز هر کس که کار می کند حق مزد منصفانه و رضایت بخش را خواهد داشت که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون اسلامی تامین کند و آن را در صورت لزوم با هرنوع وسیله دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید و هم چنین هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها نیز شرکت کند.^۱

در اسناد حقوق بشر اسلامی نیز تفاوتی بین زن و مرد در کارکردن به چشم نمی خورد. مطابق این اسناد کارحقی است که دولت ها و جوامع باید آن را برای هر کس که قادر به انجام آن است تضمین کنند و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به گونه ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تامین های اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری واداشت که توانش را ندارد یا او را به کاری اکراه نمود و یا از او بهره کشی کرد و به اوزیان رساند هر کارگری بدون فرق میان زن و مرد حق دارد در مقابل کاری که ارائه می دهد به سرعت مزد عادلانه دریافت دارد. هم چنین حق استفاده از مرخصی ها و پاداش ها و ترفیعات استحقاقی را نیز دارد و در مقابل او موظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد. اگر کارگران با کارفرمایان اختلاف پیدا کردند دولت موظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پایبندی به عدل بدون این که به نفع طرفی عدول کند دخالت نماید.^۲

شغلی که زنان و مردان بر می گزینند باید فرصت و توان کافی را برای خودسازی معنوی سیاسی و اجتماعی آنان فراهم آورد و نیز به افزایش مهارت و ابتکار آنها مدد می رساند بنابراین سیاست گذاران در ایران نمی خواستند زنان کارمند و زنان کارگر تنها شغلی برعهده بگیرند بلکه در صدد بوده اند به گونه ای سیاست گذاری نمایند که هم از توان جسمی و روحی زنان در توسعه اقتصادی جامعه استفاده کنند و هم به رشد معنوی آنان کمک نمایند

^۱ منصوری لاریجانی، اسماعیل، سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با حقوق بشر اسلام، ۱۳۷۴، تهران، تابان، ص ۳۸۵

^۲ زاهدی، فضل الله، بررسی تطبیقی شرایط کار زنان، تهران، موسسه کار تامین اجتماعی، ۱۳۸۱، ص ۶۵

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

زیرا نه مقاوله نامه منع تبعیض در استخدام و اشتغال و نه مقاوله نامه ((تساوی مزد برای کار با ارزش مساوی)) که از اصول بنادین حقوق بین الملل می باشند هیچ یک به طور کامل تحقق پیدا نکرده و به نظر می رسد ((تساوی در قانون)) توسعه یافته است ولی هنوز ((تبعیض در عمل وجود دارد))

ماده ۶ قانون کار مقرر می دارد: ((بر اساس بند چهار اصل چهل و سوم و بند شش اصل دوم و اصول نوزدهم بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجبار افراد به کار معین و بهره کشی از دیگران ممنوع و مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد زبان و مانند این هاست امتیاز نخواهد بود و همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند)) طبق این ماده بهره کشی از انسان ها ممنوع است و بر تساوی حقوق مردم بدور از هر گونه رنگ و نژاد و قوم و قبیله ای که دارا هستند تأکید شده است تبصره ۱ ماده ۱۳ بیانگر تبعیض مثبت در مورد کارگران است.

طبق ماده ۳۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مزد کارگر زن و کارگر مرد برای کار مساوی یکسان است مقنن با تصویب این ماده با تأکید بر ارزش کار زن هر نوع تبعیض بر او، اوهام پرستی و خرافه سازی مانند احساساتی بودن زن، ناتوانی عملی و... را محکوم کرده است.

زنان از برخی از مشاغل سنگین که صرفاً مبتنی بر نیروی جسمی و فیزیکی است یا موجب مخاطرات جدی برای سلامتی می گردد قانوناً محروم گردیده اند.

ماده ۷۵ قانون کار مقرر می دارد: انجام کارهای خطر ناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است. فلسفه این ممنوعیت را باید در حمایت از زنان و نیز کوشش برای بالا نگهداشتن بازده کار جستجو کرد نه محروم نمودن و ممنوع کردن زنان از برخی مشاغل چه انجام کارهای سخت و زیان آور که با قوای جسمانی به کارگر ارتباط مستقیم دارد برای زنان، هر چند که

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

از لحاظ نیروی دماغی در سطحی مساوی با مردان هستند چون از نظر نیروی جسمانی به هر حال ضعیف تر از آنان می باشند مناسب نیست و بسیار اتفاق افتاده که احتیاج مادی یک زن او را وادار به انجام کاری نموده که جسماً برای وی نامناسب است ولذا از این رو ماده ۷۵ قانون کار با ممنوعیت ارجاع کارهای خطرناک، سخت و زیان آور در واقع سعی کرده سدی در راه بهره برداری کارفرما از موقعیت بد اقتصادی کارگر ایجاد کند.

منظور از کار سخت و زیان آور کارهایی است که در آنها عوامل فیزیکی شیمیایی مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار غیراستاندارد بوده و در اثر اشتغال کارگر تنشی به مراتب بالاتر از ظرفیت های طبیعی (جسمس و روانی) درونی ایجاد می گردد که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن می باشد فهرست کارهای سخت و زیان بار با پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب وزیر کار امور اجتماعی تعیین می گردد.

طبق ماده ۷۷ قانون کار در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تامین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی، بدون کسر دستمزد باید کار مناسبتر و سبک تری ارجاع نماید.

قانون کار با دید مساعدی به زنان کارگر نگاه کرده و به مناسبت وظایف دوگانه آنان در منزل و در کارخانه امتیازاتی از قبیل مرخصی زایمان، تاسیس مراکز نگهداری کودکان قائل شده است، برقراری چنین امتیازاتی ضروری است اما باید توجه داشت که در عمل باعث گردید که امکان ورود زنان به بازار کار کاهش یابد چه قانون کار به هزینه کارفرما امتیازاتی را برای زنان کارگر قائل شده است و در دنیای سرمایه داری که هدف کارفرمایان دسترسی بیشتر به سود و کاهش هزینه هاست. فوری ترین اقدام کارفرما، عدم استخدام زنان است تا از مصرف هزینه های غیر ضروری معاف شود و در نتیجه قانونی که صرفاً به قصد حمایت از زنان نوشته شده در عمل تبدیل به ابزار بازدارنده ای برای ورود زنان به بازار کار می گردد و از سوی دیگر زنان نیازمند به کسب درآمد را که در نتیجه حمایت های بی رویه قانونی از استخدام بازمانده اند، به سوی مشاغل نامناسب سوق میدهد.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

مواد ۷۶ تا ۷۹ قانون کار به مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن و تأکید بر امنیت شغلی آنها و حمایت مالی در ایام مرخصی زایمان ممنوعیت کار خطرناک یا سخت در دوره بارداری و استفاده از فرجه شیردهی به مدت نیم ساعت پس از هر سه ساعت کارتأیید دوران دو سالگی کودک و احتساب این مدت جزء ساعات کار و تکلیف کارفرما به ایجاد مراکز نگهداری کودکان از قبیل شیرخوارگاه مهد کودک و غیره اختصاص یافته است.

حقوق کودک

در قانون کار ایران حداقل سن برای کار را پانزده سال تمام و اطمینان از سلامت کودک در بدو استخدام با انجام آزمایش هایی که هر ساله باید تجدید شود تعیین کرده است. ساعات کار کارگر که کمتر از هجده سال تقلیل می یابد کار در شب و کار اضافی و کارهای سخت و زیان آور و حمل بار با دست بیش از اندازه مجاز ممنوع است استخدام افراد زیر هجده سال برای کار آموزشی اشکالی ندارد اما به عنوان کار حرفه ای خاص تنها در صورت مجاز است که برای سلامت جسمانی و روحی کودک مضر نباشد محیط کار آموزشی یا کار کند و از حمایت کامل قانون کار برخوردار است.

کار کودک به عنوان یکی از نتایج نامطلوب انقلاب صنعتی در دهه های اخیر توجه بسیاری از فعالان حوزه کار و امور اجتماعی را به خود جلب کرده است این توجه نشأت گرفته از دو علت می تواند باشد.

۱- درک روزافزون از تبعات منفی اقتصادی اجتماعی و بهداشتی - روانی پدیده ی کار کودک.

۲- آمار قابل توجه کودکان درگیر در این پدیده علی رغم تلاش های بین المللی برای مهار آن.

کار کودک می تواند مانعی جدی بر سر راه آموزش کودکان باشد و هم چنین موجب حفظ و اشاعه ی فرهنگ تبعیض و بهره کشی از نیروی کار درغیاب حمایت های اجتماعی شود.

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

مطابق ماده ۸۰ قانون کار کارگری که در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد کارگر نوجوان نامیده می‌شود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تامین اجتماعی مورد آزمایش های پزشکی قرارگیرد هم چنین در ماده ۸۱ آورده شده آزمایشات پزشکی کارگر نوجوان حداقل باید سالی یکبار تجدید شود و مدارک مربوط در پرونده استخدامی وی ضیط گردد. بنابراین باتوجه به ممنوع بودن کار کودکان زیر ۱۵ سال معینات پزشکی این گروه منتفی است.

با وجود پیوستن ایران به مقاوله نامه شماره ۱۸۲ و تأکید بسیار بر رعایت مفاد مربوط به شرایط کار نوجوانان مواردی چون خروج کارگاه های زیر ۵ نفر از شمول قانون کار خارج و برخی دیگر از مواد قانونی از جمله ماده ۹۲ قانون نظام صنفی کشور که ورود بازرسان به کارگاه بدون شکایت کارگرا ممنوع می داند، موجبات افزایش کار کوک و یا انجام کارهای سخت و زیان آور به وسیله ی نوجوانان را فراهم آورده است.^۱ یکی از اقدامات مهم انجام گرفته در این زمینه تدوین آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی است. در این آیین نامه برای ارائه خدمات تخصصی به کودکان خیابانی ۴ سطح در نظر گرفته شده است در هر سطح نوع پذیرش متفاوت است در سطح یک پذیرش به صورت برقراری ارتباط فعال مددکار با کودک خیابانی برای فراهم نمودن حمایت های لازم، بدون نگهداری در مرکز اقامت می باشد. در سطح دو هدف اقامت کوتاه مدت کودک خیابانی در مرکز سطح ۲ برای دریافت خدمات شخصی بیشتر است. در سطح سه اقامت میان مدت کودک خیابانی در مرکز سطح ۳ برای دریافت خدمات تخصصی و حمایت های بیشتر است. در مرکز سطح چهارم برای اقامت بلند مدت پذیرش انجام می شود و این مراکز به طور مستقیم و با اعطای مجوز رسمی سازمان بهزیستی کشور به اشخاص حقیقی و حقوقی تاسیس و اداره می شوند در اجرای این آیین نامه سازمان های مختلفی از جمله سازمان بهزیستی، انجمن های خیریه، شهرداری ها، NGOها، نیروهای انتظامی وزارت دادگستری، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، سازمان بیمه و خدمات درمانی، سازمان تامین اجتماعی صدا و سیما، هلال احمر، وزارت دادگستری، وزارت کار و امور اجتماعی وزارت بهداشت و

^۱ سلمان ظاهری، محمد، حقوق کار در سطح حقوق کنونی، چاپ دوم تهران، میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹-۱۲۳

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

درمان، سازمان بیمه و خدمات درمانی وزارت آموزش و پرورش و علاوه بر اینها سازمان های غیر دولتی مختلفی از جمله کانون دفاع از حقوق کودکان و انجمن حمایت از حقوق کودکان در این زمینه فعالیت دارند^۱.

اقلیت های قومی نژادی و...

مواد ۱۲۰ تا ۱۲۹ قانون کار ذیل عنوان اشتغال اتباع بیگانه توضیحات مفصلی را به این مبحث اختصاص داده است اتباع بیگانه نمی توانند در ایران مشغول به کار شوند مگر این که (۱) دارای روادید (ویزا) ورود با حق کار شخص بوده و یا (۲) مطابق قوانین و آیین نامه های مربوط به پروانه کار دریافت کنند ماده ۱۲۰ قانون کار این موارد را ذکر نموده است این ماده شرایط کلی اشتغال اتباع بیگانه در ایران را بر شمرده است ولی در تبصره همین ماده استثنائاتی بر ماده وجود دارد این تبصره اشخاصی را که به واسطه ماموریت های دیپلماتیک و کنسولی و یا ماموریت از سوی سازمان ملل متحد داشته باشند و... را شامل می شود در تبصره ذیل ماده ۱۲۰ آمده است: اتباع بیگانه ذیل مشمول مقررات ماده ۱۲۰ نمی باشند الف) اتباع بیگانه ای که منحصر در خدمت ماموریت های دیپلماتیک و کنسولی هستند با تایید وزارت امور خارجه ب) کارکنان و کارشناسان سازمان ملل متحد و سازمان های وابسته به آن ها با تایید وزارت امور خارجه ج) خبرنگاران خبرگزاری ها و مطبوعات خارجی به شرط معامله متقابل و تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

در بند ج ماده ۹ قانون کار یکی از شرایط الزامی و اساسی برای صحت قرارداد کار عدم ممنوعیت قانونی و شرعی طرفین در تصرف اموال یا انجام کار یکی از شرایط الزامی و اساسی برای صحت قرارداد کار را عدم ممنوعیت قانونی و شرعی طرفین در تصرف اموال یا انجام کار مورد نظر دانسته است بدین ترتیب در صورتی که در بند ج ماده ۹ قانون کار به آن اشاره شده است قرارداد کار وی معتبر نبوده و در نتیجه غیر قانونی است. آخرین نکته ای که در باب ماده ۱۲۰ باید ذکر شود که در متن ماده یکی از شرایط اشتغال اتباع بیگانه دارا بودن

^۱ شم آبادی، ابوالقاسم، ((مقاله کار کودکان در ایران))، ۹۱/۹/۱۵ مندرج در سایت

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

روادید با حق کار مشخص است به نظر می رسد عنوان کار مشخص بدین جهت ذکر شده است که تبعه خارجی ضمن تقاضای کار باید عنوان عملی را که به عنوان کار در ایران قصد انجام آن را دارد مشخصا ذکر نماید و در صورت اخذ روادید یا حق کار و پروانه در ایران حق اشتغال به هیچ کار دیگری به غیر از آن کار مشخص را ندارد چون روادید با حق کار مشخصا تحت عنوان همان کار صادر شده است نه کار دیگری.

مطابق با ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی ماده ۱۲۹ قانون کار وزارت کار و امور اجتماعی می تواند نسبت به لغو پروانه کار اتباع خارجی که شئون اسلامی قوانین و مقررات خارجی کشور و موازین انسانی روابط کار بر اساس گزارش واعلام مراجع ذی صلاح رعایت ننمایند اقدام نماید و هم چنین مطابق با تبصره همین ماده وزارت کار و امور اجتماعی می تواند پس از لغو پروانه کار اخراج اتباع خارجه از کشور از مراجع ذی صلاح درخواست نماید تبصره دوم ماده مذکور نیز مقرر می دارد که وزارت کار و امور اجتماعی در صورت لزوم می تواند از مراجع ذی صلاح ممنوعیت ورود اتباع بیگانه ای که بیش از دو بار مرتکب تخلفات موضوع این ماده شده اند را درخواست نماید، هم چنین در ماده ۱۲۵ قانون کار می خوانیم: در مواردی که به هر عنوان رابطه استخدامی تبعه بیگانه با کارفرما قطع می شود کارفرما مکلف است ظرف پانزده روز مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کند تبعه بیگانه نیز مکلف است ظرف پانزده روز پروانه کار خود را در برابر اخذ رسید به وزارت کار و امور اجتماعی تسلیم نماید وزارت کار و امور اجتماعی در صورت لزوم اخراج تبعه بیگانه را از مراجع ذی صلاح درخواست می کند.

وفق ماده ۸۱ قانون کار که مجازات یک سری تخلفات در زمینه کار اتباع بیگانه را بیان داشته مقرر نموده است کارفرمایی که اتباع بیگانه ای را که فاقد کاراند و یا مدت اعتبار پروانه کارشان منقضی شده است به کار گمارند. و یا اتباع بیگانه را در کاری غیر از آنچه در پروانه کار آنها قید شده است بپذیرند و یا در مواردی که رابطه استخدامی تبعه بیگانه با کارفرما قطع گردد مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام ننمایند با توجه به شرایط و امکانات خاخی و مراتب جرم به مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

هم چنین ماده ۹ آیینی نامه اجرایی ماده ۱۲۹ قانون کار مقرر میدارد در مواردی به رابطه استخدامی تبعه خارجی با کارفرما قطع گردد کارفرما مکلف است حداکثر ظرف مدت پانزده روز مراتب را جهت ابطال و ضبط پروانه کار تبعه خارجی به واحدهای ذی ربط وزارت کار و امور اجتماعی اعلام نماید. با متخلفین در این زمینه طبق ماده ۱۸ قانون کار رفتار خواهد شد و بالاخره در تذکرات مهم ذیل فصل اول دستورالعمل اجرایی موضوع ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی ماده ۱۲۹ قانون کار ذکر شده است که کارفرما مکلف است حداکثر یک ماه پس از ورود تبعه بیگانه به کشور مدارک لازم جهت صدور پروانه کار وی را به اداره کل کار و امور اجتماعی استان ارائه نماید بدیهی است در صورت تاخیر طبق ماده ۱۸۱ قانون کار عمل خواهد شد

هم چنین یک رای وحدت رویه دیوان عدالت اداری به شماره ۱۶۳/۸۰/هـ-۳۲۰ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۶ در زمینه کار اتباع بیگانه و برخی اعمال مجازات ها و جرایم در همین حدود صادر گردیده که متن رای وحدت رویه دیوان عدالت اداری بدین شرح است: به موجب بند (و) تبصره ۷ قانون بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور به منظور جلوگیری از حضور نیروی کار غیر مجاز خارجی در بازار کار کشور وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است کارفرمایی که اتباع خارجه فاقد پروانه کار را به استخدام در می آورند بابت هرروز اشتغال غیر مجاز کارگر خارجی معادل ده برابر حداقل دستمزد روزانه جریمه نماید. در صورت تخلف این جریمه دو برابر خواهد شد درآمد حاصله به درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل) موضوع ردیف ۴۱۹۹۸۸ قسمت سوم این قانون واریز خواهد شد. کارفرمایان مذکور در صورت اعتراض می توانند در محاکم صالحه طرح دعوا نمایند. نظر به اینکه مراد مقنن از محاکم صالحه ظهور در صلاحیت دادگاه های عمومی دادگستری در قضیه مطروحه دارد و واژه (محکمه) علی الصول تداعی کننده دادگاه های ذیصلاح دادگستری است بنابراین دادنامه شماره ۸۲۲ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۱ شعبه هفتم بدوی دیوان در پرونده کلاسه ۶۷۱/۸۰ در حدی که مقنن قرار عدم صلاحیت دیوان اعتبار صلاحیت دادگاه دادگستری در رسیدگی به اعتراض کارفرما

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

نسبت به برگه جریمه صادر ستاد پیگیری اشتغال اتباع بیگانه غیر مجاز می باشد موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود.

در جهت تامین حفاظت فنی ووزارت بهداشت درمان وآموزش پزشکی جهت جلوگیری از بیماریهای حرفه ای و تامین بهداشت کار وکارگرو محیط کار تدوین می شود برای کلیه کارگاه ها، کارفرمایان، کارگران وکارآموزان الزامی است و حتی طبق تبصره ماده ۸۵ کارگاه های خانوادگی نیز مشمول مقررات این فصل بوده و مکلف به رعایت اصول فنی وبهداشت کار می باشند. و علاوه بر این طبق ماده ۹۲ کلیه واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون که شاغلین در آنها به اقتضای نوع کار در معرض بروز بیماری های ناشی از کار قراردارند باید برای همه افراد مذکور در پرونده پزشکی تشکیل دهند و حداقل سالی یکبار توسط مراکز بهداشتی درمانی از آنها معاینه و آزمایش های لازم را به عمل آورند و نتیجه را در پرونده ضبط نمایند

وفق ماده ۱۳۰ اعلام میدارد به منظور تبلیغ و گسترش اسلامی ودفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و در اجرای اصل بیت وششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کارگران واحدهای تولیدی صنعتی کشاورزی خدماتی و صنفی می توانند نسبت به تامین انجمن های اسلامی اقدام نمایند. قانونگذار این جا زمینه نوعی تبعیض را فراهم آورده است از آنجا که ممکن است میان کارگران از اقلیت های مذهبی هم باشند. تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامی و تشکیل انجمن های اسلامی نمی توانند ازطرف اقلیت های مذهبی مورد استقبال قرار گیرد. وجود انجمن های اسلامی و نبود انجمن های صنفی که در راستای اصل بیست وششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور حفظ حقوق ومنافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان که خود متضمن حفظ منافع جامعه باشد کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه یا صنعت می توانند مبادرت به تشکیل انجمن های منفی نمایند.

هدف از مذاکرات و سندیکاها پیشگیری و یا حل مشکلات حرفه ای و یا شغلی و یا بهبود شرایط تولید و یا امور رفاهی کارگران است که از طریق تعیین ضوابطی برای مقابله با

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

مشکلات و تامین مشارکت طرفین در حل آنها و یا از راه تعیین و یا تغییر شرایط و نظایر این‌ها در سطح کارگاه حرفه و یا صنعت با توافق طرفین تحقق می‌یابد خواست‌های طرح شده از سوی طرفین بایدمتکی به دلایل و مدارک لازم باشد.

کلیه کارفرمایان مشمول این قانون مکلف اند در کارگاه محل مناسب برای ادای فریضه ی نماز ایجاد نمایند و نیز درایام ماه مبارک رمضان برای تنظیم شعائر مذهبی و رعایت حال روزه داران باید شرایط و ساعات کار را با همکاری انجمن اسلامی و شورای اسلامی کار و یا سایر نمایندگان قانونی کارگران طوری تنظیم نمایند که اوقات کار مانع فریضه ی روزه نباشد هم چنین مدتی از اوقات کار را برای ادای فریضه ی نماز و صرف افطار یا سحری اختصاص دهند- این دسته از مزایایی که برای کارگران مسلمان شامل وضع شده موجب تبعیض کارگران اقلیت دینی هستند را فراهم می‌کند. ودرعوض نیز کارگران اقلیت دینی به ساعات و زمان مناسب برای ادای تکلیف دینی خود هستند.

طبق ماده ۱۹۱ کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر را می‌توان بر حسب مهلت موقتاً از شمول بعضی از مقررات این قانون مستثنی نمود، تشخیص مصلحت و موارد استثنا به موجب آیین نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیات وزیران خواهد رسید - این ماده نیز می‌تواند موجبات تبعیض منفی را فراهم آورد. از آنجا که یک کارگاه شامل هر چند کارگری باشد بازهم افرادی که برای آن کارگاه کار می‌کنند کارگر محسوب می‌شوند و مستثنی شدن از برخورداری از بعضی حقوق تبعیضی آشکار بر علیه کارگرانی است که در کارگاههای کوچک مشغول به کارند.

مبحث اول: سایر قوانین

گفتار اول: حقوق کودکان در قانون گذرنامه

طبق ماده ۲۱ نام اطفال کمتر از ۱۸ سال تمام که همراه هر یک از والدین یا جد یا جده پدری یا مادری یا زن پدر یا شوهر مادر و یا خواهر و برادر خود مسافرت می‌نمایند در

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

صورت درخواست ولی یا قیم آنها بر حسب مورد در گذرنامه اشخاص مذکور ثبت خواهد گردید.

ماده ۲۲) نام نوزادانی که زنان ایرانی مقیم خارج هنگام توقف مادر در ایران متولد می شوند در گذرنامه مادر ثبت می شود و در این مورد نیازی به جلب موافقت پدر نیست و هم چنین در مواردی که در خارج از ایران شوهر ایرانی در کشور محل تولد نوزاد حاضر نباشد.

تبصره: اطفال موضوع بند ۴ ماده ۹۷۶ و موضوع ماده ۹۷۸ ق. م مادم که تحت ولایت یا حضانت پدر و یا مادر خود هستند می توانند به معیت والدین خود با گذرنامه خارجی آنان به خارج از کشور مسافرت نمایند.

حقوق اقلیت ها در قانون گذرنامه

وفق ماده ۳۱- شهربانی کل کشور می تواند با موافقت سازمان اطلاعات و امنیت کشور و تایید وزارت امور خارجه برای بیگانگان بدون تابعیت یا خارجیانی که به جهاتی قادر به تحصیل گذرنامه از کشور متبوع خود نیست اند برگ گذرنامه بیگانگان صادر نماید. این برگ دلیل تابعیت ایرانی دارنده و یا همراهان او محسوب نمی شوند.

تبصره ۱- مشخصات برگ گذریگانگان از لحاظ رنگ شکل و قطع و غیره به موجب آیین نامه ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۲- نام فرزندان کمتر از ۱۸ سال در برگ گذر والدین و هم چنین نام زن در برگ گذر شوهر به شرط آن که واجد شرایط مذکور در این ماده باشند ثبت می شود و استفاده جداگانه از این برگه به وسیله ی همراهان ممنوع است.

وفق ماده ۳۲- مدت اعتبار برگ گذر بیگانگان برای مراجعت به ایران از تاریخ صدور یکسال است و دارنده آن برای هر بار خروج از کشور باید تحصیل اجازه نماید.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

حقوق زن در قانون گذرنامه

فرزندان زیر ۱۸ سال برای خروج از کشور به رضایت پدر نیاز ندارند اما براساس قانون برای سفر فرزندان بالای ۱۸ سال نیازی به رضایت پدر نیست. و خانم های متاهل بالای ۱۸ سال برای سفر به کشورهای خارج باید رضایت همسرشان را داشته باشند.

مبحث دوم: قانون استخدام قضات

گفتار اول: قضاوت زنان

زن و مرد در زمینه کسب کمالات و ارزش ها مشترک هستند. اصل اجتهاد، پرورش کمال عالی علمی است که در آن زمینه زنان همچون مردان می توانند با رعایت حدود اسلامی به تحصیل علم بپردازند و به مراتب عالیه علمی برسند و هیچ محدودیت و منعی وجود ندارد. بر اساس دین اسلام زن از جهت کمالات هم ردیف مرد است و تنها شرافت هر انسانی را به ایمان و عمل صالح او می داند.

ایمان عدالت تعهد عملی به موازین اسلامی وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، طهارت تابعیت ایران عدم اعتیاد مواد مخدر و دارا بودن اجتهاد یا احراز قضا از سوی شورای عالی قضایی. در این قانون مرد بودن نیز از جمله شرایط لازم برای قضاوت ذکر شده و به این صورت بیان شده است (قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می شوند...) بنابراین به موجب این قانون اگر زنی واجد همه شرایط مندرج در قانون باشد نمی تواند قاضی شود قانونگذار شرط مرد بودن برای قضات را باتوجه به نظر شهود و یا شاید بتوان گفت نظر اجماعی فقههای شیعه که زن نمی تواند عهده دار منصب قضا شود و به حکم اصل ۱۶۳ قانون اساسی فوق الذکر می بایست شرایط قضات طبق موازین فقهی تعیین شود.

در قانون انتخاب قضات سال ۱۳۶۱ که تصویب شد مرد بودن شرط قضاوت به حساب می آید و چون طبق تبصره ۱ همان قانون این شرط شامل حال قضات شاغل می شود نتیجتاً قضات زن سمت قضایی دارند و در سمت های مشاوره ای انجام وظیفه می کنند در این تبصره آمده است ((بانوان دارندگان پایه قضایی واجد شرایط مذکور می توانند در دادگاه

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

های مدنی خاص و اداره سرپرست صغار به عنوان مشاور خدمت نمایند و پایه قضایی داشته باشند)) طی ماده واحده قانونی که در سال ۱۳۷۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و تبصره ۵ الحاقی به قانون شرایط انتخاب قضات مصوب سال ۱۳۶۳ ظاهراً در جهت گسترش میدان کار زنان در دستگاه قضایی به شکل زیر اصلاح شد: ((رئیس قوه قضائیه می تواند بانوانی را هم که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۶۱/۱۲/۱۴ می باشند با پایه قضایی جهت تصدی پست های مشاورت دیوان عدالت اداری دادگاه های مدنی خاص قاضی تحقیق و دفاتر مطالعه حقوقی و تدوین قوانین دادگستری و اداره سرپرستی صغار و مستشاری اداره حقوقی و سایر اداراتی که دارای پست قضائی هستند استخدام نماید)) با توجه به آنچه که ذکر شد می بینیم که باز هم زنان از تصدی قضاوت به معنای خاص آن و حکم دادن محروم اند.

در قانون اختصاصی تعدادی از دادگاه های موجود به دادگاه های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی ((دادگاه خانواده)) مصوب مرداد ۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی اندک پیشرفتی از لحاظ کیفی در کار قضایی خانم ها دیده می شود که تا سطح دادیاری و مستشاری به انها اجازه داده شده است.

امروزه در بسیاری از کشورهای جهان زنان نیز همپای مردان به مشاغل قضایی اشتغال دارند و مناسب مختلف قضایی را احراز می کنند و ریاست و تصدی محاکم مختلف و محاکمه و صدور حکم را به عهده دارند. در بسیاری از اسناد حقوق بشری قضاوت به عنوان یک حق مدنی و سیاسی مطرح است که زنان نیز باید بتوانند همانند مردان از آن برخوردار باشند و مقتضای برخورداری از تساوی حقوق و عدم تبعیض بر اساس جنس که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان... این است که آنان از دست یابی به مشاغل محروم نباشند.

گفتار دوم: قضاوت اقلیتها

همانطوری که از اصل ۱۶۳ قانون اساسی و قانون استخدام قضات و اصلاحات بعدی آن تا سال ۱۳۷۴ برمی آید و نیز بامدافه در اطلاعیه های آزمونهای استخدام قضات، می بینیم که با گذاردن شرایط خاص برای داوطلبین شغل قضا، هیچ جایی برای اقلیتهای دینی و ملیتی جهت تصدی این شغل وجود ندارد.

از جمله شرایط قضاوت؛ ایمان، طهارت مولد، عدالت، تعهد و التزام به موازین اسلام، تابعیت ایران، التزام عملی به قانون اساسی، جمهوری اسلامی و ولایت قفیه و... می باشد.

بانگاه به هر یک از شرایط فوق به غیر از سه مورد اخیر عرصه را بر هر نوع از اقلیتها برای اشتغال به قضاوت تنگ نموده و حتی یک ایرانی مسلمان و شیعه هم ممکن است در مصاحبه علمی و عقیدتی برای این شغل لایق نباشد.

مبحث سوم: پذیرش دانشجو

گفتار اول: جنسیت

بابت اسلامی کردن دانشگاه، تفکیک جنسیتی هم پیش می آید و در اکثر دانشگاه ها دختر و پسر از یکدیگر جدا شده اند و یادر بعضی از رشته ها دختران حق تحصیل ندارند و حتی بدانجا رسید که چند سال پیش قرار این بود که مردان حق گرفتن تخصص زنان و زایمان را نداشته باشند. اینگونه تصمیمات اغلب موقت و بر اساس افکار افراد متصدی بر وزارت علوم و با تصویب بخشنامه هایی صورت می پذیرد که بعدا به راحتی قابل تعدیلند.

گفتار دوم: عقیدتی

بانگاه بر اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی که ادیان و مذاهب مورد پذیرش را مشخص نموده است این گونه به نظر می رسد که فقط ادیان و مذاهب مورد اشاره در قانون اساسی حق تحصیل در دانشگاه های ایران را دارند. ولی از طرفی صراحتا در هیچ قانونی این مطلب که سایرین حق تحصیل ندارند، اشاره نشده است. و در برخی دفترچه های کنکور از پذیرش دانشجوی خارجی خبر می دهند، که البته این دو موضوع کمی با هم تناقض دارند که باید شفاف

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

گردد که آیا اقلیت های ملیتی حق تحصیل آن هم بدون کنکور را داشته ولی اقلیت های عقیدتی این حق را ندارند؟ این موضوع با بند ۱ اصل ۴۳ و اصل ۳۰ قانون اساسی متناقض است.

جمع بندی

هر چند در قانون اساسی حقوق و آزادی هایی برای تمامی افراد جامعه در نظر گرفته شده است ولی در بعضی مواقع با کلی گویی و یا عدم نام بردن از موضوعی خاص (سکوت) و یا تفسیر نادرست، اینگونه به نظر می رسد که سعی در تبعیض بوده است که البته با تفسیر موسع از اصول کلی و با توجه به اصل تسامح می توان تمام آحاد ملت اعم از زن و مرد، مسلمان و غیرمسلمان و کوچک و بزرگ و غیره را در آن جای داد.

اما در خصوص سایر قوانین تبعیضات مشخص و مبرهنی صورت پذیرفته که قابل اغماض و چشم پوشی نیستند و حقوق ارثی زنان، حق طلاق و حضانت در قانون مدنی، شهادت، دیه و مسئولیت جزائی در قانون مجازات، موضوعات اشتغال زنان، کودکان و اقلیت ها در قانون کار و مواردی دیگر در سایر قوانین و نیز در خصوص اقلیت ها بحث ارث، شهادت، ایمان، استخدام، قصاص و دیه که البته به تفصیل قبلاً بیان شده است و نیز حقوق کودکان، سالمندان و بیگانگان و همه و همه مواردی است که باید تعدیل گردد.

هر چند در سالهای اخیر تلاش هایی برای این امر انجام پذیرفته از قبیل تصویب حقوق شهروندی، برابری دیه مسلمان و غیرمسلمان و یا ارث بردن زن از عرصه اموال غیرمنقول و غیره صورت پذیرفته و تلاش هایی نیز در حال انجام است همانند الحاق یک تبصره به ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی و استثناء نمودن ادیان رسمی غیرشیعه از این ماده، یا حذف حکم رجم و عدم اعدام کودکان زیر ۱۸ سال در لایحه جدید قانون مجازات و غیره ولی نیل به نتیجه مطلوب بسیار دور است. زیرا تلاش های مخالف این اصل هم به موازات تلاش های موافق در حال صورت گرفتن است از جمله لایحه جدید حمایت خانواده که حقوق زنان را

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

مخدوش می‌کند و یا نحوه پذیرش دانشجو، اصلاح قانون گذرنامه و یا اضافه نمودن جرم بقی در لایحه قانون مجازات جدید از این دسته اقدامات مخالف این اصل می‌باشد.

لذا به یک تلاش کلی و به یک اجماع حقوقی و فقهی در کشور نیاز داریم تا این قوانین ناقض این اصل تعدیل گردند و آن هم میسر نمی‌شود مگر در سایه بذل توجه مقام رهبری که با صدور حکم حکومتی و استفاده از فقها و حقوقدانان برجسته کشور و اعتماد به ایشان قوانین را اصلاح نمایند به نحوی که حقوق ایران بتواند پاسخگوی نیازهای روز آحاد مردم و حفظ حقوق شهروندی و همگرا با قواعد حقوق بین‌الملل باشد.

نتیجه‌گیری

جامعه بشری دارای تبار مشترک می‌باشند و با هم پیوندی عمیق و ناگسستنی و برابر دارند، در تمامی اعتقادات دینی، یک دیدگاه وجود دارد که همه انسان‌ها از والدینی به نام آدم و حوا به وجود آمده‌اند و روح الهی در کالبد آنها دمیده شده و همگی دارای فطرت پاک، خرد، جسم و جان هستند. از اینرو در کلیات خلقت هیچ تفاوتی بین آنها وجود ندارد، لذا هیچ رجحانی بین آنها نیست و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد.

اما همین انسان‌ها که دارای خلقت واحد هستند با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی هر کدام به نوعی خاص پرورش و رشد پیدا می‌کنند و بعضی سرآمد علمی، اجتماعی و یا ورزشی می‌شوند و بعضی دگر در قعر گمراهی و حقارت، زندگی را تداوم می‌دهند و این رشد یا ذلالت به جنسیت، نژاد، زبان و یا عقیده نیست. چه بسا زنانی که مایه فخر زمین و زمانند و چه کافرانی که با اختراعات و اکتشافات علمی و پزشکی و غیره باعث نجات جان هزاران با ایمان می‌گردند.

بحث تبعیض ساخته دست بشر است و انسان‌ها به فراخور موقعیت و خودخواهی‌های خود موجبات تبعیض را بوجود آورده‌اند و مردان به واسطه قدرت کار و توان اقتصادی و نیروی فیزیکی‌شان برای خودنسبت به زنان قائل به تبعیض شدند و سفیدپوستان بواسطه امکانات و قدرت نظامی و سیاسی خود بر سیاهپوستان ظلم کردند و عقیده اکثریت بر عقیده اقلیت

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

برای خودرجحان قائلند ولی این معضل که قرون متمادی گریبانگیر نوع بشر بوده انسان‌ها و اندیشمندان و آزاداندیشان را برآن داشت که فکر چاره باشند و جهت نیل به این اصل، انسان‌هایی چون **نلسون ماندلا** سالهای عمر خود را در مبارزات و زندان سپری نمودند. ولی این تلاش هاتاقرون اخیرجدی و قابل توجه نبود.

تلاش‌های جوامع بین‌المللی و دولتها جهت بسط، گسترش و ایجاد مقررات فراگیر و الزام‌آور بین‌المللی درخصوص قاعده منع تبعیض در قرن ۱۹ شدت گرفت و موجب تدوین و تصویب معاهدات معتبری در این زمینه گردید از جمله؛ منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و غیره گردید که به حق جهت تصویب و انعقاد چنین معاهداتی زحمات بسیاری از سوی نهادهای سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و حقوقدانان برجسته جهان و بویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل صورت پذیرفته است.

علاوه بر تلاش‌های جهانی و عام، فعالیت‌های منطقه‌ای هم در این خصوص صورت پذیرفته که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور اجتماعی حقوق بشر و کنوانسیون حفاظت از اقلیتهای ملی ۱۹۹۵ در قاره اروپا و اعلامیه آمریکایی حقوق بشر ۲، منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک در قاره آفریقا و اعلامیه اسلامی حقوق بشر و چند معاهده دیگر از جمله تلاش‌های صورت پذیرفته در مناطق مختلف جهان است.

آنچه دیده می‌شود این است که علاوه بر تلاش‌های جهانی، در هر قاره از جهان هم به نوع خود تلاش‌هایی جهت کمک به این موضوع و امحاء تبعیض صورت پذیرفته است ولی سه نکته اساسی وجود دارد. اول اینکه در قاره آفریقا تلاش‌های بسیار خوبی برای این امر صورت گرفته که انتظار جهانی زیادی از این قاره نمی‌رود و شاید به این دلیل باشد که نژاد سیاه بشر خود یکی از قربانیان تبعیض نژادی بوده است. و دوم اینکه هیچ معاهده و کنوانسیون جامعی منسوب به قاره آسیا وجود ندارد حال اینکه این قاره کهن خود کسانی چون کوروش کبیر را داشته که اولین منشور حقوق بشر در جهان منتسب به ایشان میباشد،

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

و سوم اینکه باوجود انتقادات اساسی از مسلمانان در خصوص وجود تبعیض در رفتار آنان تلاش‌های زیادی از سوی دول مسلمان جهت پایان دادن به این امر صورت پذیرفته است.

از این موضوع که بگذریم در شکل و ماهیت، اکثر این معاهدات و کنوانسیون‌ها دارای مشابهت اساسی هستند و در تمامی آنها تقریباً انواع تبعیض و مصادیق آن با اندک تفاوتی باهم مشابه هستند، تبعیض جنسیتی، عقیدتی، نژادی، اجتماعی، سیاسی و سنی از جمله تبعیضات شناخته شده‌اند که اغلب مشترکند ولی غیر از شناخت انواع تبعیض باید انواع حقوق اساسی افراد را نیز شناخت. آزادی و حق حیات از جمله حقوق بنیادین و از موهبات الهی است که هیچ کس حق محدود کردن آن را ندارد ولی انسان هم نمی‌تواند این حق فردی را مستمسک ایجاد ضرر برای دیگران قرار دهد. به غیر از آزادی و حق حیات حقوق دیگری مثل حق عدالتخواهی، حق اشتغال، حق بیان، حق اعتقاد، حق اعتراف، حق امنیت، حق تحصیل، حق برابری، حق برخورداری از محاکم عدلانه، حق داشتن وکیل، حق صلح، حق برائت، حق قابلیت، حق تشکیل خانواده، حق مشارکت سیاسی، حق انتخاب، حق استخدام، حق تأمین اجتماعی، و... از جمله حقوق اساسی انسان‌هاست که در بتن و لایه‌های زندگی اجتماعی محفوظ است.

دولتها در قوانین خود کم و زیاد این حقوق را برای افراد جامعه خود پیش‌بینی نموده‌اند. قانون اساسی هر کشور تعیین‌کننده حقوق افراد و نیز تعیین‌کننده حدود قلمرو حاکمیت دولتهاست. قوانین اساسی برای محدود کردن افراد نوشته نشده‌اند بلکه باید تضمین‌کننده حقوق ایشان باشند، در قانون اساسی ایران هم اکثر این حقوق به رسمیت شناخته شده‌اند ولی آنچه بعضاً شاید نگران‌کننده باشد اجرای آن است.

بعد از قانون اساسی، به ترتیب قوانین مدنی و قانون جزاء به نوعی تضمین‌کننده حقوق می‌باشند که البته در حقوق ایران یک اصل اساسی اجتناب‌ناپذیر وجود دارد و آن حاکمیت شرع اسلام بر قوانین مدنی و جزائی ایران است. قانون مدنی با وجود اینکه در سال ۱۳۰۷ و در دوران قبل از انقلاب تصویب شده و مقتبس از حقوق فرانسه بوده ولی کاملاً با حقوق اسلامی و فقه امامیه سازگار است و تقریباً با ظرافت خاصی هر دو جنبه را رعایت کرده است

بخش سوم: جایگاه منع تبعیض در حقوق ایران

ولی قانون مجازات ایران وفق احکام اولیه و ثانویه اسلامی، مخصوصاً در بخش حدود، دیات و قصاص تدوین و تصویب شده است، اما به نظر حقوقدانان آزاد این قانون بیشترین نوع تبعیض را علی‌الخصوص نسبت به زنان و اقلیت‌ها در میزان دیه و نحوه قصاص و نحوه شهادت قائل است.

اگر بخواهیم رتبه بندی از نظر بالاترین میزان تبعیض و کم‌ترین تبعیض اعمال شده در قوانین موضوعه ایران بدست آوریم قانون مجازات اسلامی بالاترین میزان اعمال تبعیض و قانون کار ایران کمترین میزان تبعیض را نسبت به افراد جامعه بکار برده است و شاید از این رو بوده که قانون کار مدت‌ها در بین مجلس و شورای نگهبان جهت تصویب نهایی سرگردان بوده و نهایتاً مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را تصویب و ابلاغ نمود.

در اینجا باید به تفاوتها پرداخت، آنچه مسلم است این است که با توجه به ماهیت اسلامی حقوق ایران اقتباس آن از شرع انور اسلام در تصویب قوانین، ماهیتاً تفاوت و اختلاف بین اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق ایران اجتناب ناپذیر می‌باشد بطورمثال در حقوق زنان، اسناد بین المللی و حقوق موضوعه غرب قائل به تساوی مطلق می‌باشند، اما حقوق ایران در ضمن اعتقاد به تساوی، ولی تفاوت‌هایی را قائل است. زن حق طلاق ندارد، اشتغال، تحصیل و خروج وی از کشور با اجازه شوهر است ولی از طرفی نهاد مهریه، نفقه و اجرت‌المثل را برای وی در نظر گرفته است که البته اغلب زنان برای بدست آوردن حق طلاق مجبور به گذشت از این حقوق می‌باشند.

در حقوق ارثیه قوانین دولتها با هم متفاوت است و اغلب براساس دین غالب بر کشورشان عمل می‌کنند که مشروح آن قبلاً بحث شده است.

امادرخصوص بیگانگان وضع متفاوت است زیرا بیگانگان در یک کشور دیگر ممکن است چند حالت داشته باشند:

۱- بصورت موقت برای کار، تحصیل یا مأموریت سیاسی آمده باشند که فقط طبق قوانین خاص با آنان رفتار میشود.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

۲- مهاجرت کرده باشند که طبق قوانین مهاجرت هر کشور، پس از طی مدت زمان و آزمونهای خاص، قبول و از حقوق محدودتری نسبت به افراد بومی برخوردار هستند.

در مورد اقلیتهای دینی و نژادی، هر چند قوانین اکثر کشورها نسبت به آنها اصلاح شده و تعدیل یافته است ولی هنوز بصورت کامل اجرا نمی شوند و براساس افکار ناسیونالیستی و نژادپرستانه و گاهی آموزه های دینی در برخی نقاط خود را نژاد برتر می دانند، در جوامعی به مسلمانان ظلم می کنند، و در جای دیگر مسلمان هر غیرمسلمانی را کافر می داند و هنوز مردان خود را برتر از زنان می پندارند.

پس از بررسی این موضوعات سئوالات زیادی در ذهن ایجاد می شود:

۳- اصل عدم تبعیض در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق ایران چه جایگاهی دارد؟

۴- باتوجه به اسلامی بودن قوانین و مقررات در نظام نوین حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تعارضات بوجود آمده میان مصوبات مذکور و تعهدات ناشی از اسناد بین المللی حقوق بشری، چگونه بر طرف می شود؟

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- (۱) احمدی، نعمت، آیین دادرسی مدنی، انتشارات اطلس، تهران، چ اول، ۱۳۷۵.
- (۲) آرتی دله، طیبیه، قوانین و مقررات ویژه زنان در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات زیتون، ۱۳۸۲.
- (۳) آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات انصاف، عدالت، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۸۳.
- (۴) انصاری، مسعود، طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد دوم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- (۵) تاموشات، کریستیان: حقوق بشر مبانی نظری، تحولات تاریخی و ساز و کارهای اجرایی، مترجم شریفی طراز کوهی، حسین، میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

- ۶) جعفری، محمد تقی، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر، تهران، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، چ اول، ۱۳۷۰.
- ۷) جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چ بیست و دوم، ۱۳۸۸.
- ۸) دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با همکاری کانون بین‌المللی وکلا، حقوق بشر در دستگاه قضایی، ج اول، تهران، سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ۱۳۸۸.
- ۹) زاهدی، فضل‌الله، بررسی تطبیقی شرایط کار زنان، تهران، موسسه کاروتأمین اجتماعی، ۱۳۸۱.
- ۱۰) سلجوقی، محمود، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج اول، چ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- ۱۱) سلمان ظاهری، محمد، حقوق کار در سطح
- ۱۲) شاکریان، شاهرخ، فقیری، شکوه، منتصراسدی، فاطمه، مجموعه کنوانسیون‌های بین‌المللی تصویبی دولت ایران، تهران، ریاست جمهوری، چ اول، چ سوم، ۱۳۷۶.
- ۱۳) حقوق کنونی، چ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۸.
- شهیدی، مهدی، ارث، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴.
- ۱۴) شریفیان، جمشید، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، چاپ اول.
- ۱۵) غفاری چراتی، ابراهیم، بررسی فقهی حقوق کودک در قوانین و معاهدات بین‌المللی (گزیده پایان‌نامه‌های حقوق بین‌الملل)، انتشارات جاودانه، ۱۳۸۷.
- ۱۶) فهیمی، عزیزالله، بررسی تطبیقی ارث اقلیت‌های دینی در حقوق اسلامی، اشراق، تهران، ۱۳۸۱.

منابع و مآخذ

- ۱۷) قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، ج یکم، شهر دانش، ۱۳۹۰.
- ۱۸) کورنر، اشتفان، فلسفه کانت، انتشارات خوارزمی، چ دوم، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۹) کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه یونان و روم، ترجمه مجتبوی، سیدجلال‌الدین، انتشارات سروش، ۱۳۷۵.
- ۲۰) کاپلستون، فردریک، از ولف تا کانت، ج ششم، ترجمه بزرگمهر، منوچهر، انتشارات سروش، ۱۳۸۰.
- ۲۱) کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، دادگستر، ۱۳۷۷.
- ۲۲) کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظم حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۶.
- ۲۳) ژان، لاکوست، فلسفه در قرن بیستم، ترجمه داوودی اردکانی، رضا، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- ۲۴) ملکوتی، سیدحسین، ((بررسی تطبیقی حقوق اقلیت ها در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی)) دانشگاه تهران پردیس قم، ۱۳۸۳.
- ۲۵) منصوری لاریجانی، اسماعیل، سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با حقوق بشر اسلام، تهران، تابستان ۱۳۷۴.
- ۲۶) میرعباسی، سید باقر، نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر، انتشارات جنگل، ۱۳۸۱.
- ۲۷) مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۳.
- ۲۸) موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت، تهران، کارنامه، ۱۳۸۳.
- ۲۹) ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر، تهران، ماجد، چ دوم، ۱۳۷۲.

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

۳۰) نفیس، عبدالحسین، آموزش و پرورش برای قرن ۲۱، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۹.

۳۱) واحدی، قدرت اله، مقدمه علم حقوق، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.

۳۲) یشربی، سید یحیی، فلسفه مشاء، موسسه بوستان، کتاب قم، ۱۳۸۳.

مقالات

۱) آن الیزابت، مایر، تبعیض جنسیتی و حقوق بشر در ایران، مجله ایران نامه، زمستان ۷۹ و بهار ۸۰، شمار ۷۳ و ۷۴.

۲) شم آبادی، ابوالقاسم، حقوق فرهنگی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، بهار ۱۳۸۲، شماره؟؟؟؟

شاقول، یوسف، مبانی فلسفی نظریه عدالت رالز، مجله فلسنامه فلسفه، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۵.

۳) شاقول، یوسف، مبانی فلسفی نظریه عدالت رالز، مجله فلسنامه فلسفه، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۵.

۴) شیروودی، مرتضی، اشتغال زنان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و جمهوری اسلامی، مجله بانوان شیعه، پاییز ۱۳۵۸، شماره ۹.

۵) صادقی، فاطمه، رالز در فلسفه سیاسی کانت، مجله نامه فلسفه، پاییز ۱۳۸۰.

۶) فضائی، مصطفی، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و شروط کلی وارد بر آن، مجله حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۳۴.

۷) قاسمی شوب، احمدعلی، نگاهی به جایگاه حقوق بیگانگان در حقوق بین‌الملل ح بشر، مجله حقوق پاییز ۱۳۸۳، شماره ۳۱.

منابع و مأخذ

۸) مهدوی، محمد صادق، نگاهی به اصل برابری فمینیسم و موانع اشتغال زنان، مجله بانوان شیعه، شماره ۹۰، پاییز ۱۳۸۵.

۹) نعمت‌الهی، اسماعیل، فلسفه حق، مجله فقه و حقوق، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۳.

قوانین

۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی

۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷

۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

۴) قانون کار مصوب ۱۳۶۸

۵) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸

۷) قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱

۸) قانون استخدام قضات ۱۳۷۴

اسناد جهانی

۱) منشور سازمان ملل متحد ۱۹۴۵

۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸

۳) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۴۸

۴) میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶

۵) کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹

۶) کنوانسیون امحای همه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

۷) عهدنامه بین‌المللی الغای همه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۵

۸) اعلامیه رفع همه اشکال عدم تساهل و تبعیض مبنی بر مذهب یا عقیده ۱۹۸۱

اسناد منطقه ای

۱) کنوانسیون اروپایی حقوق بشرو آزادی های اساسی

۲) منشور اجتماعی اروپا ۱۹۶۱ و ۱۹۹۶

۳) کنوانسیون معیار برای حفاظت از اقلیت های ملی ۱۹۹۵

۴) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۴۸ و ۱۹۶۹

۵) کنوانسیون آمریکایی پیشگیری، مجازات و امحای خشونت علیه زنان ۱۹۹۴

۶) منشور آفریقایی حقوق بشرو اقوام ۱۹۸۱

۷) منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک ۱۹۹۰

۸) اعلامیه شورای اسلامی اروپا ۱۹۸۰

۹) اعلامیه اجلاس کویت ۱۹۸۰

۱۰) اعلامیه قاهره درمورد حقوق بشر در اسلام ۱۹۹۰

منابع انگلیسی

A:Books

- ۱) Matthew Craven, *The International Covenant on Economic-Social Culture*
- ۲) *Rights*, Clarendon PRESS, Oxford, New York, second edit., ۱۹۹۸.
- ۳) Philip Leach, *Taking a Case to the European Court of Human Rights*, Oxford University, PRESS, New York, ۲۰۰۵, second edition

منابع و مأخذ

- ۴) *Li, Weiwei, Equality and Non-discrimination under International Human Rights Law, university of Oslo, ۲۰۰۴.*
- ۵) *Mashood Abaderin, Enternational Thaman Rights and Islamic Law Oxford University Press, ۲۰۰۳, IP: ۲۲۶۰۰۲۲۹۰.*

B: Articles

- ۱) *The african charter on the rights and welfare of the child from the child from the www.pulp.up.ac*
- ۲) *www.conventions.coe.int from the article, the European social charter charter of the of council Europe, from: www.eurofound.europa.EU*

سایت ها

۱. ابراهیمی، محمد، ((مقاله روپایی حقوق بشر))، ۹۱/۸/۱۲، مندرج در سایت www.pajoohe.com
۲. ابراهیمی، محمد، ۹۱/۸/۱۲ مندرج در سایت: www.pajoohe.com
۳. تبعیض سالمندان، فروردین ۹۱، سایت www.tehransafe17.com
۴. سپهری، شیوا، ((مقاله قانون اساسی و انتخابات))، ۹۱/۹/۸، مندرج در سایت www.donyaye hoghoogh.com
۵. شم آبادی، ابوالقاسم، ((مقاله کار کودکان در ایران))، ۱۵/۹/۹۱، مندرج در سایت www.abhsemshamabadi.blogfor.com
۶. ۹۱/۶/۲۵ مقاله مندرج در سایت www.hawzeh.net
۷. کودک، آرامش، آموزش و پرورش، ۹۱/۳/۱۴ www.yun.org.ir

اصل عدم تبعیض اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

۸. میثاقی، محمدحسین، ((عدالت از منظر استاد مطهری)) ۹۱/۶/۲۶ در سایت

www.ido.ir

۹. سلامتی، یعقوب، ((مقاله مصوبات بین‌المللی حقوق بشر))، ۹۱/۸/۶ مندرج در

سایت *law for law*

۱۰. قربانی، علی، ((مقاله اعلامیه اسلامی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر))،

www.lawtoday.ir ۹۱/۸/۲۵

۱۱. برهانی، محمد تقی ((از نظر ارسطو))، ۹۱/۳/۵ مندرج در سایت

www.rasekhoon.net

۱۲. ((مفهوم عدالت در اندیشه فلاسفه اسلامی))، ۹۱/۳/۱۰ مندرج در سایت

[www. Tebyan-zn.irh](http://www.Tebyan-zn.irh)

۱۳. موحد، محمد علی، ((حق چیست)) ۹۱/۱/۶ مندرج در سایت: www.vekalat.orj

۱۴. ((مقاله مفهوم شناسی ایمان)) ۹۱/۹/۱۰، مندرج در سایت: www.islampeddia.ir